د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
د علومو اکاډمي
د بشري علومو معاونيت
د ټولنيزو علومو مرکز

آریانا

مجلهٔ علمی - تحقیقی

په دې ګڼه کې:

- سغد Suγd دومین سرزمین...
- اهمیت بازاریابی محصولات زراعتی
- وسواس و راه های پیشگیری از آن
- د مشرتوب یا رهبری اصول
- نقش صلح و امنیت در...
- کندکاوی در باب شکل گیری...

...

- دوره پنجم
- ربع چهارم
- سال: ۱۳۹۶ هـ.ش.
- شماره مسلسل: ۴۲۷
- سال تأسیس: ۱۳۲۱ هـ.ش
- کابل- افغانستان

۴

مجلهٔ علمی - تحقیقی آریانا

شماره ۴، سال ۱۳۹۶

ARYANA

Quarterly Journal

Establishment 1942
Academic Publication of
Afghanistan Academy of Science
Serial No: 427

Address:
Academy of Science of Afghanistan
Torabaz Khan, Shahbobo Jan Str.
Shar-e-Now, Kabul,Afghanistan
Tel: 0202201279

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
د علومو اکاډمي
د بشري علومو معاونیت
د ټولنیزو علومو مرکز

آریانا

مجلهٔ علمی- تحقیقی
اقتصاد، تاریخ و اتنوگرافی، حقوق و علوم سیاسی، روانشناسی و
تعلیم و تربیه، ژورنالیزم، فلسفه و جامعه شناسی

مؤسس احـمد عـلی کـهـزاد
سال تأسیس ۱۳۲۱ هـ . ش.
شماره مسلسل ۴۲۷
دوره پنجم

یادداشت:

- مقاله رسماً از آدرس مشخص با ذکر نام، تخلص، رتبه علمی، نمبر تیلفون، و ایمیل آدرس نویسنده به اداره اکادمی علوم فرستاده شود.
- مقالهٔ ارسالی باید علمی – تحقیقی، بکر و مطابق معیارهای پذیرفته شدهٔ علمی باشد.
- مقاله باید قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.
- عنوان مقاله مختصر و با محتوا مطابقت داشته باشد.
- مقاله باید دارای خلاصهٔ حد اقل حاوی ۸۰ الی ۲۰۰ کلمه بوده، و گویای پرسشی اصلی باشد که مقاله در پی پاسخ دهی به آن است. همچنان خلاصه باید به یکی از زبان‌های یونسکو ترجمه شده باشد.
- مقاله باید دارای مقدمه، مبرمیت، هدف، سؤال تحقیق، روش تحقیق، نتایج به دست آمده و فهرست منابع بوده و در متن به منبع اشاره شده باشد.
- مقاله باید بدون اغلاط تایپی با رعایت تمام نکات دستور زبان، تسلسل منطقی موضوعات در صفحهٔ یک رویه کاغذ A٤ در برنامهٔ word تنظیم شده باشد.
- حجم مقاله حد اقل ۷ و حد اکثر ۱۵صفحه معیاری بوده، با فونت ۱۳ تایپ شود، فاصله بین سطر ها واحد (Single) باشد و به شکل هارد و سافت کاپی فرستاده شود.
- هیأت تحریر مجله صلاحیت رد، قبول و اصلاح مقالات را با در نظر داشت لایحهٔ نشراتی اکادمی علوم دارد.
- تحلیل ها و اندیشه های ارائه شده بیانگر نظریات محقق و نویسنده بوده، الزاماً ربطی به موقف اداره ندارد.
- حق کاپی مقالات و مضامین منتشره محفوظ بوده، فقط در صورت ذکر مأخذ از آن استفاده نشراتی شده می تواند.
- مقالهٔ وارده دوباره مسترد نمی گردد.

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ناشر: ریاست اطلاعات و ارتباط عامه اکادمی علوم افغانستان

مدیر مسؤول: معاون سر محقق عبدالحکیم رامیار

مهتمم: معاون محقق رفیع الله عرفان

هیأت تحریر:

- سر محقق شیر علی تزری
- سر محقق عبدالجبار عابد
- معاون سر محقق محمد موسی رحیمی
- معاون سر محقق داکتر فاروق انصاری
- معاون سر محقق وجیه الله شپون

دیزاین: محمد مجتبی همایون

محل چاپ: مطبعه شمشاد هاشمی

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

آدرس: اکادمی علوم افغانستان، طره باز خان واټ،

کوچه شاه بوبوجان، شهرنو، کابل

شمارۀ تماس ریاست اطلاعات و ارتباط عامه: ۰۲۰۲۲۰۱۲۷۹(۰۰۹۳)

ایمیل ریاست اطلاعات و ارتباط عامه: informationasakabul@gmail.com

ایمیل مدیریت مجله: aryanajournal@gmail.com

اشتراک سالانه:

کابل: ۳۰۰ افغانی

ولایات: ۵۰۰ افغانی

کشورهای خارجی: ۱۰۰ دالر امریکایی

- قیمت یک شماره در کابل:
- برای استادان و دانشمندان اکادمی علوم: ۷۰ افغانی
- برای محصلین و شاگردان مکاتب: ٤۰ افغانی
- برای سایر ادارات: ۸۰ افغانی

فهرست موضوعات

شماره	عنوان	نویسنده	صفحه
۱.	سُـــــغد Suγd دومین سرزمین...	دکتور خلیل الله اورمړ	۱
۲.	اهمیت بازاریابی محصولات زراعتی	سرمحقق شیرعلی تزری	۹
۳.	وسواس و راه های پیشگیری از آن	سرمحقق فضل احمد غروب	۲۰
٤.	د مشرتوب یا رهبرۍ اصول	پوهنوال دکتور محمد مصطفی نیازی	۳۴
٥.	نقش صلح و امنیت در...	سرمحقق طوبی ابوی صادق	۵۴
٦.	کند وکاوی در باب شکل گیری...	معاون سرمحقق دکتور فاروق انصاری	٦۳
۷.	تشخیص روش مناسب سرمایه...	محقق نسرین ترین	۷۲
۸.	عوامل اعتیاد نوجوانان و جوانان...	محقق انوشه هاشمی	۹۰
۹.	د دولت د عوایدو په زیاتوالي کې...	څېړنیار محمداسماعیل ایمل مشوانی	۱۰۳
۱۰.	د ((اوضاع سیاسی، اجتماعی ...	سرمحقق دکتور محمد شریف ځدران	۱۱۵

دکتور خلیل الله اورمړ

سُـــــغد *Suγd* دومین سرزمین آهورایی

(مقاله سوم)

مقدمه

به ادامهٔ مقالات تثبیت و شناخت ١٦ قطعه سرزمین آریانا به استناد اوستا، اینک مقالهٔ سوم بنام سغد ارائه می‌گردد.

سُغد یا سغد باستان سرزمینی است شامل تاجکستان و بخش خاوری ازبکستان کنونی میان کوه های تیانشان و رود آمو. گاهی به این سرزمین **سغدیانا** (Sogdiana) هم می‌گویند. مردم این ناحیه به زبان سغدی که یکی از زبان‌های آریانی میانه بود، سخن می‌گفتند. سغدیان با تازش عرب ها و ترکاها از میان رفتند و آنچه امروزه از آنها آگاهی در دست است، بیشتر از یافته‌های باستانشناسان و یا نوشته های نویسندگان سده های نخستین اسلامی؛ مانند ابوریحان بیرونی است.

سغد در آثار باستانی

سغد از کهن‌ترین دوران در تاریخ ماوراءالنهر و خراسان قدیم معروف بوده است. در کتاب مقدس زرتشتیان (اوستا)، از این ایالت به صورت "سوغده" سخن رفته و آن هم فقط در یک جا؛ یعنی در بند دوم از فرگرد اول وندیداد آمده است: "دومین سرزمین که من آهورا مزدا آفریدم، دشتی بود که سوغدها (مردم سغد) در آن سکنی گرفتند". از این روایت پیدا است که این اسم نخست نام یک شاخهٔ از قوم تورانی بوده است.

سغد در متون کتاب اوستا نیز یادآوری می‌شود، در آنجا گفته شده که گاوا

سرزمین سغدیان است و آنرا آهورا مزدا به عنـوان دومـین منطقـه و از جملـهٔ بهـترین اماکن بوجود آورد.

متن فرگرد اول وندیداد بند، ۴

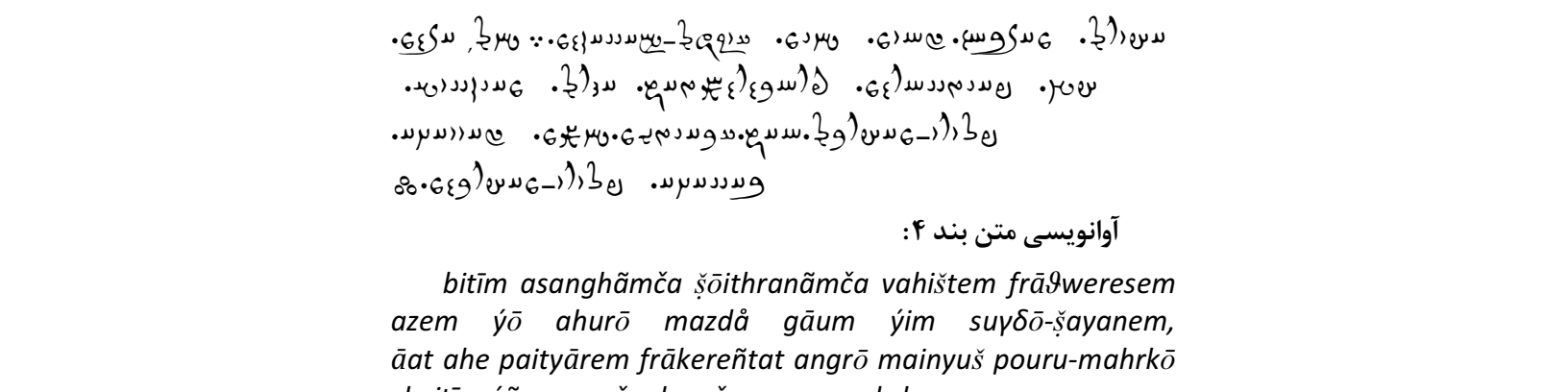

آوانویسی متن بند ۴:

bitīm asanghãmča ṣ̌ōithranãmča vahištem frāϑweresem azem ýō ahurō mazdå gāum ýim suγδō-ṣ̌ayanem, āat ahe paityārem frākereñtat angrō mainyuš pouru-mahrkō skaitīm ýãm gavača dayača pouru-mahrkem.

ترجمهٔ متن بند ۴: دومین سرزمین و کشور نیکی که من آهورا مـزدا، آفریـدم، جلگهٔ سغد (*gava*) *Suγd* – [در *Sogdiana*] بود. پس، آنگاه انگره مَینیوی همـه تن مرگ بیامد و به پتیارگی، خرَفستری به نام سْکَیتیَه را بیافریـد کـه مـرگ در گلـهٔ گاوان افگند (ترجمه از متن اوستایی) (۱۱: ص ۳، ج. ۳، بند ۴).

سغد در اسناد تاریخی

بـه اوسـتایی: gava و suγδō.šayana (۱۲: صـص. ۵۰۹ gava و ۱۵۸۲ suγδō.šayana).

به فارسی باستان: suguda- sugda (۱۳: ص. ۲۰۹)

به یونانی باستان: Σογδιάνη

به فارسی میانه: sugutistān و .suγgut (٦:ص.۵۲۲)

به بندهش:sugudistān : sgwtst'n' (۵:ص.۳۵۷)

دوهـارلز در تحقیقـات خـود gava را پایتخـت سـغد مـی دانـد، امـا دارمسـتتر عقیده دارد که gava به معنای دشت است و آن را تبدیل به جای می دانـد gāy< gava (۷: ص. ٦١)

ایالت سغد سرزمینی است بین رود سیحون و جیحون و در جانب غربی ماوراء النهر (۲: ص. ۲۲۴) و در شمال شرقی بلخ و اقع بوده که توسط جیحون از یک دیگر جدا شده اند. سغد نام اقلیم است و شهری بدین نام ندارد و در پیرامون آن از اقلیم های ماوراء النهر در مشرق قسمتی از فرغانه و فامر، در مغرب حدود سمرقند و در شمال چاچ و قسمت از فرغانه و در جنوب قسمتی از کش و چغانیانو سومان و واسجردو راشت قرار دارد (۱: صص. ۲۲۹- ۳۰۲).

فوگل سنگ، سرزمین سغد را در اطراف سمرقند در نزدیک صحرای قراقم جایی که ماساژیت ها زنده گی می کردند و یا در نزدیکی بخارا می داند (۱۵: ص. ۵۱).

یعقوبی، سغد را جزء شهرهای بلخ به حساب آورد و گفته از آنجا به کشور سمرقند می روند و نیز آورده که دو سغد وجود دارد ۱: سغد بخارا ۲: سغد سمرقند و این دو ناحیه با هم پیوسته است (۳: ص. ٦٦).

بزرگترین شهرهای سغد، سمرقند و بخارا بودند که اولی مرکز سیاسی و دومی مرکز دینی آن اقلیم بشمار می آمد، ولی هر دو از حیث اهمیت برابر بودند و کرسی های ایالت محسوب می شدند.

بخارا

نام بخارا از کلمهٔ Vihāra سانسکریت گرفته شده، معنای محل اجرای مناسک مذهبی را میدهد (۱۴: ص. ۱۰۴۲).

بخارا را «نومجکث» نیز می گفتند. در حوالی این شهر، کوهی وجود نداشت و اطراف آنرا باغ ها، کاخها و آبادیها فرا گرفته بود. بیرون شهر بخارا در سمت شمال باختری، قهندزی متصل به شهر وجود داشت که خود به اندازهٔ شهر کوچکی بود. جای والی شهر، زندان و خزانه در این قهندز وجود داشت. حومه های بزرگ شهر در سمت خاور واقع و عبارت بودند از: درب نوبهار، درب سمرقند، درب رامیشنه و درب های دیگر که نام بردن و برشمردن آنها آسان نیست و نمی توان امروز محل آن را معین کرد.

«بخارا تا اوایل قرون وسطی مقام و منزلت خود را حفظ کرد، ولی در سال ٦١٦م. فتنهٔ مغول بر سر آن نیز فرود آمدو به باد غارت رفت و با خاک یکسان گردید

و مدتی بیش از یک قرن به حالت مخروبه و نکبت باقی ماند. در اوایل قرن هشت که ابن بطوطه از آن شهر دیدن کرد، در حومهٔ شهر که آن را فتح آباد می گفتند، منزل داشت و در آنزمان قسمت عمدهٔ مساجد، مدارس و بازار ها بر همان حالت مخروبهٔ پس از هجوم مغول باقی مانده بود. در پایان قرن هشتم چون تیمور سمرقند را دارالملک خویش ساخت، بخارا نیز که همعنان سمرقند بود، بهری از آبادی و اهمیت گذشته اش را دوباره بدست آورد» (۹: ص. ۴۹۲).

بخارا دارای روستاها و نواحی پر برکت و بااهمیت و اعمال مهم و بزرگ و آبادی های جالب توجه است.

سمرقند

سمرقند یکی از شهرهای معروف ماوراء النهر است. سمرقند به پهلوی سمرکند samarakand و به یونانی مراکند Marakanda آمده است. به قول جغرافیه نویسان قدیم، این شهر به فاصله ۱۵۰ میل در خاور بخارا واقع است و از ساحل جنوبی رود سغد فاصلهٔ زیاد ندارد و در محل مرتفع بناء شده و گرداگرد شهر خندق ژرف کنده اند و قلعهٔ شهر بر زمین مرتفع استوار است. این قلعه، چنانکه اصطخری نوشته است، چهار دروازه داشت: دروازهٔ چین در سمت شرق که به وسیلهٔ زینهٔ بلند از آن فرود می آمدند و رود سغد پیشروی آن قرار داشت، دروازهٔ بخارا در شمال، دروازهٔ نوبهار در غرب که آنهم در محل مرتفع واقع بود و بالآخره دروازهٔ بزرگ معروف به دروازهٔ کش در جنوب.

شهر عمارات بسیار داشت و آب در جویی در داخل شهر جریان داشت و از دروازهٔ کش به درون شهر می آمد.

ربض سمرقند در کناره های رود امتداد داشت و پیرامون ربض حصاری به شکل نیمه دایره کشیده شده بود که طول آن به دو فرسخ میرسید. این حصار از جانب صحرا ربض را حراست مینمود و رودخانه نیز از جانب شمال خط دفاعی را در مقابل صحرا سراسر تکمیل میکرد. ربض هشت دروازه داشت که جاده های مختلف از آن خارج میشد: اول دروازه غداود، دوم دروازهٔ اسفسک، سوم دروازهٔ سوخشین، چهارم دروازه افشینه، پنجم دروازهٔ کوهک که به تپه منتهی میشد، شهر و ارگ روی آن ساخته شده بود، ششم دروازهٔ ورسنین، هفتم دروازهٔ ریود و هشتم دروازهٔ فرخ

شیذ (۲: صص. ۲۴٦ – ۲۴۸).

یعقوبی ضمن بیان، مسافات و اتفاقاتی که در سمرقند افتاده، می نویسد: " سمرقند یکی از با شکوه ترین و ارجمندترین و نیرومند ترین بلادی است که دارای مردان بیشتر و قهرمانان سرسخت تر و جنگجویان شکیباتر است و در گلوگاه ترک واقع میباشد " (۳: ص. ٦۹).

حمد الله مستوفی هم برای وجه تسمیهٔ این شهر به سمرقند در کتاب نزهة القلوب گوید: " بعد از اسکندر به عهد ملک الطوایفی سمرنامی از نسل تبع (پادشاه یمن) جهت خصومت که با اهل این دیار افتادش آن شهر را خراب کرد و بکند؛ چنانکه هیچ عمارتی بر پا نگذاشت. پس، آن را (سمرکند) خواندند، عرب معرب گردانید و سمرقند گفتند (٦: ص. ۲۴۵).

سمرقند شهر عمدهٔ درهٔ زر افشان علیا و پنجیکنت در جانب شرق قلمرو سمرقند بوده است.

بنابر گزارش باستانشاسان، شهر سمرقند یکی از قدیمیترین شهرهای ماوراءالنهر است و میگویند که این شهر در محل افراسیاب امروز بناء گردیده بود و پایتخت آن شهر قدیم سغد، " سمرقند گوه gava " بوده است. نام سمرقند اولین بار در مأخذ یونانی قرن ۴ ق. م. بنام مراکند و به عنوان پایتخت سغد آمده است.

بعد از فتح سکندر مقدونی، این شهر به دست سلوکیان افتاد و سپس در عهد انتیوخوس دوم، حکومت مرکب از سمرقند و بلخ یونانیان با نام (گریکو باکتریان) تشکیل گردید. سمرقند که در کنار جادهٔ ابریشم قرار داشت محل تلاقی فرهنگهای غربی و چین شد.

در ۱۲۹ ق. م.، اقوام آریایی کوشانیان بساط حکومت سلوکیان را برچیده، عوض آن حکومت آریایی را اعلان نمودند که آثار باستانی شهر سمرقند کهنه، نشانی از دوران حکومت کوشانیها دارد.

مردم سمرقند در سال ٦۰۹ م. به پیروی از سغدیان، اطاعت از امپراطوری چین را گردن نهادند. سمرقند در عهد نوشیروان تحت سلطهٔ ترکان غربی اداره میشد.

اهالی سمرقند از تبعیت ترکان (آشینا) سود بسیار به دست می آوردند و

امکانات وسیع در زمینهٔ بازرگانی و کار و پیشه حاصل میکردند. از اینرو، سمرقند به تکیه گاه ترک مبدل شد.

ابریشم چین از راه سمرقند و بخارا بسوی امپراطوری روم شرقی سرازیر میشد. از این جهت، بازرگانان سغدی و سمرقندی کم کم حاکمیت ترکان را پذیرفتند و به ایفای نقشهای سیاسی و اقتصادی در دولت خاقانهای ترک برخواستند و بواسطهٔ نفوذ و افزایش ترکان، قوانین و نوشته های به زبان ترکی با خط سغدی پدید آمد و بدین ترتیب، مردم سمرقند در ساختار خط ترکی نقش بسزایی ایفا نمودند.

در زمان حملهٔ اعراب به خراسان، یزگرد سوم که به این نواحی پناه برده بود، به واسطهٔ توطیهٔ یکی از ترکان سمرقند (ماویسوری سردمدار این ناحیه) شکست مواجه شد و سرانجام همان طوریکه در قسمت مرو گذشت، به دست آسیابانی کشته شد. لقب شاه سمرقند طُرخان بود و در منابع اسلامی بصورت طرخون نوشته شده است.

سمرقند امروز: مساحت سمرقند امروزه ۱۵ هزار هکتار است و جمعیت آن طبق سر شماری ۱۹۸۰ م. پنجصد و بیست و سه هزار تن است. شهر سمرقند در وادی زیبای رود افشان واقع شده است. رود افشان در جنوب شرق شهر از ارتفاع ۷۵۰ متری و در جنوب غربی از ارتفاع ٦٦٠ متری میگذرد و سرحد شرقی آن تایلاق، طرف شمال آن دهبیت (= ده بید)، طرف غرب چرخین و طرف جنوب آن الغ بیک میگردد (۸: سرواژهٔ سمرکند).

زبان سغدی

زبان سغدی متعلق به شاخهٔ زبانهای آریانی شرقی دورهٔ میانه بوده است، اما یك سلسله متون سغدی خیلی قدیم‌تر؛ یعنی طی قرون اول تا چهار میلادی بوجود آمده است. یکی از لهجه های زبان سغدی، زبان یغنابی (سغدی جدید) نیز در مناطقی از تاجکستان متداول است، ولی لهجه مذکور از زبان سغدی در آثار خطی خیلی متفاوت می باشد. (۴: ص. ۱۸)

نتیجه

سرزمین قدیم سغد در ازبکستان کنونی واقع شده است و شهر های مشهور آن سمرقند و بخارا است.

مأخذ

۱. ابن حوقل، صورة الارض، ترجمهٔ دکتر جعفر شعار، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.

۲. ابو اسحف ابراهیم اصطخری، مسالک و ممالک، باهتمام ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۰.

۳. احمد بن ابی یعقوب، (مشهور به یعقوبی) البلدان، ترجمهٔ دکتر ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب،۱۳۴۷.

۴. بارتولد. و. تذکرهٔ جغرافیای تاریخی ایران، ترجمهٔ حمزه سردادور، تهران: انتشارات توس، چاپ سوم ۱۳۷۲.

۵. بهار مهرداد، فرهنگ بندهش ، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.

٦. فره وشی بهرام، فرهنگ پهلوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸٦.

۷. دارمستتر. مجموعه مقالات زردشت یا ون دیداد اوستا، ترجمه دکتر موسی جوان، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸٤.

۸. دایرة المعارف بزرگ اتحاد شوروی سوسیالستی سابق ، «سرواژهٔ سغد».

۹. لسترنج. جغرافیای تاریخی خلافت های شرقی، ترجمهٔ محمود عرفان، انتشارات علمی فرهنگی، تهران ۱۳٦۷.

۱۰. نیولی گراردو. زمان و زادگاه زرتشت پژوهشی در بارهٔ مزدایی گری، ترجمهٔ منصور سید سجادی، آگاه، تهران۱۳۸۱.

11. AVESTA, The sacred book of the parsis, Edited by Karl. F. Geldner Stuttgart 1896.(repr.: Asatir-Teheran,2004.,vol. III,p.3

12. Bartolomae Chr. Altiranisches Worterbuch Strassburg, 1904. (Repr. Asatir-Teheran, 2004.

13. Kent, Ronald: Old Persian: Grammar, Texts, and lexicon. New Haven. 1953.

14. Monier-Williams M.A. Sanskrit-English Dictionary, Oxford, 1976.

15. Vogelsang, Willem. The Sixteen Land of Videvdat 1 Aryānəm Vaējah and the Homeland of the Iranians, Persica, Universiteit Leiden, 2000.

سرمحقق شیرعلی تزری

اهمیت بازاریابی محصولات زراعتی

خلاصه

بازاریابی به عنوان شاخهٔ ازعلوم اقتصادی درتجارت داخلی وخارجی نقش مهمی دارد، تاجاییکه بازاریابی را میتوان یکی ازعوامل رشد تولیدات داخلی دانست.

باید گفت که بازاریابی محصولات زراعتی به علت ماهیت ویژهٔ چون: فسادپذیری، داشتن حجم زیاد، داشتن آب زیاد وزمان محدود تولید ازبازاریابی محصولات صنعتی متفاوت است.

به همین ترتیب فعالیتهای بازاریابی ازمزارع آغازیافته و تاهنگامیکه اموال بدست آخرین مستهلک وقیمت آن به مؤلد میرسد انجام می یابد.

بازاریابی محصولات زراعتی به خدمات چون: جمع آوری، درجه بندی، پروسس، بسته بندی، ذخیره، ترانسپورت، تبلیغات واشتهارات نیازدارد. اینها موضوعات اند که درین مقاله به توضیح گرفته شده اند.

مقدمه

برای شناخت بهتر سکتور زراعت، شناخت بازارمحصولات زراعتی ازاهمیت خاص برخورداراست. شناخت بازارمحصولات زراعتی مستلزم شناخت عرضه وتقاضای محصولات زراعتی است، زیرا چگونگی عرضه وتقاضای محصولات زراعتی درمقایسه با محصولات صنعتی متفاوت است. بدین معنا که تولید محصولات زراعتی موسمی بوده ودرفصل معینی ازسال بدون درنظرداشت تقاضا،عرضهٔ آن

افزایش یافته وقیمت آن کاهش مییابد، درحالیکه تقاضا به محصولات زراعتی دایمی بوده وتابع فصل مشخصی نمیباشد و دربعضی ازفصول سال ولو قیمتها افزایش هم پیداکند مؤلد نمیتواند تولیدات خود را افزایش دهد. یا برعکس باکاهش قیمت مؤلد نمی تواند تولید را توقف ویا حد اقل کاهش دهد. بنا برآن ایجاب مینماید تا برای جواب به تقاضای دایمی به محصولات زراعتی پلانهای مشخصی حفظ ونگهداری محصولات روی دست گرفته شود، برای نایل شدن به این هدف لازم است تا بازارها دقیقاًمطالعه شده ومحصولات مطابق به تقاضای بازارتهیه وبه بازار عرضه شود. این امرمستلزم تدابیر منظم برای بازاریابی محصولات زراعتی میباشد. پس باید دانست که بازاریابی چیست؟ چه گونه مؤفقانه به پیش برده شود؟

مبرمیت، هدف وروش تحقیق

درحالیکه افغانستان یک کشور زراعتی است هنوزهم زراعت آن به شیوهٔ عنعنوی وسنتی به پیش برده میشود و ازتجارتی شدن زراعت خبری نیست. برای اینکه زراعت ما تجارتی شود نیاز است تا مؤلد ازتقاضای بازاروسلیقهٔ مستهلکین آگاهی داشته وتولیدات خود را مطابق به نیاز بازارعیاروعرضه نماید تا آنرا به زمان کمترو فایدهٔ بیشتربه فروش رسانیده بتواند. بادرنظرداشت این مبرمیت هدف تحریر این مقاله را توضیح زمینه های بهتر تجارتی شدن زراعت تشکیل میدهد که به شیوهٔ تحلیلی وتشریحی به رشتهٔ تحریر درآمده است.

بازاریابی و اهمیت آن

امروزه بازاریابی به عنوان شاخهٔ ازعلوم اقتصادی درتجارت داخلی وخارجی کشورهانقش مهمی دارد و باگسترش مبادلات داخلی وخارجی وباتنوع کالاها وتنوع راه های ارایه آنها وهمچنان گسترش تولید کننده های کالاها وخدمات، افزایش نفوس ومهاجرت انبوه مردم ازدهات به شهرها روزبروزاهمیت بیشتریافته است، تاجاییکه بازاریابی رامیتوان یکی ازعوامل رشد تولیدات داخلی اعم از زراعت وصنعت دانست ودرپهلوی سایرعوامل عقب مانی زراعت افغانستان (ازقبیل: جنگ، خشک سالی، مهاجرت، قلت سرمایه، پایین بودن عاید دهقانها)ضعف بازاریابی و نبود بازارمناسب را نیزمیتوان عامل عقب مانی زراعت قلم دادکرد.(۱:ص. ۴۴)

بین عملیه تولید و مصرف یک مرحله قرار دارد که بنام مرحلهٔ توزیع تولید یادمیشود، یعنی رساندن تولیدات از مؤلد به مستهلک. این مرحله را بنام بازار یابی و فروش یاد میکنند. درحقیقت بازاریابی محصولات زراعتی عبارت ازحرکتی است که ازمزرعهٔ تولیدات زراعتی آغازمیشود وتارسیدن محصول بدست مصرف کننده ادامه می یابد(۲:ص. ۲۱۳)

بطورکل بازاریابی عبارت است از: مطالعهٔ روش انجام فروش، توزیع تبلیغات تجارتی و تشویق فروش، پلانگذاری فروش محصولات و انجام تحقیقات در بارهٔ تقاضا میباشد و معنای محدود آن عبارت از وظایف یک شرکت تجارتی در ارتباط مستقیم با مصرف کننده ها و ارزیابی نیاز های آنها، تبدیل اطلاعات جمع آوری شده توسط کار شناسان میباشد.

باید متذکرشد که بازاریابی محصولات زراعتی به علت ماهیت ویژهٔ که دارد از بازاریابی محصولات صنعتی متفاوت است.

ویژه گیهای محصولات زراعتی

مبرهن است که محصولات زراعتی بنابرویژه گیهای خاص خود ازمحصولات صنعتی تفاوت دارد، بنابر آن بازاریابی آن نیز ازبازاریابی محصولات صنعتی متفاوت است، لذا لازم است تا این ویژه گیها مختصراً توضیح شوند تا درک موضوع ساده تر گردد.

۱- **فساد پذیری**: محصولات زراعتی اکثراً به سرعت فاسد میشوند وخواص خود را ازدست میدهند به همین خاطرباید بازاریابی وفروش آن زود انجام شود؛

۲- **داشتن حجم زیاد**: اکثر محصولات زراعتی نسبت به وزن خودحجم زیاد دارند، لذا جابجا کردن آنها گرانتر تمام میشود؛

۳- **داشتن آب زیاد درساختمان کیمیاوی**: قسمت اعظم محصولات زراعتی را آب تشکیل میدهدکه درهوای گرم سریعاً تبخیرمیشود ودرنتیجه سبب کاهش وزن وکاهش کیفیت محصول میگردد، لذا باید درفاصلهٔ زمانی کوتاه تولید ومصرف شوند؛

٤- **زمان محدود تولید**: محصولات زراعتی برعکس تولیدات صنعتی که بطور دوامدار ودر طول سال بدست می آیند فقط یک یا دوباردرطول سال تولید میشوند

درحالیکه مصرف آنها دایمی میباشد. بنا براین وظیفهٔ نظام بازاریابی تنظیم عرضهٔ این محصولات در طول سال میباشد؛

برای بازاریابی وفروش بهتر محصولات زراعتی ضرورت به یک سری فعالیتها دیده میشود که بنام فعالیتهای بازاریابی یاد میشوند.

فعالیتهای بازاریابی: از بازار های ابتدایی یعنی مزارع آغاز یافته وتا هنگامیکه اموال به دست آخرین مستهلک وقیمت آن به مؤلد میرسد انجام میابد.این فعالیتها به منظور

۱- ایجاد تعادل بین کمبود ومازاد تولیدات؛

۲- ایجاد تعادل بین عرضه وتقاضا برای محصول درطول سال؛

۳- تغییر شکل وپروسس محصول؛

٤- وکاهش ضایعات صورت میگیرد.(۳: ٤٥۳) پس بازار یابی محصولات زراعتی در حقیقت رساندن محصولات از مزرعه تا مستهلک بشکل و وقت مورد تقاضا و قیمت که او تأدیه میکند و رساندن پول به مؤلدین میباشد.

نوع و حجم خدماتیکه به عنوان بازاریابی اجرا میشود نظر به اینکه مؤلدین زراعتی چقدر از تولیدات را خود شان صرف مینمایند و چه مقدار را برای رفع دیگر نیازمندیها بفروش میرسانند فرق میکند. در مزارع متکی بخود اینگونه خدمات خیلی محدود است و هر قدر زراعت تجارتی شود به همان پیمانه خدمات مربوط به بازار یابی توسعه پیدا میکند. اکنون در کشور های پیشرفته و حتی در کشور های عقب مانده زراعت به درجات مختلف تجارتی شده است. بدین معنا که زارعین تمام احتیاجات خود را خود شان تولید نمی کنند بلکه تولیدات خود را در بدل پول فروخته و با آن احتیاجات خود را بدست می آورند.

قسمت بزرگ تولیدات زراعتی را مواد غذایی تشکیل میدهد، بنابر این تقاضا برای محصولات زراعتی عمدتآ تقاضا برای غذا است. چون مقدار غذاییکه صرف می شود تقریبآ ثابت می باشد و به سرعت قابل تغییر نمی باشد لذا تقاضا برای این امتعه نیز ثابت است.

چون هدف تولید رفع تقاضای مستهلکین است بنابراین باید محصولات زراعتی را نیز در وقت، بجای و به شکلیکه مستهلکین تقاضا دارند به آنها عرضه

کرد. لذا باید اشخاص و مؤسسات موجود باشند که به بینند چقدرو از کدام چیز ها و در چه وقت مستهلک می خواهد. بدین معنا که مؤلد سعی نماید تا محصولاتیرا تولید نمایدکه مشتری تقاضا وآرزوی بدست آوردن آنرا داشته باشد، نه اینکه انتظارداشته باشدکه مستهلک تقاضای خودرا به محصول عرضه شده عیارسازد، زیرامؤلد تابع مستهلک است نه مستهلک تابع مؤلد، پس مؤلد باید تقاضا را با عرضه وفق دهد. چون محصولات زراعتی همانطورکه گفته شد فسادپذیر هستند به همین دلیل درچیدن، بسته بندی، حمل ونقل ونگهداری آنها ازوسایل ویژه وسریع استفاده می شود که این وسایل موجب گرانترشدن قیمت محصولات میشود، بنابرآن این اموربه توجه بیشترنیازدارد. به عبارۀ دیگر بازاریابی محصولات زراعتی به یک سلسله خدمات نیازداردکه اساسی ترین آنها عبارت انداز:

خدمات اساسی بازاریابی

۱. **جمع آوری محصولات**: اولین وظیفۀ نظام بازاریابی جمع آوری محصولات است. تلاش میشود تاچیدن و برداشت محصولات بااحتیاط هرچه بیشترصورت گیرد تا به محصول آسیب نرسد؛مثلاً: برای اینکه سیب ویا ناک دوام بیشترداشته باشد و به صورت درست به بازاربرسد حتا پیش ازپخته شدن کامل آنهاراچیده ودرجالیهای مخصوص می پیچند وسعی می کنند موقع چیدن ازدرخت کوچکترین فشاروصدمه به آنهاوارد نشود. جهت سهولت درجمع آوری محصولات سردرختی حتا شکل درختان را اصلاح نموده ازارتفاع آنهامی کاهند.(۳:ص. ۴۵۴) برای اینکه خدمات بعدی به درستی و با کفایت لازم اجرا شده بتواند ضرور است اول محصولات مورد نیاز در یک محل جمع گردد، زیرا درصورت بدسترس بودن محصولات به پیمانۀ زیاد خدمات بعدی آسانتر وارزانترانجام شده میتواند.

۲. **درجه بندی محصولات**: محصولات جمع شده باید به سورت ها و درجات مختلف به حالت استندرد درآیند تا هرخریداربدون اتلاف وقت ومطابق به توان خرید خویش محصول مورد نظر خود را بدست آورد درغیراین صورت خریداربایدمدت ازوقت خودرا برای انتخاب محصول مورد نظرخودصرف نماید؛بطورمثال: شما خریطه های میوه های مختلف رادرکنار سرکها مشاهده میکنید که درآن میوه ها به درجه های مختلف یکجا باهم جابجا شده اند،هرگاه این

میوه هادرست سورت ودرجه بندی شوند،ازیکطرف تقاضای بازاردرست درنظرگرفته شده وهرکس میوه مورد نیاز خود را مطابق به ذوق وتوان خریدخویش خریداری میکند وازضیاع وقت درپالیدن سورت موردنیازجلوگیری شده وازطرف دیگر فروشنده نیزبا این شیوه نفع میبرد. زیرا قیمت راکه ازفروش سورتهای مختلف محصول بدست می آوردبیشترازقیمت بدون سورت خواهد بود. درجه بندی محصولات سبب جلب اطمینان مصرف کننده هامیشود. اهمیت این خدمات بیشتر از این نگاه است که ذوق مستهلکین خوبتر مراعات شده و احتیاجات شان به سویه های مختلف رفع میشود ودرنتیجه ارزش افزوده محصولات زراعتی افزایش مییابد.

۳. **پروسس(تبدیل محصولات):** اکثر محصولات زراعتی پیش از آنکه به مستهلک برسد باید پروسس گردد. یعنی از یک یا چند عملیه که شکل آنرا تغییر داده و یا آنرا قابل مصرف میسازد بگذرد.بعضی از محصولات بعد از آنکه در مزرعه تولید گردید به پروسس بیشتر ضرورت ندارد؛مثلاً: تخم مرغ، میوۀ تازه و مانند اینها. ولی برخی دیگر از قبیل گندم، گوسفند وبعضی میوه ها وترکاریها و مانند اینها، باید قبل از آنکه بدست مستهلک برسد تحت پروسس قرار گیرند. گندم باید آرد شده و به شکل نان تبدیل شود، گوسفند ذبح گردیده و به شکل پارچه های گوشت ویاکنسرودرآید، رومی به رب تبدیل شود،ازمیوه جوس،مربا ویا چیزهای دیگرساخته شود و حتا میتواند خشک شود وبه مستهلک برسد تا بعداً از آن استفاده کنند. پروسس موادغذایی به منظور پایدارنمودن عرضۀ محصول وافزایش عمرنگهداری آن صورت گرفته وانگیزۀ اساسی آن ایجاد محصولات اضافی میباشد.

٤. **بسته بندی**: یکی دیگرازجمله خدمات بازاریابی بسته بندی است، چون محصولات زراعتی ماهیتاً درمعرض انواع خطرقراردارند، لذا به منظورسالم نگهداشتن، سهولت درامر انتقال، اطلاعات به مصرف کننده،سهولت درمصرف وپیشگیری ازخراب شدن زودهنگام وسایر مشکلات باید بطوردرست بسته بندی شوند. بسته بندی معمولاًازنظراندازۀ موردنیازمصرف کننده بی خطربودن آن، صحی بودن آن وسایر موارد ازجمله نیاز است. بابسته بندی درست میتوان ازشکستگی، به هم چسبیده گی،تغییررنگ ودیگرعوارض محصولات جلوگیری کرد، به همین ترتیب بسته بندی زمینه حمل ونقل را آسان ترساخته، سطح آسیب پذیری محصولات

رادرهنگام انتقال کاهش داده وازهزینه های فروش میکاهد. قابل تذکر اینکه بسته بندی بایدطورصورت گیرد که بتواند معلومات کافی را راجع به کیفیت ومقدارمحصول به مصرف کننده برساند.

اهمیت بسته بندی خوب ازنظراندازه، نوع وبی خطربودن بسته بندی، صحی بودن آن، امکان استفادهٔ مجدد بسته هابعدازمصرف محصول وزیبایی رنگ آمیزی بسته ها اهمیت زیاد دارد.

۵. **ذخیره کردن**: ذخیره کردن از این لحاظ اهمیت دارد که مصرف کننده ها یک عرضهٔ مرتب و منظم مواد غذایی را در طول سال آرزو دارند. در حالیکه تولیدات زراعتی از حیث وقت در مرور سال تقسیم شده وطوریکه گفته شد در موسم های معین صورت میگیرد.

٦. **ترانسپورت**: چون محصولات زراعتی در مزارع پراگنده و دور دست تولید میشود وهمچنان قسمت بزرگ تولیدات در خارج مزرعه بمصرف میرسد بنابرآن لازم است تا این خدمات به وجه احسن ووقت معین به دسترس مستهلکین قرار گیرندکه فقط به وسیلهٔ ترانسپورت فعال این هدف برآورده شده میتواند. هر قدر که تمام شد ترانسپورت کمتر باشد بهمان اندازه امکان این موجود است که محصولات مورد احتیاج از مزارع که تمام شد تولید آن پایینتر است خریداری شود، بالاخره زمانیکه محصولات به مراکز استهلاک رسانیده شد باید به شکل که مستهلکین می خواهند یا عادت دارند به آنها فروخته شود. این امر ایجاب میکند که هر نوع محصول سورت بندی گردد تامصرف کننده نظر به ذوق و توان خرید خود سورت را که می خواهد خریداری نماید.

۷. **تبلیغات واشتهارات**: گرچه دادن آگاهی وانجام تبلیغات دربازاریابی کالاهای صنعتی نسبت به کالاهای زراعتی نقش مهمتری دارد، باوجود آنهم باپیشرفت تکنالوژی پروسس محصولات زراعتی اهمیت تبلیغات دربازاریابی این محصولات نیززیادشده است. دراصل هدف واقعی ازدادن آگهی شناساندن محصولات جدید به مصرف کننده ها وایجاد گرایش مثبت به آنان نسبت به این محصولات میباشد. با افزایش سریع تعداد محصولات پروسس شده که ازمحصولات زراعتی تولید میشود نیاز به تبلیغات ودادن آگهی نیززیاد تراحساس میشود مگر

این تبلیغات زمانی موفقیت آمیز خواهد بود که متکی به واقعیت وبه منظورآگهی باشد، نه میان تهی ودورازواقعیت. (۳:ص. ۴۷۱)

برای بهبود دادوستد،ثبات قیمتها واستقرارعرضه درکشورما باید یک دسته اشخاص به ذخیره ساختن محصولات زراعتی بپردازند. وقتی که این محصولات وافر و ارزان است آنرا خریداری کرده و ذخیره نمایند ودروقت ضرورت و احساس کمبود بفروش برسانند. چنانچه ماشاهد این هستیم که دروقت جمع آوری محصولات زراعتی قیمتها آنقدرنزول میکند که حتا کرایه انتقال خویش را ازمحل تولید به محل فروش پوره کرده نمیتوانند وهمین امرباعث کاهش انگیزه تولید شده وسبب می شود تا زراعت ما رشد نکند. بعضاًچنین واقع میشودکه درفصل جمع آوری محصول وارزانی آن محصولات خریداری وبه پاکستان انتقال می شود ودرآنجا ذخیره ونگهداری شده ودرفصل کمبود محصول دوباره به بازارهای افغانستان عرضه می شود وضمن علاوه کردن مصرف نگهداری وکرایهٔ دوطرفه به فروش میرسد، درحقیقت منفعتی راکه باید زارع افغان بدست آورد تجارخارجی تصاحب میکنند. برای حل این مشکل ساختن سیلوها، ذخیره گاه ها وسردخانه های معیاری یکی ازنیازمندیهای مبرم رشد وتوسعهٔ محصولات زراعتی کشورمابه حساب می آید.

یکی دیگرازمشکلات اساسی فروش محصولات زراعتی کشورمامشکل ترانسپورت میباشد. نبود سرکهای مناسب،مشکلات امنیتی و سوء استفاده های مسؤولین امنیتی راه ها باعث شده تا یک نقطه ازوفرت محصولات زراعتی وپایین بودن قیمت آن کمتراز هزینه تولید متضررشود ونقطه دیگرازقلت آن رنج ببرد. بدین معنا که به محصول مذکورشدیداًنیاز دارند لاکن نسبت مشکلات ترانسپورتی به آن دست پیدا نمیکنند.

با در نظر داشت توضیحات فوق می بینیم که بازاریابی باگذشت هرروزاختصاصی ترشده واهمیت بیشتری دراقتصاد وتجارت پیدا میکند،اهمیت بازاریابی محصولات زراعتی کمترازهیچ اقدام لازم دیگربرای توسعه اقتصادی نیست.(۴:ص. ۲۳۲) مگرپرسش اساسی اینست که باوجود اهمیت بازاریابی چرا دهقانان ماتوجهی چندانی به آن ندارند؟درپاسخ باید گفت که:

۱. چون دهقانها بطور مستقل درمزارع خود مشغول کار اند و تماس زیاد با

مراکز مصرف ندارند، لذا این موضوع آنقدر توجه شانرا جلب نمی کند، زیرا خدمات بازار یابی دور از مزرعه و خارج کنترول دهقان صورت میگیرد.

۲. بازار یابی در بساموارد خدمات پیچیده و اختصاصی رادربر میگیرد،که خارج ازمحیط مزرعه میباشد بنابر این مطالعات لازمه را در بازار ها و در ساحات دور از مزرعه ایجاب می کند.

۳. خدمات بازار یابی مستلزم فعالیتهای دسته جمعی اقتصادی و مبنی بر اطلاعات هوشمندانه میباشد. در حالیکه برای یک دهقان تثبیت این امر طبعاً مشکل میباشد و مصارف زیاد را نیز به کار دارد. از همین سبب است که عموماً مراحل مختلف خدمات بازار یابی را مؤسسات و اشخاص متعدد اجرا میکنند. این گونه خدمات از طرف یک سازمان یا غالباً بیشتر از یک سازمان انجام می یابد، که هر کدام در یکی یا بیشتر از این خدمات تخصص حاصل کرده و وظیفهٔ مشخص را به عهده می گیرد،درافغانستان هیچ یکی ازاین شرایط طورشایدوبایدمساعد نیست،زیرادرقدم اول اکثراًتولید برای رفع نیازمندی شخصی صورت میگیرد وازسوی دیگرازطرف دولت وسکتور خصوصی طور دربخش بازاریابی محصولات زراعتی توجه لازم صورت نگرفته است، به همین خاطرهم هست که دادو ستدمحصولات زراعتی کمرنگ بوده ومعمولاً درمحل تولید مورد استفاده قرارمیگیرند.مرحله اول توزیع که متشکل از جمع آوری محصولات از مزارع به محلی که عرضه موجوده منطقه در آنجا گرد آوده میشود معمولاً توسط دهقانها صورت می گیرد ولی بعد از آن مؤسسات و اشخاص دیگری وجود دارند که گدام های ذخیره امتعه زراعتی را ساخته و دیگر وسایل لازمه را برای حمل کردن و خدمات مربوطه آن فراهم میکنند. مؤسسات ترانسپورت از قبیل شرکت های موتر های لاری و غیره امتعه زراعتی را به نرخ های معین و معمولاً ثابت حمل میکنند.

بانکهای زراعتی و دیگر مؤسسات مالی مشابه مانند شرکتهای بیمه، بانکهای تجارتی و غیره به تجاریکه در این کار ها اشتغال دارند سرمایهٔ کوتاه مدتی تهیه میکنند و حتی بعضی اوقات برای تأسیس وسایل مهمتر قرضه طویل المدت نیز

عرضه میدارد.

نتیجه

درنتیجه میتوان گفت که بازار یابی محصولات زراعتی یکی ازنیاز مندیهای اساسی رشد وانکشاف زراعت بوده ومیتواند انگیزهٔ قوی برای دهقان درتلاش برای تولید بیشتر باشد. مگربازاریابی زمانی توأم به مؤفقیت خواهد بود که کم مصرف وبرمبنای واقعیت استوار باشد درغیرآن نه تنها ثمره وفایدهٔ نخواهد داشت بلکه باعث صعود قیمت ها شده هم مؤلد وهم مستهلک را متضررخواهد ساخت. با آنهم میتوان امید وار بودکه با توجه به مزیت نسبی که افغانستان درتولید بعضی محصولات زراعتی دارد،هرگاه بازارمناسب به تولیدات کشورپیدا شود وسرمایه گذاری درزیربناهای زراعتی صورت گیرد،همچنان روشهای میکانیزهٔ آبیاری ترویج شود و زمینهای مستعد وخاکهای مناسب کشت انواع محصولات شناسایی شود وازتخمهای اصلاح شده بذری استفاده به عمل آید، افغانستان نه تنها درتولید محصولات زراعتی برای مصرف داخلی خودکفا خواهد شد، بلکه زمینهٔ صادرات آن به خارج بیشتر ازپیش فراهم خواهد شد وازاین طریق کسربیلانس تجارت افغانستان نیز تا اندازهٔ کاهش مییابد وباپلان گذاری میان مدت ودراز مدت صادرات محصولات زراعتی نیزافزایش خواهد یافت.

پیشنهادها

۱. برای تجارتی شدن محصولات زراعتی، زراعت باید تخصصی شده و به دهقانان آموزش مسلکی داده شود؛

۲. دهقانان ازاهمیت بازاریابی آگاه ساخته شده وزمینهٔ بازاریابی هماهنگ مؤلدین به کمک ارگانهای دولتی مساعد ساخته شود؛

۳. تعادل بین عرضه وتقاضاازطریق ساختن سیلوها، سردخانه هاوذخیره گاه های معیاری برقرارگردد؛

۴. تولیدات با استانداردهای پذیرفته شده عیارگردیده وتبلیغات واشتهارات که درزمینه صورت میگیرد مبتنی به واقعیت باشد تا مشتری ها به تولیدات باور واطمینان پیداکنند؛

۵. دولت برای تشویق وایجاد انگیزهٔ تولید، دهقانان وسایردست اندرکاران

سکتور زراعت را حمایت نماید.

مآخذ

۱. سیار،فیاض احمد(ودیگران).انکشاف وتقویت سکتورزراعت واثرات آن براقتصاد افغانستان، پروژۀ تحقیقاتی دیپارتمنت اقتصاد، مرکز ملی تحقیقات پالیسی،پوهنتون کابل،۱۳۸۸

۲. اکبری، نعمت الله ومصطفی شریف. اقتصاد کشاورزی،تهران:سمت، ۱۳۹۱

۳. کوپاهی،مجید.اصول اقتصادکشاورزی، تهران: دانشگاه تهران،موسسۀ انتشارات وچاپ،۱۳۸۳

۴. توسلی، محمدغرجستانی. اقتصاد افغانستان، ظرفیتها، چالشها وراهکارها، انتشارات فرهنگ، چاپ اول، ۱۳۹۴

۵. شبان، محمدانور. تیوریها، عوامل وسیاستهای انکشاف، ناشر: یونین اید، پشاور،۱۹۹٦/۱۳۷۵

سرمحقق فضل احمد غروب

وسواس و راه های پیشگیری از آن

خلاصه

وسواس یک نوع اختلال روانی است که مبتلا به آن به طرز فکر های اضطراب گونه و غیر معمول دچار می شود. وسواس موضوعاتی مربوط به زنده گی انسان را ناخواسته در ذهن تکرار می نماید، در حالی که شخص می داند، این طرز فکر نامناسب و غیر معمول است؛ اما نمی تواند آن را فی الواقع از ذهن خود دور نماید. وسواس به صورت عادی در همه افراد به مشاهده می رسد؛ اما حالت های غیر عادی، تنها در افرادی که دچار بیماری وسواس اند، به مشاهده می رسد. وسواس به حیث یک احساس، تصور و یا عمل تکرارشونده و غیرمفید، تعادل روانی و رفتاری انسان را برهم می زند و شخص را در انجام فعالیت های روزمره و سازگاری با محیط به مشکل دچار می سازد. وسواس به دو نوع است: وسواس فکری و وسواس عملی.

وسواس فکری و وسواس فکری عملی از نگاه شکل و محتوا یکسان و انعکاس دهندهٔ اضطراب، نگرانی و پیش آمد هایی ناگوار زنده گی اند که به نحوی از انگیزه هایی محیطی و شرایط درون جامعه منشاء می گیرند، مانند: وسواس از هوای آلوده، سرایت بیماری، نظم و سلیقه، پاکی و صفایی، صحت، مرگ ناامنی و غیره.

در این مقاله وسواس ریشه یابی و چگونگی رفتار های وسواسی به مطالعه گرفته شده. همچنان انواع وسواس توضیح و زمینه های پیدایش، علل و نشانه های آن بیان شده است. در پایان از موضوع نتیجه گیری به عمل آمده و جهت جلوگیری از وسواس برای بیماران توصیه های لازم پیشنهاد شده است.

مقدمه

وسواس یک نوع اختلال روانی است که در زنده گی انسان دشواری های زیادی به وجود می آورد. وسواس در تمام بخش های زنده گی اثرگذار است و باعث اضطراب و نگرانی در انسان می گردد. از معمولی ترین نوع وسواس ها، وسواس درد (دردی که علت عضوی ندارد)، وسواس شستشو، وسواس راه رفتن، وسواس در عملکرد، وسواس بیخوابی و وسواس در اندیشه می باشند.

وسواس هر چند ممکن است در کودکان نیز دیده شود، اما در نوجوانان و جوانان بیشتر به مشاهده می رسد و شیوع آن در مردان و زنان یکسان است. دانشمندان عقیده دارند، وسواس بیشتر به صورت تدریجی بروز می کند و در پارۀ از موارد به بروز ناگهانی آن نیز اشاره شده است. وسواس یک رویداد ذهنی و تکرارشونده است که به صورت فکر، احساس و یا عقیده به وجود می آید و برای فرد وسواسی مزاحمت ایجاد می کند. وسواس دقت بیمارگونه به مسایل ریزه و نه چندان با اهمیت، چک کردن، مرتب کردن کار ها و اتفاقاتی است که از یک فرد غیرعادی سر می زند و او را با اشخاص عادی متفاوت دارد. وسواس متعادل، نقش کمک کننده در زنده گی انسان دارد و هرگاه وسواس به صورت افراطی، نامناسب و اجباری تکرار شود، رفتار شخص را نامتعادل می سازد، در آن صورت کنترول و خود داری از رفتار وسواسی برای شخص دشوار می گردد.

در این مقاله وسواس ریشه یابی شده و انواع وسواس بیان گردیده است، همچنان نشانه ها و علایم افراد وسواسی روشن و زمینه های پیدایش وسواس به بحث گرفته شده و در اخیر بعد از نتیجه گیری برای افراد وسواسی راهکار های لازم جهت پیشگیری پیشنهاد شده است.

مبرمیت و ضرورت تحقیق

وسواس یک احساس نیرومندی است که انسان را به انجام دادن و یا بازداشتن از کاری مجبور مي کرداند. افراد وسواسی اکثراً در زنده گی به ترس، نگرانی و درخودمانده گی دچار می باشند و در تکرار و مداومت رفتار خود زیر فشار اجبار قرار می گیرند. فرد وسواسی نه تنها خودش ناآرام و نگران است، بلکه برای خانواده، اطرافیان و جامعه نیز رفتار ناسازگارانه دارد. به همین اساس مطالعه افراد

وسواسی از اهم موضوعات بوده و ضرورت احساس می گردد، پیرامون آن بحث و تحقیق بیشتر صورت گیرد و ضمن شناسایی وسواس و انواع آن، راهکار های لازم برای بهبود و اصلاح شخص وسواسی ارایه گردد.

هدف تحقیق

وسواس در زنده گی تأثیرات ناگوار دارد و وسیله برای ترس، اضطراب و نگرانی انسان می شود. به همین سبب این موضوع را به تحقیق گرفتم و هدف از تحقیق این موضوع بررسی و مطالعه نکات زیر اند:

- شناخت وسواس و انواع آن
- تشخیص زمینه های پیدایش وسواس
- شناسایی تأثیرات رفتار های وسواسی در زنده گی

وسواس و رفتار های وسواسی

وسواس را در زبان انگلیسی Obsession گویند و از واژهٔ لاتینی -Obsessio(n (و از فعل Obsidere (به معنای در مقابل قرار گرفتن) گرفته شده است.(۱:ص.۱۰۴۷) وسواس در اصطلاح تکرار یک فکر مزاحم و غیر عادی ذهنی است که شخص نمی تواند به آسانی آن را از خود دور نماید. فکر، اندیشه، خیال و یا محرکی که با فشار وارد ذهن شود و با رفتار عادی در تقابل قرار گیرد، وسواس گفته می شود. وسواس ساختار های روانی را تحت نفوذ خود قرار می دهد و در فرد اضطراب و نگرانی ایجاد می کند.(۲:ص.٦٥٨) وسواس یک اختلال روانی است که شخص در بارهٔ شیوهٔ انجام یک کار و نحوهٔ پیش آمد آن دچار هراس و دلهره می گردد. وسواس تصویر های ذهنی است که باعث رفتار بیمارگونه و تکراری در شخص می شود. تقریباً همه افراد کم و بیش در موقعیت های خاص وسواس را تجربه می نمایند.

وسواس، رفتاری است که باعث فعالیت های خودبخودی و بی اختیار در فرد می شود. روانشناسان وسواس را به عنوان بیماریی که باعث اختلال فکر و تکرار عمل می گردد، بیان می کنند. آن ها می گویند؛ فردی که فکر می کند دروازهٔ اتاق کار، خانه و یا لولهٔ اجاق گاز را باز مانده و مکرراً از آن ها وارسی می نماید، یا هنگام رفتن به خواب در فکر سرقت اموال خانه، مغازه و دفتر قرار می گیرد و ذهنش بی

موجب از وقوع خطر و حوادث غیر مترقبه نگران می شود، در واقع به وسواس دچار شده است.(۳:صص. ۳۸۱-۳۸۲) هر قدر یک رفتار وسواسی تکرار شود، دامنهٔ آن وسعت بیشتر پیدا می کند و راه بیرون رفت از آن برای شخص وسواسی دشوار می گردد.

رفتار های وسواسی در میان اعضای خانواده دشواری های زیادی ایجاد می کنند. هر گاه یکي از اعضاي خانواده به وسواس مبتلا باشد، علاوه بر اینکه احتمال دارد، برای دیگران مخصوصاً کودکان الگو قرار گیرد و در روابط خانواده گی اثرات سوء بجا گذارد، همچنان احتمال مي رود، مسائل مهمی در زندگي اعضای این خانواده مورد غفلت قرار گیرند و یا به علت ترس و شرمنده گي از فاش شدن نشانه هاي وسواس نزد دیگران، اعضای این خانواده از معاشرت با دوستان و اقوام خود کناره گیری نمایند.

وسواس در قرآن مجید به معناي افکار بیهوده و نادرست که در ذهن خطور مي کند، بیان شده است. وسواس به عنوان بیماريي پیچیده، آزار دهنده و اسارت آور معرفي شده، طوری که شخص را مجبور مي کند، رفتاری بر خلاف میل و ارادهٔ خود انجام دهد. خداوند(ج) در کلام خود می فرماید: مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ ترجمه: بگو پنا می برم به پرورده گار مردم، پادشاه مردم، معبود مردم از شر وسوسه گر نهانی آن کس که در سینه های مردم وسوسه می کند چه از جن و چه از انس. همچنان در جای دیگر می فرماید: فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى ترجمه: پس شیطان او را وسوسه کرد گفت ای آدم آیا تو را به درخت جاودانگی و ملکی که زایل نمی‌شود راه نمایم. (٤: سوره الناس آیه ٤، ٥ و ٦ ، سوره ط آیه ۱۲۰)

از آیه های مبارگه معلوم می شود، وسواس انسان را به نگرانی های نافرجام سرگردان دارد و باعث گناه و کوتاهی در زنده گی و مشاغل و حتی عبادات انسان می گردد، بناءً باید با این نگرانی ها و وسواس های که شیطان محرک آن ها دانسته می شود، پایان بخشید و با پناه بردن به پروردگار عالمیان و تحمل دشواری ها از چنین افکار بیهوده و نادرست خود را نجات داد.

روانکـاو هـا وسـواس را نـوعي غريـزه واخـورده و ناخودآگـاه معـرفي مـي‌كننـد و حالتي مي‌دانند كه در آن، فكر، ميل، يا عقيدهٔ خاص كـه اغلـب وهـم‌آميـز و اشـتباه است آدمي را در بند خود قرار مي‌دهد؛ آنچنان كه حتي اختيار و اراده را از او سـلب می کند و بيمار را وا مي دارد، حتي رفتاري برخلاف ميل و خواسته‌اش انجام دهـد. آن ها می گویند: بعضی عملکرد ها، مانند؛ بازی با قلم، بازی با انگشت، شـور دادن پا، زمزمهٔ یک آهنگ، کوبیدن انگشت روی میز و بسی موارد دیگر به فـرد کمـک مـی کند تا تنش درونی خود را به این وسـیله کـاهش دهـد و توانمنـدی خـود را در برابـر وسواس افزایش بخشد. اشنایدر به این عقیده است: "شـخص وسواسـی بـا وجـودی که از بیهوده بودن رفتار بیمار گونهٔ خـود آگـاه اسـت، امـا نمـی توانـد در آن کنـترول داشته باشد، چون؛ تمایلات درونی او را به تکرار مجدد آن عمل مجبور می گرداند". رفتار های وسواسی، اگر چه ظاهراً عادی به نظر می رسند؛ امـا عواقـب نـاگواری در زنده گی انسان دارند. (۵:صص. ۱۰۲۰-۱۰۱۹)

انواع وسواس

اصطلاح وسواس فکری و وسواس فکری عملـی در بعضـی از کتـب، بـه صـورت مترادف به کار برده می شود، در حالی که هر کدام، موضوع جداگانـه از هـم بـوده و تفاوت میان آن دو وجود دارد که قرار زیر به بحث گرفته می شود:

(اول) وسـواس فکـری: وسـواس فکـری افکـار مـزاحم، تکـراری و اضـطرب انگیزی است که در ذهن ایجاد می شود و فرد بر محور همان فکر برای مدتی تمرکز می نماید. وسواس فکری بخش هوشیاری انسان را به خـود مشـغول مـی سـازد و بـه آسانی کنار نمی رود. فرد مبتلا به وسواس فکری می داند، این فکر تولید ذهن و بـه فرهنگ جامعه وابسته است و نمی تواند بر آن کنترول داشته باشد. وسـواس فکـری در عملکرد های زیر به مشاهده می رسد.(٦:ص. ۴۱۲)

۱- وسـواس در بـاره صـحت و آلـوده گـی هـوا: ایـن وسـواس بخـش عمـدهٔ از اشـتغالات ذهنـی را بـه خـود مصروف مـی نمایـد و بیشـتر متوجـه بـیماری و عـدم تندرستی انسان است. به همین منظور شخص، متواتر به داکتر مراجعه مـی‌نمایـد و در صدد به دست آوردن دارو هایی جدید برای دفع بیماری می شـود. آن هـایی کـه به این وسواس دچارنـد بـه علـل جداگانـه (تعـدادی از خـاطر پـاکی، طهـارت و رفـع

نجاست و عدهٔ از خاطر آلوده گی هوا و سرایت امراض و مصاب شدن به آن) به مسأله تمرکز می کنند.

۲- وسواس شستشو: افرادی که به شستشوی مکرر اندام، ظروف، البسه و مواد غذایی مداومت می ورزند، بیشتر به این نوع وسواس دچار می باشند. این افراد دست ها، ظرف ها و البسه خود را چندین مرتبه می شویند، اما به پاک شدن آن متیقین نمی گردند. هر گاه بعد از شستن، دست های شان به چیز دیگری تماس کند، نگرانی آن ها بیشتر شده، مکرراً به شستن آن ادامه می دهند. گاهی وسواس این افراد به اندازهٔ شدید است که بعد از شستن دست ها شیر دهن نل آب را بسته نمی کنند، زیرا نگرانی دارند، اگر دست های شان به شیردهن نل دوباره تماس کند، ملوث شده و مکرراً باید بشویند. (۷:ص.۵۵)

۲- وسواس اندیشه: بدون آن که موضوع یا فکری به زنده گی حال و آینده شخص ارتباط بگیرد، در قبول و یا رد آن شخص دچار وسواس می شود، مانند: وسواسی که در رابطه به مؤثریت داروی خاص، وظیفه، بازنشسته گی، شرکت در یک جلسه و غیره در ذهن شخص به وجود می آید. همچنان در بعضی حالات شخص از تصمیم هایی که در مورد زندگی، اعاشه، اباطه و تندرستی می گیرد، نیز دچار وسواس می شود.

۳ - وسواس بیخوابی: انسان های حساس و زود رنج در مورد فایده و ضرر معاملات روزانه خود به وسواس دچار می شوند. این افراد کمترین ناملایمات زنده

گی را کوهی از مشکلات می پندارند که باعث بلند رفتن فشار عصبی و وسواس بیخوابی در آنها می گردد.(۸:ص.۳۳)

۴- وسواس درد: از جالب ترین نوع وسواس است. در این نوع وسواس شخص با وجودی که از درد شکایت می کند و اظهار می دارد که درد او را به سوی نابودی می کشاند، بآنهم وابسته به درد باقی می ماند. این همان دردی است که علت عضوی ندارد و در واقع پوششی برای فکر وسواسی او گردیده است. شخص بیمار به جای شکایت از وسواس، از درد شکایت می کند و تمرکز او بیشتر روی درد و عوارض ناشی از آن است نه وسواسی که فکر او را به تکرار و تمرکز بالای درد مصروف کرده است. (۹:ص. ۱۰۲۰)

دوم وسواس فکری عملی: شخصی که یک عمل را بار ها تکرار کند و به درستی و نادرستی آن متیقین نباشد به وسواس فکری عملی دچار می باشد. وسواس فکری عملی یک فعالیت کلیشه یی رفتار انسان است که برای رهایی از اضطراب به وجود می آید و در ذهن جنبهٔ عملی پیدا می کند. **روانشناسان** رفتارگرا وسواس فکری عملی را عادت هایی آموخته شدهٔ می دانند که بیشتر باعث تکرار عمل و سرگردانی در شخص می شود، مانند: شستن مکرر اندام ها، تنظیم اثاثیه خانه و آشپزخانه، کنترل دروازهٔ و پنجره اتاق، بازنگری از لولهٔ گاز و شیردهن آب و قرینه های منحصر به خطر، شمارکردن اجناس، مراقبت از پاکی و صفایی لباس، بسترخواب و غیره.(۱۰:ص. ۳۸۷) وسواس فکری عملی در موارد زیر به مشاهده می رسد:

۱ - وسواس وارسی و باز نگری قرینه ها: افراد مبتلا به این وسواس مرتب هر چیز را مورد بازرسی و کنترول قرار می دهند و مجدداً نسبت به آن شک و تردید می نمایند. این افراد هنگامی که می خواهند از خانه بیرون روند، چندین بار اجاق گاز، ساکت های برق، پنجره ها و قفل های دروازه را کنترول و باز هم از درستی و نادرستی رفتار خود شک و تردید دارند. همچنان بعضی افراد همیشه تلاش می ورزند همه چیز در زندگی و محیط شان در یک نظم و سلیقهٔ خاص قرار گیرد و اگر کوچکترین بی نظمی در کار و محیط خود به بینند، نگرانی شان افزایش یافته و مکرراً به تنظیم آن اقدام می ورزند.

۲- وسواس در عملکرد: نوع وسواسی است که فکر و عمل شخص در بکن و نکن های وسواس گونه مصروف می شود. مثلاً او می اندیشد، چرا در گذشته چنین کاری انجام داده و نتیجهٔ مطلوب از آن نگرفته، آیا حق داشته فلان کار را انجام دهد یا نه؟ امروز که کارش نتیجهٔ مطلوب نداده، آیا درست اندیشده یا خیر؟ تصمیم های گرفته شده بجا بوده یا عجولانه؟

۳- وسواس راه رفتن: گاهی شخص در هنگام راه رفتن دچار وسواس می شود و از این سو به آن سو راه می رود و اصرار دارد که تعداد قدم هایش معین و طبق ضابطهٔ که خود به آن باور دارد برابر نمی باشد. وسواس فکری و فکری عملی هر دو دشواری های زیادی در زنده گی به وجود می آورند. فعالیت های روزمره و روابط اجتماعی فرد را مختل می سازند.(۱۱:ص.۳۹۸)

عدهٔ از محققین عقیده دارند که پنجاه درصد وسواس افراد معمولاً در سن جوانی و پس از دوران کودکی پایه ریزی می شود و با بلند رفتن سن در شکل و نوعیت آن تغییرات تازه به وجود می آید. وسواس در هر دو جنس به صورت تدریجی بروز می کند و در پارهٔ از موارد به بروز ناگهانی آن نیز اشاره شده است. بزرگسالان بین ۲ تا ۳ در صد از وسواس فکری عملی رنج می برند و زنان بیش از مردان با این بیماری مبتلا می باشند. وسواس تنها خصیصه افراد کم هوش نیست؛ بلکه انسان هایی باهوش نیز به وسواس مبتلا می شوند. همچنان آن هایی که در زنده گی حساس تر اند، امکان ابتلا به وسواس در آن ها بیشتر پیش بینی می شود.(۱۲:صص. ۱۴۷-۱۵۰)

نشانه ها و ویژه گی های افراد وسواسی

افرادی که دچار اختلال شدید وسواس اند، نشانه های خاصی دارند، مانند؛ ترس(فرد وسواسی اضطراب دارد که دچار حادثهٔ ناگواری خواهد شد)، احساس ناتوانی(فرد وسواسی در مواجهه با دشواری ها، احساس ناتواني و درمانده گي مي کند و قادر به کنترل مشکلات پیش آمده نمی باشد)، نظم افراطي (فرد در تکرار رفتار هاي وسواسي دقيقاً از نظم و ترتيب خاصي پيروي مي کند که موجب آزار اعضاي خانواده و اطرافيان او مي شود)، پرخاشگري(شخصی که دچار وسواس است، دست به کار هايي مي زند که با پرخاشگري و عصبانيت و حتی خود آزاری

همراه می باشد)، شک و تردید در انجام فرائض دیني (در هنگام ادای نماز به این فکر مي افتد که آیا رکعت سوم است یا چهارم؟، تشهد را بجا کرده یاخیر، وضو را صحیح انجام داده یا نه؟)، اجبار و لزوم (فرد در خود احساس الزام به انجام رفتاری می کند و مجبور است آن رفتار و عمل را انجام دهد و با وجود آگاهي از بیماري، خود را به انجام رفتار هاي تکراري مجبور مي داند)، خودرایی، انعطاف ناپذیری، تعصب و غیره. بیماران وسواسی کسانی اند که از اختلال اضطرابی رنج می برند، دشواری های روانی مانند: دلهره، نگرانی، استرس و افسرده گی دارند. (۱۳:صص. ۸۳- ۸۵)

انسان های که مبتلا به وسواس اند در بیان عواطف گرم و سلیقه یی با دیگران ناتوانند، به احساسات دیگران توجه نمی کنند و بر مسایلی که خود قبول دارند، اصرار می ورزند، در انجام کار های مثمر تمرکز افراطی دارند، سخت کوش اند و به جزئیات نسبت به اصل موضوع بیشتر توجه می کنند، به علت ترس از اشتباهات در تصمیم گیری ها دچار تردید می شوند، اغلب انسان های خشک و کم معاشرتند و به صورت ماشینی به تکرار کار ها می پردازند. پیدا شدن شک و تردید، اختلال در تمرکز، یاد فراموشی و گاهی کم خوابی از نشانه های دیگر افراد وسواسی محسوب می شوند.

در حال حاضر برای درمان وسواس های فکری و عملی از سه شیوه، مانند: روانکاوی، رفتار درمانی (عقلی و عاطفی) و دارو درمانی که نتایج متفاوت دارند، استفاده می شود. استفاده از شیوه هایی روان درمانی و دارو درمانی هر دو، در درمان بیماران وسواسی مؤثرند و برای اینکه درمان موفقیت آمیز باشد،لازم است متناسب با وضع بیمار، نوع درمان تشخیص و به کار گرفته شود و این خود غالباً نیازمند یک سلسله ابتکار و خلاقیت از جانب درمانگر و بیمار می باشد. به هر حال هوشیار ساختن بیماران وسواسی نسبت به تعارض های ناهوشیاری که دارند و سازماندهی موقعیت های که چنین تعارض ها در چهار چوب آن شکل گرفته از روش های خوب درمان این بیماری محسوب می شوند. (۱۴:ص. ۲۱۲) یکی از اهداف این مقاله نیز آگاهی دهی به بیماران وسواسی جهت درمان و بهداشت آنها می باشد.

در منابع علمی جدید، برای متوقف کردن افکار وسواسی، علاوه بر درمان های دارویی از روش های خاصی نیز استفاده می کنند که مهمترین آنها روش توقیف فکر نام دارد. با این روش از بیمار خواسته می شود که به طور عمد افکار وسواسی خود را آزاد نگهدارد، در این میان درمانگر با صدای بلند و بیزار کنندهٔ ناگهان فریاد می زند: ایست؟ با این عمل درمانگر جریان فکر وسواسی متوقف می شود و فرد به حالت عادی بر می گردد. همچنان نتایج تحقیقات کیاه های طبی نیز نشان می‌دهد که عصاره آبی گل گاوزبان، دارویی مؤثر و بی‌خطر برای درمان بیماران مبتلاء به اختلال.

زمینه های پیدایش وسواس

علل اساسی وسواس تا کنون به صورت واضح شناخته نشده است، اما در مورد بعضی از زمینه های پیدایش وسواس، دانشمندان نظریاتی ارایه کرده اند. الفرد ادلرAlfred Adler (۱۸۷۰- ۱۹۳۷) روانشناسی اتریشی اختلال وسواس فکری و عملی را ناشی از احساس عدم خودکفایتی می داند و باور دارد، کودکان به خاطر والدین سختگیر شان، احساس خود کفایتی نمی کنند و به عقدهٔ حقارت و وسواس دچار می شوند. ادلر علاوه می کند، اگر والدین کودکان خود را افراد مطمئن و با احساس خودکفایتی و مسؤولیت پذیری پرورش دهند، می توانند بر وسواس مسلط شده و از آن پیشگیری نمایند. (۱۵:ص.۲۰۲) پارهٔ از تحقیقات نشان می دهد که شخصیت والدین و حتی صفات ژنتیکی، روابط همسان خویی و محیطی در اختلال وسواس مؤثرند، بهمین دلیل وسواس در بین دوقلو های یکسان بیشتر دیده می‌شود تا دیگران.

بعضی از دانشمندان به این عقیده اند؛ بسیاری از کودکان وسواسی از والدین لجوج، ایرادگیر، خسیس، ممسک، عیبجو، کم گذشت، بی حوصله، طعنه زن و ملامت گر پیدا می شوند. این والدین اگر کوچکترین خطا و یا لغزشی از فرزندان خود ببینند، آنها را ملامت و سرزنش می نمایند. اگر چه کودکان ظاهراً در برابر اوامر والدین، خود را مطیع و فرمانبردار نشان می دهند؛ اما بعضاً با استفاده از حیله و ترفند هایی خاص، والدین خود را اغفال و اهداف خود را برآورده می سازند. آن ها به خاطر تهدید و خطری که از جانب والدین در ذهن دارند در بارهٔ موضوع

شک و تردید می نمایند و به وسواس دچار می شوند.

از جانب دیگر، نحوهٔ از شیر گرفتن، احساس کمبود، طرد شدن از خانواده، نبود حمایت های عاطفی و غیره، وسواس را در کودکان رشد می دهد. عملکرد های وسواسی نه تنها برای فرد وسواسی مضر است، بلکه برای دیگران نیز تأثیرات ناگوار دارد. وسواس، روابط میان زن و شوهر را خدشه دار می سازد، کشمکش ها را افزایش می دهد و فرد وسواسی را به افسرده گی و اضطراب دچار می گرداند.

نتیجه گیری

از بحث فوق نتیجه می شود که اختلال وسواس در بعضی از افراد وجود دارد و باعث ناراحتی و دشواری های زیاد در زنده گی آن ها گردیده است. وسواس پیش زمینه های متفاوت دارد و تابع محیط و ارزش های زنده گی اجتماعی است که با گذشت زمان تغیر می نماید. مطالعات نشان می دهد، مردم بیشتر به وسواس های بیخوابی، آلوده گی محیط، سرایت بیماری، امنیت، کنترول نظم و ترتیب و در مجموع به وسواس فکری و فکری عملی مبتلا می باشند.

پیش زمینه ها برای پیدایش وسواس گوناگون است و بیشتر دانشمندان بر زمینه های تربیتی و الگوبرداری از بزرگان تأکید دارند. اکنون برای اینکه بتوانیم وسواس فکری و عملی را تا حدی کنترول و در ارادهٔ خود داشته باشیم، لازم است نکات زیر را مراعات نمایم.

توصیه ها برای کاهش وسواس

۱- تغییر محیط زندگی: برای فرد مبتلا به وسواس باید محیطی فراهم گردد که خالی از نگرانی، فشار و دغدغه های زنده گی و مملو از محبت، دوستی، همکاری و احترام متقابل باشد. ایجاد تنوع در زنده گی نه تنها به این امر کمک می کند، بلکه تغییر آب و هوا، فشار جو و شرایط اقلیمی نیز در ایجاد بازسلامتی افراد وسواسی نقش فراوان دارند.

۲- تغییر محیط شغلی: انتخاب شغل، سرگرمی های دلچسپ و مصروفیت های مورد علاقه در داخل و بیرون از منزل باعث کاهش وسواس می گردند.

۳- شیوه های مناسب تربیت: کاربُرد شیوه های مناسب تربیت در پرورش سالم فرزندان و خود داری از اِعمال فشار، خرده‌گیری، تحقیر و جلوگیری از توقعات

سلیقه یی به خصوص در امر نظم و ترتیب امور خانه وسواس را در میان اعضای خانواده کاهش می دهد.

٤- خودداری از خیالات واهی: دوری جُستن از خیالات رویایی، کمال‌طلبی، اول‌شدن و بهترین شدن در کاهش وسواس نقش فراوان دارند.

٥- دوری جُستن از تنهایی: رفتن به درون جمع و معاشرت با افراد، سعی در سازش با اندیشه هایی جمع، حضور در سفر های جمعی، نشست های علمی، فرهنگی، مهمانی‌ها، صنف های درسی و گردهمآیی ها وسواس را کاهش می دهند.

٦- پذیرفتن خود و دیگران: احترام‌گذاشتن به خود و دیگران، حمایت کردن از خود و دیگران، کسب اطلاعات و آمادگی در همه زمینه ها باعث کاهش وسواس در شخص می شوند.

٧- جلوگیری از ترس، خشونت، کم کردن احساس تقصیر، شخصیت دادن به خود، فرزندان، همسر و همکاران وسواس را کاهش می بخشد.

٨- به خود تلقین کنید که وسواس یک عمل شیطانی است و باید هر چه زود تر از آن دست بردارم. ارادهٔ و ایمان محکم شما به این واقعیت و استعانت جستن از خدا باعث کاهش وسواس می گردد.

١٠- از بین‌بردن حساسیت در خود، بالا بردن قدرت تحمل به وسیلهٔ مراقبه Meditation (یک نوع تفکر خاموشانه و عمیق در بارهٔ خود، اهداف، ارتباطات و دیگر مفاهیم زنده گی است. مراقبه تمرکز ذهن بر روی صدا ها، تصویر ها، و سایر اشیاء نیز گفته شده است. هدف از مراقبه آگاهی انسان از لحظه حال، رسیدن به آرامش و جلوگیری از استرس است. مراقبه موجب ارتقاء شخصیت و رشد روحانیت و معنویت در شخص می گردد)، کاهش دادن احساس های منفی، مانند: کم‌رویی، کینه، حسادت و اضطراب، عناصری اند که شخص را از افکار وسواسی نجات می دهند.

همچنان لازم است فضای آرام برای بیمار وسواسی در خانواده مساعد گردد و از شرایط پُر تنش جلوگیری به عمل آید، از انتقاد و مسخره کردن بیمار وسواسی خود داری شود (خانواده باید به پذیرد که وسواس یک بیماری است و با این درک،

بهتر می توان به بیمار کمک نمود)، از سرزنش های کلامی(بکن، نکن) بیمار جلوگیری، حس اعتماد به نفس بیمار وسواسی تقویت گردد، با بیمار همکاری، همیاری و همدلی صورت گیرد، در پایداری و استقامت بیمار تلاش شود، در بالا بردن سطح دانش، درک و فهم بیمار از بیماری کوشش و به بیمار در راه مبارزه با افکار و وسوسه های ناخوش آیند، کمک و دلگرمی ایجاد گردد.

وسواس زمانی افزایش می یابد که فرد، مستعد پذیرش آن باشد و به تمایلات وسواسی پاسخ مثبت و ارادی نشان دهد و به تکرار آن خود را مقید بداند. در غیر آن برای مقابله با وسواس بهترین راه بی اعتنایی و عدم توجه به پیام های ذهنی و ترتیب اثر ندادن به آنها است. اگر این روش برای مدتی ادامه پیدا نماید، اعتماد به نفس شخص تقویت می گردد و از وسواس پیش گیری به عمل می آید.

مأخذ

) Hornby A. S, Oxford Advanced Learner's Dictionary of ۱ (current English, seventh Edition, Oxford University Press, New York, 2005.

) Corsini Raymond J, the Dictionary of Psychology, ۲(Brunner/Mazel, UNA, 1999.

(۳) دیوید ال روزنهان، مارتین ای سلیگمین، روانشناسی نابهنجاری آسیب شناسی روانی، مترجم، یحیی سید محمدی، جلد اول، چاپ نهم، نشر- ساوالان، تهران، ۱۳۸۷.

(۴) قرآن کریم

(۵) پورافکاری نصرت الله "داکتر"، فرهنگ جامع روانشناسی و روانپزشکی، جلد دوم، چاپ ششم، چاپ فرهنک معاصر، تهران، ۱۳۸٦.

(٦) فراهانی محسن فرمهینی، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، چاپ اول، چاپ نوبهار، تهران، ۱۳۷۸.

(۷) امیری مطهری و امیری مصطفی، آشنایی با بیماری های روانی، چاپ دوم، چاپ فرازاندیش سبز، تهران، ۱۳۸٦.

(۸) رانکوهی منصور لبیبی، اضطراب-آرامش و ارتباط آن با تغذیه، چاپ اول،

چاپ الغدیر، تهران، ۱۳۷۸.

(۹) پور افکاری نصرت الله دکتر، فرهنگ جامع روانشناسی روانپزشکی، جلد دوم، چاپ ششم، چاپ فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸٦.

(۱۰) روزنهال دیویدالو سلیگمن مارتین ای.پی، آسیب شناسی روانی، مترج یحیی سید محمدی، جلد اول، چاپ نهم، چاپ طیف نگار، تهران، ۱۳۸۷.

(۱۱) خداپناهی محمد کریم"داکتر"، روانشناسی فیزیولوژیک، چاپ نهم، ویراست سوم، مطبعه گلها(قم)، تهران، ۱۳۹۰.

(۱۲) دادستان پریرخ، روانشناسی مرضی تحولی از کودکی تا بزرگ سالی، جلد اول، چاپ یازدهم، چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۹.

(۱۳) گلدر مایکل، گات دنیس و می یو ریچارد، مبانی روان پزشکی اگسفورد(روانشناسی بالینی)، ترجمه دکتر کیانوش هاشمیان و الهام ابوحمزه، چاپ پژمان، تهران، ۱۳۷۷.

(۱۴) کرک هاوتون و کلارک سالکووس کیس، رفتار درمانی شناختی، مترجم دکتر حبیب الله قاسم زاده، چاپ چهارم، جلد اول، چاپ سمارنگ، تهران، ۱۳۸۳.

(۱۵) نیل دیویسون و کرینگ، آسیب شناسی روانی، جلد اول، مترجم دکتر مهدی دهستانی، چاپ دیدآور، تهران، ۱۳۸۳.

پوهنوال دکتور محمد مصطفی نیازی

د مشرتوب یا رهبرۍ اصول

لنډیز

رهبریت هغه چاره ده چې په ټولنه، هیواد او آن په نړۍ کې بدلون راولي، ځکه غوره مشر او رهبر داسې تګلاره انتخابوي چې د ټولو خلکو توجه ځانته را اړوي او ځان د هغوي د اعتماد برابر عیاروي، پردې بنسټ دغسې چاره قوي تصمیم او عزم غواړي ترڅو خپل هدف ته پرې ځان ورسوي. کامیاب رهبر او مشر هغه دی چې د نوښتونو د تأیید او اخلاقو لوړه فضاء جوړه کړي او په سلوکیاتو کې د ده اړیکې له خپلو افرادو سره د ده اساس او بنسټ بلل کیږي. غوره رهبر لوړې او داسې چارې ترسره کوي چې د خپل ملت په ګټه وي، په وړو او عادي چارو کې ځان نه مصروفوي.

ملخص البحث

القيادة الناجحة البارزة تغير المجتمات والدول بل والعالم بأسره، لأن القائد الفائق يختار لقيادته سياسة تؤدي الى جذب الشعوب انتباههم و يجعل نفسه شخصية تكون موضع ثقة بهم إلا أن اختيار مثل هذه القيادة و السياسة تحتاج إلى عزم متين وإرادة قوية كي يتمكن من الوصول الى هدفه السامي، و لا شک أن القائد الناجح هو من كان ذو خلق نبيلة و ابتكارات متشعبة يتمكن بواسطتها بناء مجتمع فاضل فالقائد الناجح يعامل افراده بسلوک قويمة مبنية على اسس ثابتة و اصول متحكمة و بناء عليه فيقوم بأعمال حيوية تؤدى الى صلاح المجتمع و نموه ويجنب الأعمال التافهة والحقيرة لأنها لا تتناسب و شانه.

سریزه

دا چې له یوې خوا نړیوال اقتصاد مخ پر وده روان دی او دغې کړنې زیاته ترقي رامنځ ته کړي ده، خو له بلې خوا اقتصادي نړیوالتوب ورسره په څنګ کې روان دی او دغه چارې د ازادۍ د انتقال لامل ګرځیدلي چې په خپل وار یې مؤسسات دی ته اړیستلي چې په خپلو تګلارو کې اساسي تغییرات راولي، خپلې اداري تګلاري بدلې کړي او د داسې نویو اداري تګلارو په لټه کې شي چې اعتماد یې په بشري عنصر باندې وي، ځکه چې دا د نوښت اساس بلل کیږي او دا هغه مهال کېږي چې د درستې اداري لپاره زمینه برابره وي.

کله چې دهغه نوښت په اړه بحث کوو چې له فرد څخه منځ ته راځي او هغه حالات چې په چاپیریال کې بدلیدونکي دي، نو موږ نه شو کولای له هغه منظم بدلون څخه غافل شو چې د افرادو په توانایي کې ستر اثر لري. البته دغه تغییر د مشر په عقایدي توانایي او نوښت پورې تړاو لري، په دې معنا چې مشر په کومه اندازه کې په خپلو اتباعو کې د نوښت توان راوستلای شي، ځکه رهبران او مشران د نورو په سلوکیاتو کې تغییرات راوستلای شي او هم د هغوی د نوښت توانایي ته وده ورکولای شي. البته دا به هغه مهال کېږي چې کله هغوی ته د کار زمینه مساعده کړي او هم یې نوښتونو ته تشویق کړي او هم ورته څرګنده کړي چې د دغسې نوښتونو پر مهال به ستونزې او کړاوونه ګالي.

کړنلاره

د دغه مضمون یا مقالې د لیکنې او ترتیب په برخه کې له تشریحي او تحلیلي میتود څخه کار اخیستل شوی دی چې په دې اړه د اړوندو مسلکي او علمي کتابونو، علمي لیکنو او مجلو څخه د څیړنې د میتود سره سم استفاده شوې ده.

موخه

د رهبریت د اصولو تر سرلیک لاندې د مقالې موخې په دې ډول دي:

۱- د رهبریت یا مشرتوب معقوله پیژندنه.

۲- د رهبریت د اصولو پیژندنه او دهغو پلي کول.

۳- د رهبریت له مواصفاتو څخه عام وګړي په تیره زده کوونکي خبرول.

۴- د رهبریت یا مشرتوب ډولونه او اقسام.

۵- د کامیابې اداري شرائط او په کامیابۍ کې د رهبریت رول په ډاګه کول.

٦- د رهبریت په اړه د بیلابیلو نظریاتو ترمنځ مقایسه او غوره نظر ښکاره کول.

په عام مفهوم سره د اداري رهبریت تعریف:

د رهبریت یا مشرۍ کلمه په اصل کې له یوناني فکر او یا هم له لاتیني فکر څخه اخستل شوې چې په انګلیسي- کې ورته «leadership» وایې(۱) او دا د «Archein» له فعل څخه اخستل شوې او هغه د شروع په معنا ده او دا د لاتیني فعل «Agere» سره برابر دی چې د حرکت او پورته کیدو په معنا راځي، دا مخکني دواړه فعلونه په دوو ډولونو ویشل کېږي. په پیل کې یو شخص دا سرته رسوي او دغه دنده او عمل په درسته توګه پای ته رسوي «Archein » هغه نوم دی چې په هیواد کې یې په لومړي شخص اطلاق کیږي، له دې څخه دا پایله منځ ته راغله چې د مشر او اتباعو ترمنځ به رابطه موجوده وي، په دوو یو له بله جلا دندو کې به سره یو ځای کیږي چې هغه د اوامرو او تعلیماتو ورکولو دنده ده چې دا د مشر- حق دی او بله د دغو اوامرو او تعلیماتو تطبیق دی چې دا د اتباعو واجب دی.

البته په عربي ژبه کې بیا رهبر ته قائد وایې او دا له «قود» څخه اخستل شوي چې ضد ته یې «سوق» ویل کیږي چې حیوان د مخې یا شاه له خوا رهبري کړي، نو قائد د مرشد یا دلیل په معنا دی، دا هغه شخص دی چې د خپل قوت په اعتبار په نورو تأثیر لري (۲).

رهبري یا مشري په اصطلاح کې هغه عمل یا کار دی چې د همدې کار په وسیله سره د نورو افرادو یا ټولنو په سلوکیاتو کې اغیزه کوي، دا له دې کبله چې د یو عمل په لور یې سوق کوي چې له هغه څخه محدود اهداف لاس ته راوړي.

ځیني وایې: مشري هغه متبادل مؤثر عمل دی چې انساني سلوک داسي لور ته توجیه کوي چې مشترک هدف پري لاس ته راوړي، پر هغه یې اتفاق وي او په اهمیت یې ټول قانع وي، ټول په ګډه توګه دغه چاره ترسره کوي هغه هم په داسې توګه چې د ټولني د ټینګښت او د هغې لارې ضامنه وي چې د اهدافو د تحقق لامل ګرځي.

د اداري مشرۍ بل تعریف داسی دی: هغه فعالیت دی چې اداري مشر- یې د

اوامرو د صادرولو په ډګر کې ترسره کوي او هم یې اداري مراقبت پر غاړه لري، دا هم د رسمي قدرت له لارې چې تأثیر به یې معلوم وي او هم به د معین هدف دلاس ته راوړلو په خاطر وي.

ددې تعریف پر اساس ویلای شو چې مشري د رسمي قدرت د استعمال او د نورو په سلوکیاتو د اغیزې ترمنځ جمع راولي، ترڅو هماغه معین هدف تحقق ومومي.

د پورتنیو تعریفاتو په اساس ویلای شو چې د مشرۍ اجرائیوي تعریف داسې دی: عملي او فاعلي مشري ده چې د شخص او افرادو ترمنځ اړیکې قایموي، یا په بل عبارت د رئیس او افرادو ترمنځ رابطه قایموي، د همدې قدرت پر اساس رئیس په مستقیمه توګه د هغو افرادو په سلوکیاتو تأثیر کوي چې له ده سره یو ځای کار کوي، ترڅو هغه مشترک هدف تحقق ومومي (۳).

د اداري مشرۍ اهمیت

مشري خپل اهمیت له بشري عنصر څخه اخلي، هغه چې په سازمان کې د اهتمام اساس ګڼل کیږي او هم دغه عنصر هغه منبع ده چې د اهدافو په تحقق کې ستر رول لوبوي، البته نور تغییرات د دې عکس دي د فرد په سلوکیاتو کنترول او واکمنې د تغییراتو د بدلونونو په رڼا کې ستونزمن کار دی، ځکه دا دده په احساس کې دوامدار عمل دی. دا چې د بشري کفاءت څخه استفاده متضمنه شي ترڅو هغه اهداف پرې تحقق ومومي چې رهبریت یې غوښتونکی دی او هم دغه عمل دوام او استمرار پیدا کړي نو ددې کار لپاره لازمه ده چې اداري فعاله مشري یا رهبریت وجود ولري، په دې تواتمند وي چې د نورو په سلوکیاتو اغیزه وکړي او بیا یې هغه کار ته وادار کړي چې د دوی د کفاءت او فعالیت سره تړلي وي .

په همدې اساس دی ته خورا اړین ضرورت دی چې د رهبریت د کچې د لوړالي لپاره تصامیم او تړیننګونه چمتو کړل شي. کامیاب اداري مشر هغه دی چې د نوښتونو د تأیید او اخلاقو لوړه فضاء جوړه کړي. پر همدې بنسټ له خپلو افرادو سره د رهبر اړیکې په سلوکي برخه کې د مشرۍ اساس او بنسټ بلل کیږي، ځکه مشر د نورو افرادو او ټولنو په سلوکیاتو تأثیر لري، دغه کړنه د انساني سلوکو د ژورې پوهې غوښتنه کوي، تر څو هغه حقیقت درک شي چې وایي: په مؤسسه کې

کارګران هغه وسایل دي چې لـه دوی څخـه یـوازې د تولیـد غوښـتنه کیـږي، آن کـه دهغوی په حساب سره دغه کړنه تر سره شي نـو صـحیح ده لکـه څرنګـه چـې علمـي اداره په دې قایله ده (۴).

د مشرتوب یا رهبریت ارکان

اداري مشري درې ارکان لري او په لاندې ډول دي.

۱- دقیق نظر: له د دې څخه مقصد هغه حالـت دی چـې غـواړي پـه راتلـونکي کې ورته ځان ورسوي، ځکـه دغـه کړنـه یـې ابتکـار او نوښـت تـه رابـولي اوهـم یـې د تحقق لپاره پلان جوړوي.

۲- مخلص اتباع: هر مشر باید مخلص اتباع ولـري ترڅـو د ده پـه شـاوخوا کـې راغونډ شي، د ده افکار رایج کړي او له ده سره یو ځای د اهدافو د تحقق لپاره هـلي ځلي وکړي.

۳- هڅونه او تشویق: دغه عنصر د مشرۍ اساس ګڼل کیږي، ځکه دا د اتبـاعو په معنویاتو پورې تړاو لري، که چیرې دا تحقق ومومي نـو د خپلـو کـارونو د ادا کولـو لپاره به په ذاتي توګه منډي وهي چې دا به بیـا پـه خپـل وار ددې لامـل شي چـې د ادا او تولید لوړه کچه به رامنځ ته کړي.

د تشـویق پـه اړه ګـڼ شـمیر نظریـات نقـل شـوي او دغـه نظریـات د ماسـلو د انساني اړتیاوو په رڼا کې منځ ته راغلي هغه چي دغه اړتیاوې به یې پـه لانـدي کړنـو کې تمثیلولې: «د بیالوژي اړتیاوې ، د امنیت اړتیاوې ، د تقدیر او احترام اړتیاوې ، د ذاتي تحقق اړتیاوې » دغه راز د «کـوفي» نظریـه چـې وایـې: د څلـورو اړتیـاوو تـرمنځ توازن لازمي دی او هغه دا دي: «روح، جسد، عقل او عاطفـه ». دا رنګـه د فـرد څلـور توانایي هم همدا ډول دي «د ذات ادارک چې د شخصیت په قوت پـوري تـړاو لـري، ژوندی ضمیر چې په ایماني قوت پوري تړاو لري، مستقله اداره چې د عقل پـه قـوت پوري تړاو لري»(۵).

د رهبریت یا مشرتوب په اړه نظریات

د رهبریت یا مشرۍ په اړه بې شمېره نظریـات ورکـړل شـوي چـې مهـم یـې پـه لاندې ډول دي.

۱- د سمات نظریه «موروثي مشري». ددې نظریـې مقصـد دا دی چـې وراثي

عوامل د مشر د صفاتو د تحدید مسؤلیت لري، ځینې داسې پیدا کیږي چې هغه به مشر وي، ځینې داسې پیدا کیږي چې هغه به د بل تابع وي، مگر دغه نظریه له ډیرو نیوکو سره مخامخ شوې ده چې ځینې په لاندې ډول دي:

د ټولنې تأثیر او اداري سیاسي دریځونه یې له پامه غورځولي.

دغه نظریه د هغو صفاتو په اړه ناکامه ده چې مشر له نورو څخه جلا کوي او هم دغه صفات د شخصیت د پیاوړتیا لپاره خوري ضروري دي.

دغه نظریه د انساني سلوکو په تحلیل ترکیز نه دی کړی یواځې په صفت یې بسنه کړې ده.

د وراثي مشر د صفاتو تحدید یې نه دی کړی، هغه له دې کبله چې د مشرۍ د خاصو صفاتو او مشترکو صفاتو ترمنځ جلاوالی گران کار دی.

دا چې د سمات نظریه په دې نه ده توانیدلي چې د فعال مشر د صفاتو او غیر فعال مشر د صفاتو ترمنځ توپیر څرگند کړي نو ترکیز یې د مشر په سلوکیاتو کړی دی (٦).

۲- د مشر د سلوکیاتو نظریه:

دغه نظریه د لومړۍ نظریې په رد کې را ښکاره شوه او داسې ده چې امکان لري د رهبر صفات کسبي وي. غوره او کامیاب مشر هغه دی چې د خپلې مشرۍ پر مهال چې پر ټولنه یې لري دغه صفات د خپل کار او دندې په رڼا کې کسب کړي. هغه مهم نظریات چې د مشر له سلوکیاتو سره تړلي دي په لاندې ډول دي:

الف: په رهبریت یا مشرۍ کې د دوامدارې لیکې نظریه: دغه نظریه داسې ده چې یو ځانگړی سلوک چې په مشرۍ پورې تړلی وي او په ټولو دریځونو کې هغه وکاروي، وجود نه لري، بلکې د فعالې مشرۍ یا رهبرۍ سلوک هغه دی چې له هر هغه موقف سره ځان عیاروي چې مشر هلته موجودیت لري.

ب: د مشرۍ په اړه د لیکرت نظریه: امکان لري د مشرۍ په اړه د څلورو نظامونو ترمنځ توپیر وکړو:

- د گټې اخستنې واکمن نظام: په دې حالت کې د مشر باور په افرادو لږ وي، هغه خپله فیصله تحدیدوي او اتباع یې په تطبیق ملزم کوي، او کله ناکله په اداره کې له ویرې او اکراه څخه هم کار اخلي.

- د نفعي مرکزي نظام: دا د مخکنـي پـه شـان دی، مگـر مرکزیـت یـې لـه هغـه څخه لږ دی. مشر خپل اتباع د فیصلې په صادرولو کې له ځـان سره شریکـوي، خـو بیا وروستۍ فیصله خپله کوي.

- د مشورې نظام: پدې صورت کې مشران په خپلو اتباعو اعتماد کـوي، هغـوی په ځینو فیصلو کې د دوی له افکارو او نظریاتو څخه استفاده کوي (۷).

- مشترک ټولیز نظام: په دې نظـام کـې مشرـ پـه خپلـو اتبـاعو پـه کاملـه توگـه اعتماد لري او د فیصلو په صادرولو کې په مشترکه توگـه کـار کـوي چـې وروسـته پـه اکثریت سره پریکړه صادروي.

ج: د بعدین نظریه: د دې نظریې پـر اسـاس د مشرـ سـلوک د بعـدین لـه انـده تحدیدیږي.

- د عمل د تحدید او تنظیم لپاره چټکتیا.

- د نورو د احساساتو او شعور احترام او مفاهمت.

د: د اداري شبکې نظریه: دغې نظریې د رهبر یا مشر د سلوک لپـاره دوه لارې انتخاب کړې دي:

- په افرادو اهتمام.

- په تولید اهتمام.

۳- د موقف نظریه: د دې نظریې پر اساس مشرـي یـا رهبریـت موهبـه نـه ده، بلکې دا یو موقف دی چې مشر او ټولنه په کې خپل موقف پـه کـار اچـوي. کامیـاب رهبر یا مشر هغه دی چې په خپلو سلوکو کې تغییـر راولي او داسـې یـې عیـار کـړي چې د ټولنې له دود سره وړ وي او دا به هم په معین وخـت کـې تـرسره کـوي، د دې مهم نظریات په لاندي ډول دي:

الف: د فیدلر نظریه: دغه نظریه داسې ده چې د مشر سـلوک پـه اکـثر حـالاتو کې دمشرۍ له موقف سره تړلي وي چې په لاندې عواملو سره تغییر خوري:

- د مشر مرکزي قوت.

- د کار طبیعي بڼه.

- له خپلو اتباعو سره د مشر اړیکه.

که چیري مشر په خپل کار ترکیز وکړي نو اورمرو بـه د مرکزیـت پـه لـور حرکـت

کوي او بیا به واکمن کیږي، ځکه د اتباعو لوړ تولید په سختو مواقفو سره تحقق مومي «یا به ډیر اسانه وي یا به ډیر سخت» هغه مشر چې یواځې په انساني اړیکو او برخو ترکیز کوي نو لوړ انساني تولید بیا د معتدل موقف په رڼا کې تحقق مومي «معتدله سختي».

ب: د هاونس او ایفانس نظریه: دغه نظریه د مسار او هدف په نوم هم یادیږي. د دې نظریې پر بنسټ د مشر رول د اهدافو په وضاحت او د اتباعو د لارو په تحقق سره څرګندیږي، هغه عوامل چې په موقف اغیزه کوي په لاندې ډول دي:

- د کار ټولنه، دهغې مهموالی، مکافات، له نورو سره اړیکې.
- د کارکوونکو صفات: دهغوی اړتیاوې، توانایې، او په خپل نفس باور.
- مرسته: دا خپله ددې لامل ګرځي چې د اتباعو اړتیاوو ته توجه وکړي او دهغوی د راحت لپاره کار وکړي.
- مشارکت: مشر په خپلو اتباعو باور پیدا کوي او هغوی ته ددې زمینه ورکوي چې د فیصلو په صادرولو کې ورسره ګډون وکړي.
- اجرائیه: اتباعو ته په واضح شکل سره تعلیمات او د اجراآتو واک ورکوي.
- چیلنجونه او سرته رسول: په دې صورت کې داسې اهداف ټاکي چې د اتباعو توانایي پرې معلوموي، ترڅو دهغوی ادا مخ په ترقۍ روانه وي او په خپلو نفسونو باوري وي (۸).

د مشرۍ یا رهبریت ډولونه

د مشر د معیاري سلوکو پر اساس رهبریت په دوو ډولونو ویشل کیږي

۱- د مشر د سلوکو د معیار پر بنسټ چې په لاندې کړنو کې تطبیقیږي:

الف: واکمنه مشري: مشر ټول قوتونه تر خپل کنترول لاندې راولي، ترڅو اتباع هغه کړنې پر مخ بوځي چې نوموړی یې غوښتونکی دی، دهغوی نظریاتو او اراوو ته اعتبار نه ورکوي، مګر ددغه هدف لپاره له ګواښ، سزا او له عقوباتو څخه کار اخلي. دغه ډول مشري د نظم راوستلو لامل ګرځي او هم تولیدات زیاتوالی پیدا کوي، ځکه خلک له سزا او عقوباتو څخه په ویره کې وي، خو دا به دیوې لنډې مودې لپاره وي، د ټولنې یووالی به د همدې مشر په وجود پورې تړلی وي، مګر په اوږده موده کې ارومرو عدم رضایت ښکاره کیږي چې دا بیا د اتباعو د روحیاتو د کمزورتیا لامل

ګرځي او په کړنو یې منفي اغیزه کوي.

ب: مطلقه مشري «د نه مداخلې مشري» د تولید له مخې دغه ډول مشري لومړی مقام لري. مشر خپل اتباع د تصرف او سلوکیاتو په برخو کې ازاد پریږدي، دهغوی په کارونو کې مداخله نه کوي، نه یې رهنمایې کوي او نه ورته نصیحت کوي، نو مشر په دې صورت کې په سلبیاتو او تسامح سره موصوفیږي. د دې نظریې نیمګړتیا په دې کې ده چې افراد په یو شمیر مواقفو کې رهنمایې ته اړتیا لري د عدم توانایي او سالم تصرف د نشتوالي احساس کوي چې دا په کار منفي اغیزه کوي او د مشر علاقه له ټولنې سره کمیږي.

ج: دیموکراتیکه مشري: په دې حالت کې د مشر باور په افرادو خورا زیات وي، د هغوی له اراوو څخه اغېزمن کېږي او هم د هغوی په افکارو اهتمام کوي، هغوی تل ورسره په اړیکه کې وي، دا راز مشر تل هغوی ته خپل نصیحتونه او رهنمایي په داسې شکل وړاندي کوي چې هغوي خپلو مسؤلیتونو ته بیا په پوره اهتمام متوجه وي. دغه کړنه د هغوی د نوښتونونو او ابتکار قدرت او توانایي زیاتوي، په خپلو منځونو کې یې مرسته او همکاري موجوده وي او له دې سره خپل ذاتیت هم ساتي. دغه چارې افراد دی ته رابولي چې هغوی له خپلو کړنو څخه راضي وي او هڅې کوي چې خپل اهداف او مشترکې مصالح یې تحقق ومومي او هم خپل مشر ته وفادار وي (۹).

۲- د تنظیم پر اساس مشري:

په دې کې به د رسمي مشرۍ او غیر رسمي مشرۍ ترمنځ فرق کیږي:

الف: رسمي مشري: دا هغه مشري ده چې د هغو لوایحو او قوانینو په رڼا کې منځ ته راځي چې د یو هیواد یا سازمان کړنې تنظیموي. په دې ډول مشرۍ کې د مشر صلاحیتونه او واکونه محدود وي، ځکه د ده د مرکزیت او دندې تقاضا هم دا ده او هم لوایح او قوانین د ده صلاحیتونه محدودوي.

ب: غیر رسمي مشري: دا د لومړۍ مشرۍ په عکس ده. مشر د خپل منصب یا چوکۍ څخه صلاحیتونه او واګې لاس ته نه راوړي، بلکې له خپلې هغې موهبې څخه یې راوړي چې په ده کې د مشرتوب صفات موجود دي، د خپلو ملګرو په منځ کې د قوی شخصیت درلودونکی دی، په تصرفاتو او قانع کولو قادر دی، غیر رسمي

مشران په لاندې صفاتو موصوف وي:

- د دې توانايې ورسره وي چې د ټولنې غوښتنې بشپړې کړي او اهداف يې تحقق ومومي.

- د ټولنې او افرادو په کړنو او سلوکياتو تأثير لري(١٠).

د اداري ساحې په درشل کې د نوښت مفاهمت

١ - د نوښت تعريف:

نوښت چې په عربي کې ورته ابتکار وايي، دغه کلمه په لسان العرب کې داسې راغلې: د ابتکار يا ابداع کلمه له «بدع» څخه اخستل شوې او بدع د يو داسې شي جوړول چې مخکې چا هغسې نه وي جوړ کړی. په انکليسي- ژبه کې ورته «innovate» وايي چې دا هم د نوي شي د ايجاد په معنا ده، البته دغه اصطلاح له ډيرو نورو اصطلاحاتو سره متداخله ده، لکه اختراع، اکتشاف، ابتکار او داسې نور. په همدې بنسټ په کار ده چې دغه تداخل له منځه يووړل شي. ابتکار داسې د نوې مفکورې په معنا دی چې له نورو څخه جلا وي. ابداع په دې معنا دی چې دغه مفکوره د تنفيذ پر ځای کې کيښودله شي. پر دې بنسټ ابتکار د ابداع څخه وړاندې وي او په دې ولاړه وي چې څه راز دغې مفکورې ته رسيدلی دی (١١).

د نوښت يا ابتکار اصطلاحي تعريف

الف- داسې عمل دی چې انسان دخپل فکر د کارولو، عقلي توانايی او د مختلفو تأثيراتو او افرادو په رڼا کې غواړي نوي شيان توليد کړي چې هم د ده او هم د هغې ټولنې لپاره په کې ګټه وي چې دی په کې اوسيږي(١٢).

ب: هغه تصرف دی چې هدف د داسې نوې توليد رامنځ ته کول وي چې ملائم او د ترقۍ امکان ولري.

ج: يو شمير تعريفونه بيا خپله د نوښتګرو په صفاتو ترکيز کوي، لکه پراخ خيال، په خپل نفس اعتماد، دوامداره څيړنه، د ستونزو لور ته ميلان او فکري استقلال.

د: يو شمير تعريفونه بيا د نوښت په امکاناتو او نفسي استعدادونو ترکيز کوي، د بيلګې په توګه استقلال، د حقيقت څيړنه او نوښت ته اړتيا . له همدې کبله يې داسي تعريف ذکر کړی دی: د لوړوالي او تميز لپاره بشپړ استعداد.

هـ: یو شمیر تعریفونه د نوښت په پړاوونو ټینګار کوي، پر همدې بنسټ ځینو ویلي دي چې نوښت له یو داسې مرکب عمل څخه تشکیل شوی دی چې یو له بله متلازم پړاوونه لري، چې هغه دا دي: اهتمام، ترکیز، ساتنه، ښکاره کیدل او تحقق.

یو شمیر بیا د دواړو ډولونو د نوښتونونو ترمنځ فرق کوي چې یو یې فني نوښت دی او بل یې اداري. لومړی د هیواد په داخل کې په فني اړخ پورې تړاو لري، لکه د توکو وړاندې کول، د نویو خدماتو ترسره کول، یا داسې لارو چارو ته رسیدل چې په مستقیمه توګه په تولید پورې تړاو ولري مګر دوهم یې په اداري اړخ پورې تړاو لري، د بیلګې په توګه په اداري چوکاټ کې تغییرات راوستل، یا په مهمو وختونو کې تغییرات راوستل(۱۳).

د پورتنیو تعریفاتو څخه لاندې پایلې لاس ته راوړو:

- نوښت ټولو نویو تولیداتو ته شامل دی چې په هغه کې د فرد او ټولنې لپاره ګټه وي.

- نوښت فرد پورې خاص نه دی بلکې ټولنو او سازمانونو ته هم سرایت کوي.

- د نوښت تحدید په ځانګړیو صفاتو او هغو خصوصیاتو سره کېږي چې خپله په نوښتګرانو کې موجود وي.

- نوښت په عارضي یا تصادفي توګه منځ ته نه راځي، بلکې د څو پړاوونو په پایله کې رامنځ ته کیږي چې مهم یې په دې ډول دي: اهتمام، ترکیز، کنترول، ښکاره کیدل او تحقق.

- امکان لري چې د نوښت سلوکیات د سازمان په دننه کې د ټولنې او افرادو د ټریننګ او مناسبې فضاء په وسیله ترقي او وده وکړي.

۲- په سازمانونو کې د نوښت اهمیت:

معاصر سازمانونه له ګڼ شمیر ګواښونو سره مخامخ دي او دا د ټولنو له ګډوډې وضعې او پیچلیو حالاتو څخه رامنځ ته شوي دي. د دغو ګواښونو او چیلنجونو مقابله زیات کفاءت او فعالیت ته اړتیا لري، نو دغه کړنې زیاتو نوښتونو او لوړو توانایيو ته ضرورت لري، ترڅو دغه سازمانونه له خپل پاتیوالي، دوام او ترقۍ څخه دافمن شي.

اوسمهال نوښت د پام وړ یو ځانګړې سیالي ده په تیره بیا په معاصرو بدلونونو

کې، ځکه چې دا د نړیوالتوب غوښتنه او د تنکالوژي او مواصلاتي ارتباطاتو انفجار دی، ځکه اوسمهال په بازارونو کې نړیوالتوب روان دی، د مستهلکینو په ذائقه کې بدلون راغلی، نو د مؤسسې کامیابي په هغونویو افکارو پورې تړلې چې دا یې په څنګ کې رانغاړي، دارنګه د دغو افکارو د سمونتیا توانایي له واقعیت سره تر کومه حده برابره ده، ځکه یوازې په مادي مواردو سره نه شي کولای سیالي وکړي. اوسمهال د سازمانونو کامیابي په هغو نویو افکارو پورې تړلې چې سازمان یې په واک کې لري او هم په دې پورې تړاو لري چې دغه افکار تر کومه حده له د واقعیت سره سمون لري. ګڼ شمیر لیکوالانو او څیړونکو څرګنده کړی ده چې سازمانونه نوښتونو ته اړتیا لري، ځکه د سازمان لپاره تر ټولو مهمه منبع ګڼل کیږي نو په کار ده چې ښه اداره یې وشي او هم یې د ودې او پراختیا لپاره هلي ځلي وشي.

دا چې دا خورا اهمیت لري نو ګڼ شمیر سازمانونو دې ته مثبت ځواب ووایه او په بیلابیلو لارو یې خپله پاملرنه ورته واړوله، هغه په داسې ډول چې خپله ستراتیژي او سیاست یې داسې عیار کړ چې د نوښت فکر او سلوک یې تشویق کړ. یو شمیر ځانګړې کمیټې یې د نوښت د پرمختګ لپاره جوړې کړې، د بیلګې په توګه د ترقۍ او څیړنې کمیټه، یو شمیر نورو بیا په پریمانه کچه شتمنۍ د موهبه یې نوښت په خاطر مصرف کړي دي.

۳- د نوښت عناصر:

له دې سره سره چې څیړونکي او باحثین د نوښت د تعریف په اړه جلا جلا نظریات لري، مګر ټول په دې متفق دي چې نوښت له هغه متشکل قدرت څخه عبارت دی چې په لاندې عناصرو پورې تړاو لري(۱۴).

الف: اصالت: له دې څخه مقصد دا دی چې داسې افکار تولید کړي چې مخکې نه و موجود او وړاندې چا ته نه و معلوم، ځکه نوښتګر اصیل فکر لري چې د پیژندل شویو او معلومو افکارو څخه لري وي.

ب: اطلاقیت: له دې څخه مقصد هغه قدرت دی چې نوي افکار په داسې شکل تولید کړي چې په مستقیمه توګه د مشکلاتو لپاره حلول لټولای شي.

ج: مرونت: له د دې څخه مقصد د نرمو اړیکو ایجاد دی چې له بیلابیلو زاویو څخه ورته په مختلف نظر کتل کیږي.

د: تحلیل او تفصیل ته میلان لرل: له دې څخه مقصد دهغو عناصرو فهم او تحلیل دی چې له هغو څخه نور شیان جوړیږي او داسې کړنې ترسره کوي چې د دغو عناصرو ترمنځ اړیکي قایمې کړي.

هـ: د مشکلاتو د احساس توانایي : دغه عنصر د نوښت اساسي عمل ګڼل کیږي چې د ګڼ شمیر مشکلاتو تشخیص د یو موحد موقف له لارې ترسره کوي، هغه په داسې شکل چې ټول اړخونه او برخې تحدید کړي دهغو نیمګړتیاوې په ګوته کړي چې ورته نوي حلول پیدا کړي.

و: تجربې ته میلان: نوښتګر تل هغو چارو او قضایاوو ته د شک او انتقاد په نظر ګوري چې بل چا ترسره کړي وي، خو هغوی یې داسې درست بولي چې د شک هیڅ ځای په کې نه ویني، مګر نوموړی یې نسبي بولي چې په ذاتي نظر پورې تړاو لري.

ز: په خپل نفس اعتماد: نوښتګر به په خپل نفس باوري وي ترڅو له خپلو افکارو او آراوو څخه دفاع وکړي، ځکه د ده امتیاز په دې کې دی چې لوړ امیدونه لري او د کامیابۍ هیله ورسره وي.

ح : خطرات: له دې څخه مقصد دا دی چې نوښتګر تر ټولو مخکې د نویو کارونو مشري په غاړه اخلي او د هغو په رڼا کې خپل نوي افکار ایجادوي، خو په عین وخت کې دی ته چمتو وي چې مسؤلیت پر غاړه واخلي په تیره بیا هغه مسؤلیت چې په دې کارونو پورې تړاو لري.

ط: ذاتي نقد: نوښتګر تل دی ته میلان لري چې په دوامداره توګه نیوکې وکړي او د خپلو افکارو ارزونه د اجتماعي او نفسي تحلیلونو د استخدام په شکل ترسره کړي، په هیڅ توګه له داسې صورت سره توافق نه ښیي چې له هغو نوښتونو سره په ټکر کې وي چې د انساني شخصیت په جوړونه کې خنډ واقع کیږي په تیره بیا هغه چې په نیوکې یا ارزونې پورې تړاو لري.

دغه عناصر داسې نښانې دي چې نوښتګران له نورو څخه بیلوي، دا دهغو څیړنو او بحثونو پایلې دي چې اروا پوهنه او د ټولنپوهنه کې لوستل کیږي، دا رنګه د فردي او ټولنیز نوښت اساس او بنیاد هم بلل کیږي. پر دې بنسټ په سازمان لازمه ده چې د دغو معرفتونو او مهارتونو د موهبې لپاره پانګونې وکړي ترڅو غوره

ترقي او بهتري لاس ته راوړي.

۴- د نوښت د کارونې پړاونه:

نوښت یوه انساني چاره ده چې د ځانګړیو پلانونو او پړاوونو مطابق کېږي چې دغو پلانونو ته به په لنډ ډول په لاندې کرښو کې اشاره وکړو:

الف: د پاملرنې «interest»: پړاو په دې پړاوکې د هغې ستونزې تحدیدوالی کېږي چې د نوښتګر اصلي موخه ده. په همدې اساس پرې لازمه ده چې ګڼ شمیر ضروري پوښتنې د دغې ستونزې د حل لپاره مطرح کړي. په ټوله کې دغه پړاو د مشکل د اړخونو تحدید او د معتمدو پلانونو پړاو دی.

ب: د تیاري «preparation» پړاو:په دې پړاو کې د مشکل د حل په اړه معلومات را غونډیږي په دې صورت کې په نوښتګرو لازمه ده چې بیلابیلې لارې وکاروي او د پوښتنو نمونې وړاندې کړي پر دې سربیره د معلوماتو د غونډولو لپاره خپل ټول کوشش په کار واچوي.

ج: د کنترول «incubation» پړاو: په دې پړاو کې د څیړونکي د شخصیت او د څیړنې د موضوع په اړه تفاعل کېږي. دارنګه د مشکل لپاره حلول هم ټاکي او بدیل یې هم په نظر کې نیسي.

د: د څرګندیدو «illumination» پړاو: په دې پړاو کې نوښتګر خپل افکار تنسیق او تنظیموي، ترڅو پرې حل ته ورسیږي. په دې پړاو کې په نابېره توګه د نوښت نښاني را څرګندیږي.

هـ: د تحقق «verification» پړاو: په دې پړاو کې د هغې مفکورې ریښتینولي په ډاګه کیږي چې فرد کشف کړې ده، ایا دا د دې وړ ده چې پاملرنه ورته وشي که نه؟ دارنګه په نوښتګر لازمه ده چې پردې فکر وکړي څه راز دغه مفکوره تطبیقیدلای شي او د کامیابۍ لپاره یې کوم ظروف لازم دي او کوم اشخاص به دغه چاره پرمخ بیایي چې یې تطبیق کړي.

د دې پلانونو او پړاوونو عملي کول داسې نمونه نه ده چې ارومرو به دهغې پیروي کیږي، ځکه د نوښت قضیه یوه متداخله او یو له بل سره ورته قضیه ده، نو دا د دې؛ نفې نه کوي چې دغه عمل دې د پلانونو مطابق ترسره شي. په تیره بیا ټولیز نوښت، سربیره پردې چې دا داسې کړنه نه ده چې واکمني پرې ترسره شي. او

داسې دې توجیه شي چې د سازمان اهداف پرې تحقق ومومي، ځکه په ډیرو حالاتو کې پخوا له حاجت څخه نوي افکار منځ ته راځي.

۵- د نوښت خنډونه:

نوښت د تغییر له بڼو څخه یوه بڼه ده چې ظروف او تغییرات منځ ته راوړي او هم دا دهغو سازمانونو د تمیز مصدر دی چې د بقاء او استمرار په لټه کې وي، مګر په اکثرو حالاتو کې دغه کړني له خنډونو او کړاونو سره مخامخ کیږي چې د سازمان په داخل کې د افرادو او ټولنو د ترقۍ او سلوکي پرمختګ د نوښت مخه نیسي- چې ځیني په لاندي ډول دي(۱۵):

- نویو افکارو ته نه پاملرنه په تیره بیا هغه نظریات چې د ټیټې طبقې خلکو نوښت وي او هغو ته د شک په سترګه کتل.

- په سازمان کې رایج تنظیم هغه چې دهر نوي فکر مخالف وي پردې اساس د رایجې نظریې مخالفت باید ونه شي.

- په نفسونو باندې د اداري مشرانو نه اعتماد او د نورو له ګډون څخه ویره، ځکه دا د ځان لپاره ګواښ ګڼي.

- په حرفوي توګه د قوانینو، تعلیماتو او اجراآتو التزام.

- د هڅونکي سیاست نشتوالی هغه چې مجتهدین او کامیاب اشخاص کار ته تشویقوي، ځکه دا اشخاص د نوښتونو مصدر ګڼل کیږي.

- د تنظیمي بیوکراتي چوکاټ اعتماد هغه چې په مرکزیت او د تخصص په مبداء یې اعتماد دی، د ازادۍ اجتهاد او د فکر ازادي چا ته نه ورکوي.

- د سازمان د اهدافو نه وضاحت هغه چې د کار په ډګر کې د پیچلتیا او ګډ وډۍ سبب کیږي، او بیا په خپل وار په نوښت تأثیر کوي.

- د نظامونو په ارزونه او تصمیم کې په علمي او موضوعي اساساتو د اعتماد نشتوالی، ځکه دغه عمل د نوښت د شاته تګ لامل ګرځي.

دریم: د اداري رهبریت اړیکه له نوښت د اداري سره

د چټکو بدلونونو په هغه ساحه کې چې سازمانونه په کې ژوند کوي او نړیوالتوب لازمي ګرځولي، بیا دهغې تکنالوژۍ او معرفت انفجار چې په نړیواله او سیمه ییزه کچه په کې سیالي روانه ده. همدارنګه د محیط د تغییراتو او په ادا کې

د تحقق د تمییزشتون هغه څه دي چې پانګه وال فکر، لازموي، په تیره بیا په بشري عنصر کې چې اوسمهال د رفتار اساس ګڼل کیږي.

د اداري ادبیاتو څیړونکی او اداري مشرتوب څیړنه چې په دې ډګر کې ترسره شوي ددې څرګندوی دي چې د افرادو توانایي او نوښتي مهارتونه په مستقیمه توګه له هغې مشرۍ څخه متأثر کیږي چې په سازمان کې موجوده ده، یا په بل عبارت د مشرۍ د تګلارې او د نوښت ترمنځ اړیکه موجوده ده.

پردې بنسټ مشران په مستقیمه توګه د اتباعو په سلوکیاتو تأثیر لري، مشران د هغوی په نوښتي قدراتو باندې زیات تأثیر غورځوي، په همدې اساس « Hage &Dewar1973» په دې اند دی چې په ګڼ شمیر سازمانونو کې د نوښتونونو اوابتکاراتو په اړه چې کوم اختلافات موجود دي، د هغو تر ټولو اساسي لامل د مشرانو عادات او سلوکیات دي. د اتباعو نوښتي توانایي د دیموکراسۍ له مشرتابه څخه متأثر دي، له دې سربیره مشران کولای شي چې د اتباعو د نوښتي توانایې په اضافه کولو کې ستره ونډه واخلي، دا هغه مهال کېږي چې کله هغوی تشویق کړي او د نظریاتو په ورکولو کې پوره ازادي ورکړي، همدارنګه په خپله د مشر ـ سلوک فرد دې ته رابولي چې د نوښت او ابتکار په لور مخه کړي، دهغه معنویات لوړ کړي ترڅو د ستونزو او هغو مشکلاتو مخه پرې ونیسي چې د همدې کار په وخت کې ورسره مخامخ کیږي. دا معقوله نه ده چې اتباع دې د نوښت فکر ولري او مشر ـ دې هماغه پخواني فکرونه کوي، د بدلون او تغییر هیڅ فکر دې ورسره نه وي، بلکې خپله په مشر لازمه ده چې نوی فکر ولري، په اتباعو کې د مثبت بدلون روح تازه کړي، ترڅو په دې سره وکولای شي چې نویو افکارو ته ورسیږي او هغه ورسره مناقشه کړي خو له دې سره سره به ورسره مرسته او همکاري کوي(١٦) .

په دې اساس څیړونکي او باحثین وایي چې د نوښت توانایي له یو فرد څخه بل ته فرق کوي، خو فرد تل د خپل فردي نوښت او ذاتي فکر په لور کوشش کوي چې تقدیر او احترام یې وشي، خو د اداري رهبریت اهل فرد همدغه عمل ته تشویقوي. ښه مشر کولای شي چې د نوښت مفکوره او نظریه په خپلو کارګرانو او افرادو کې را ژوندۍ او هغې ته وده ورکړي چې په دې کار کې به لاندې لارې کاروي:

ا- کارزماتیکي تأثیر «د مشر شخصي صفات»، هغه صفات چې مشر ورباندې موصوف وي د نوښت په غریزه کې ستر رول لوبوي. په دې ډګر کې هر یو « Danny Cox» او «Hover john» د یو شمیر اداري مشرانو ځیړنه کړي ده او په دې اړه یې د مشرانو ځینې مواصفات مشخص کړي دي چې هغه په لاندي ډول دي(۱۷):

الف: د لوړو شخصي اخلاقیاتو برابري: په فعال مشر لازمه ده چې شخصي اخلاق یې له وظیفي د اخلاقو سره برابر وي.

ب: لوړ فعالیت: په فعال رهبر لازمه ده چې په ژوندي صفاتو سره موصوف وي، د عادي کړنو څخه باید لوړ وي، ټوله پاملرنه به مهمو قضایاوو او پیښو ته کوي.

ج: سرته رسول: فعال رهبر باید د عمل رسرته رسولو فکر ولري چې خپل اهداف پرې لاس ته راوړي.

د: د شجاعت خاوند به وي: فعال مشر یا رهبر به جرآتمند او میړنی وي، کله نا کله به خپله د خطر ځایونو ته چمتوالی نیسي او د هغو د ټولو پایلو پړه به پر غاړه اخلي.

هـ: کار به د نوښت پر بنسټ کوي: فعال مشران په ذاتي توګه تل په نوښت سره له نورو څخه جلا کیږي هیڅکله په معلوم عمل نه راضي کیږي.

و: په کلکه توګه د کار سرته رسول: فعال مشران خپل ورسپارل شوې دندې په اخلاص او جدیت سره سرته رسوي، همدارنګه خپلو دندو ته ملتزم پاتي کیږي.

ز : ذکاوت: فعال مشر د غوره عقل خاوند وي زیات ځیرک وي چې په اسانۍ سره کولای شي فکر ته بدلون ورکړي چې له ظروفو سره برابر شي.

ح : دهدف تحدید: فعال مشران په دې سره موصوف وي چې دوی خپل اهداف پخوا له پریکړو څخه مشخص کوي.

ط : دوامداره تشویق: فعال اداري مشر د تشویق او هڅونې خاوند وي، نوموړی د لمبي مثال لري چې هیڅکله نه ګل کیږي.

۲- د نویو افکارو تشویق: مشر ته په کار ده چې خپلو اتباعو ته تر یو څه حده ازادي ورکړي چې د مشکلاتو په تشخیص او نظر ورکولو کې برخه واخلي، هغه په داسې ډول چې د دوی وړاندیزونه ته غوږ ونیول شي، کوم چې غوره وي هغه تطبیق کړی شي او یا هم لوړو مقاماتو ته وړاندې شي، ځکه برخه اخیستل له یوې خوا

زیات تأثیر لري او له بلې خوا د افرادو روحیـات ورسره لـوړیږي، دې تـه یـې اړیـاسي چې زیات کوشش وکړي په راتلونکي کې نـور د پـام وړ وړاندیزونـه وکـړي او نوښـتونه ترسره کړي.

۳- نیابت او د قدرت سپارل: په دې معنا چې مشر خپلـو افـرادو تـه د هغـوی د صلاحیت او مسؤلیت په چوکاټ کې صلاحیتونه ورکړي چې یو شـمیر دنـدې پخپلـه سرته ورسوي.

۴- د کارګرې ډلـې او مشرـ تـرمنځ بـه د تفاعـل تحقـق موجـود وي: ځکـه دغـه متبادله مرسته ددې لامل ګرځي چې یو له بله مفید معلومات سره شریک کړي او په جدیت سره نوي افکار رامنځ ته کړي.

۵- غوره انساني اړیکې: دا د مشر له ایمان څخه سرچینه اخلي او دی یقین تـه رسیږی چـې کـارکوونکی احساسـات او معنویـات لـري لازمـه ده چـې دهغـو احـترام وشي، همدارنګه هغوی داسې ستونزې، امیدونه او حقوق لري چې هغه په کار پـورې تړاو لري نو هغو ته پاملرنه خورا اړینه ده.

٦- اعتراف او قدرداني: د مشرانو له خوا پر نـورو اعـتراف او پـه ملموسـه توګـه د هغوی قدر کول، هغوی ته مکافات ورکول د نوښتي سـلوکیاتو لپـاره تـر ټولـو غـوره او ښه دلیل دی.

۷- د بدلیدونکي فرهنګ پیونـدول: پـه مشرـ لازمـه ده چـې خپلـو افـرادو تـه دا پیغام ورسوي چې بدلون هم د دوی او هم د اداري لپـاره غـوره او مفیـد دی، د دغـه اعتقاد احتمالات هغه مهـال نـور هـم اضـافه کیـږي چـې کلـه افـراد د دغـه تغییـر او بدلون په تنفیذ کې برخه واخلي.

۸- په مشرانو لازمه ده چې خپلو افرادو تـه چمتـوکړل شـوي حلـول ورنـه کـړي، ځکه دا یې له هغه فرصت څخه منع کوي چې دخپل قوت اظهار پرې وکړي، ځکه د نوښت د قدرت بنسټ په خپل نفس اعتماد کـول دي، د مسـؤلیت پـه غـاړه اخسـتل دي او هم یې د بدیل لپاره فکر کول دي.

۹- په مشرانو واجب ده چې د افرادو د فـردي توپیرونـو احـترام وکـړي، د سـاده نوښتونو د څښـتنانو سـپکاوی ونـه کـړي، بلکـې لـه دوی سره لـه تعـاطف څخـه کـار واخیستل شي آن که د هغوی کړنې ډیرې نیمګړې او متواضع هم وي.

۱۰- په مشرانو لازمه ده چې د هغو بیاناتو قواعد په پوره کچه چمتو کړي چې د لازمو پرمختګونو د معلوماتو په جمع کولو کې مرسته کوي. نوښتګر پرته له معلوماتو څخه نه شي کولای چې خپل عمل ته ادامه ورکړي.

د دې سربیره په مشرانو لازمه ده چې د مالي اعتماداتو تخصیص ولري او هغه په دومره انداز کې وي چې د ټریننګ، د مشرانو او افرادو د تجربوي پرمختګ لپاره کفایت وکړي، ترڅو په دې سره خپل مشکلات حل کړي او هم هغو اشخاصو ته په فوري توګه مکافات ورکړي چې نوښتونه او ابتکارات یې کړي وي.

پایله

دا یو واقعیت دی چې د ټولنو او هیوادونو استحکام، امنیت، اقتصاد، ترقي او پرمختګ په رهبریت او مشرتوب پوري تړاو لري. هر کله چې د یوې ټولنې یا هیواد رهبریت سالم او صحیح وي، هغه ټولنې او هیوادونه به له هر راز کشالو، مصیبتونو، کشمکشونو او ناخوالو څخه خوندي وي، خو کومې ټولنې چې غوره رهبریت ونه لري نو له بیلابیلو ستونزو سره به لاس او ګریوان وي، ځکه غوره رهبر یو ملت ته بدلون او تغییر ورکولای شي، همدا لامل وو چې الله پاک ابراهیم علیه السلام ته امت وویل: «**إن إبراهیم کان أمة قانتا**» نو د غوره رهبر په واسطه ټولنې او ملتونو له بدبختیو او ناخوالو څخه خلاصیږي او هم یې د سوکالۍ او ترقۍ په لور سوق کوي.

مآخذ

۱- فاروق فرحات. د اداري اساساتو اختیار او ترقي، چاپ دمشق، ۲۰۰۳ کال، ۳۲۹ مخ.

۲- محمد اکرم عدلوني.العمل المؤسسي، لومړی چاپ، دار ابن حزم للنشر والطباعه بیروت، ۲۰۰۲کال، ۱٦۵ مخ.

۳- فؤاد شیخ سالم. المفاهم الاداریه الحدیثه،څلورم چاپ ،مرکز الکتب الأردني،۱۹۹۴ کال، ۱۸۵مخ .

۴- احمد مسعودان. الاداره المدرسیه الرشیده، ۲۰۰۷ کال ۱۸۴ مخ.

۵- علیوه سید. تنمیه المهارات القیادیه، لومړی چاپ ،دار سماح قاهره،۲۰۰۱کال ۴۵مخ .

٦- کامل مغربي. اساسیات في الاداره، لومړی چاپ ،دار الفکر للنشر والتوزیع،

۱۹۹۵کال، ٦٣مخ .

۷- عجیله محمد بن نوي مصطفی. متطلبات القیاده الاداریه الرشیده، ۲۰۰۷ کال ۷۸مخ.

۸- نیازی، مصطفی. فکري استعمار، دویم چاپ ،۲۰۱۰م کال ، پیښور،۹۸ مخ.

۹- وفیق حلمي اغا، دور القیادات الاداریه فی التطویر والتنمیه، چاپ دمشق، ۲۰۰۳ کال ،۲۸۵مخ.

۱۰- کوکس وهو فر. القیاده في الازمات، لومړی چاپ ،بیت افکار الدولیه ، ۱۹۹۸م کال، ۷۱ مخ.

۱۱- حسین حریم. اداره منظمات، لومړی چاپ،دار حامد للنشر والتوزیع، عمان ۲۰۰۳م کال ،۲۰۰۴مخ .

۱۲- هوارې معراج، خلیل عبد الرزاق. الابداع فی القطاع الحکومي، مجله العلوم الاقتصادیه والتسییر، جامعه سطیف، عدد٠٦/ ٢٠٠٦ کال ، ۷۰مخ .

۱۳- حسین حریم. السلوک التنظیمي في المنظمات، دار وائل للنشر عمان، ۱۹۹۷م کال ٤٦٥مخ .

۱۴- حسین حریم، اداره منظمات مخکنی مصدر، ۳۰۵ مخ.

۱۵- Yenat.Z, fonction GRH, fonction stratégique de l'entreprise aujourd'hui et demain, ALGRH, le 24-25-26 Octobre 1998,pp 01-15.

١٦- HAge, J. Dewar,elite values versus organizational structure in predicting innovation, administrative science quarterly 1973,18,279,290.

۱۷- کوکس وهو فر. القیاده في الازمات، لومړی چاپ، بیت افکار الدولیه، ۱۹۹۸م کال ، ۷۱ مخ .

سرمحقق طوبی ابوی صادق

نقش صلح و امنیت در کاهش خشونت

خلاصه

مبرهن که جنگ ونا امنی عرصه های مختلف زندگی انسانی را دستخوش تأثیرات منفی نموده شرایطی را به میان می آورد که نه تنها امنیت جان و مال مردم غیر مصّون شود بلکه بستر انجام اعمال خشونت بار نیز فراهم آید.

با آنکه رسیدن به صلح در کشور های جنگ زده، دشواری های زیادی به همراه دارد به ویژه آن کشورهای که نهاد های سیاسی و اجتماعی ضعیف، امکانات محدود و جامعه یی نابه سامانی را دارا باشند، اما بدون شک ما مطمئن هستیم که خواه نا خواه به صلح دست می یابیم تا از طریق آن گلیم نا بسامانی را بر چینیم، این را هم نه باید فراموش کرد که صلح بدون مشارکت ملی وآشتی ملی ممکن نیست. حاکمیت قانون یکی از عوامل عمده برای ایجاد شرایط جامعه صلح آمیز است که از اولویت های عمده برای زمینه سازی صلح محسوب میگردد. بناءً ایجاب میکند تادر طرح های رسیدن به صلح و امنیت و کاهش خشونت سهم گرفته در مورد آن تحقیق و بررسی نمائیم چنانچه این مقاله به این هدف تحریر شده است.

مقدمه

ما نیاز مبرم به صلح و امنیت داریم، تا از طریق آن چالش ها و خسارات عدیده یی ناشی از جنگ و خشونت را جبران نمائیم پذیزش صلح و صلح گرایی با وصف دشواری های آن امکان پذیر بوده و باید به آن برسیم.

با در نظرداشت جوانب مختلف صلح و زدودن خشونت که متأسفانه زنان و کودکان بیشترین صدمه آنرا میبینند و هکذا نیرو های امنیتی که هزینه ی مقابله با نا امنی را به قیمت جان خویش پرداخت می کنند، لازم است نیروی های سیاسی شامل در نظام و خارج از آن همه به منظوز صلح تلاش نمایند زیرا ما به صلح نیاز داریم و صلح مقدمه یی است برای امنیت وزندگی دلخواه.

مبرمیت

نگارش این مقاله احساس مسؤلیت و همدردی با سرزمین خود و مردمان آن تلقی میشود چنانکه سعی گردیده تا به نحوی قابل درک در کاهش خشونت های تحمیلی را منحیث پدیده منفی در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی به تحقیق گرفته و راهکار های تجربی تغییر مثبت در افکار عامه و زدون اعمال خشونت زا را در پرتو یاد گیری و هم پذیری جهت رسیدن به صلح و امنیت که گزینه یی با اهمیت در کاهش خشونت میباشد پیشنهاد نمائیم وده است .

هدف

هدف اساسی موضوع، تمرکز بر کاهش خشونت و ریشه یابی آن، رول امنیت و نیل به صلح از منظر و دید ملی و بین المللی بوده و در کل تمرکز بر حوادث و وقایع اسف انگیز و درد آوری دارد که تا هنوز با وجود سعی فراوان برای ایجاد فضای مناسب ما را مجالی نیست.

در کشور ما افغانستان به شکل سنتی، گرایش به ارزش ها و باورها از اهمیت خاص بر خوردار بوده و به خوبی میتوانیم این ارزش ها را در ترغیب به صلح گرایی و هم زیستی ممد دانسته و سوق دهیم. همچنان روند نیل به صلح طور آگاهانه از طریق وسایل سمعی، بصری و امثالهم میتواند اجتماعات مثل خانواده، اجتماعات دینی و سازمانهای اجتماعی را در راستای بستر سازی برای صلح و امنیت تقویت و فضا سالم فکری را ایجاد نماید.

یکی دیگری اهداف صلح سازی، تقویه و گرایش به فرهنگ سالاری بوده که در آن باورمندی فرد جامعه به خود و ماحول خود باشد. بادر نظر داشت چنین وضعیت، رفتار، سلوک، عادات ارزشی در جامعه، بهترین الگو برای رسیدن به هدف، صلح را بارور میسازد .

در واقـع صـلح گرایـی و زدودن خشـونت رونـد، دمـوکراتیزه کـردن نهـاد هـای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را نیـز تشـدید نمـوده و اثـرات مثبـت بـر اجتماعـات بزرگ، کوچک، نهاد های اجتماعی و دینی که عامـل بسـیار ارزشـمند بـرای جامعـه آرمانی اند منتهی می گردد. به گونه مثال بهترین نمونه را در دوران مهاتما گاندی و مارتین لوتر کینگ میتوان یافت. چنانکه گاندی نماد از عدم خشـونت بـود و آداب و سنن دینی خود و دیگر ادیان مانند اسلام و مسیحیت را به گونه ای تفسیر کـرد کـه مردمان خود را برای ایجاد صلح تشویق نمود.

میتودتحقیق

دراین مقاله از میتود علمی تحقیقی تشریحی بااستفاده از آثار علمـی ومنـابع کتابخانه کار گرفته شده است.

صلح وامنیت

صلح و امنیت اصـطلاحات عـام فهمـی انـد کـه بـه منظـوز دسـتیابی بـه آن در مقابل جنگ، نا امنی وخشونت مبارزه میگردد.

صُلح: در ادبیات قدیم پارسی معنای آشتی و به معنـای مقابـل حـرب و جنـگ آمده است، اما امروز مفهوم صلح گسترش یافته و با تفکرات متعددی که صـلح را در ابعـاد وسـیع معرفـی کـرده انـد آمیختـه شـده اسـت ،چنانکـه صـلح شرایطـی آرام، بی‌دغدغه و خالی از تشویش، کشمکش و ستیز گفته شده است. بدین ترتیب صـلح یک آرمـان جهانی تلقی می‌شود که مفهوم مطلق به آن داده نمیتوانیم و می‌توان آنرا از جنبه های مختلفی مورد مطالعه قرار داد مانند: طردجنگ،کاهش خشونت، خلـع سـلاح و کنـترول تسـلیحات نظـامی و سـایر موضـوعات کـه بیشـتر وابســـــته بـه دیـــــدگاه ها و تعـریفات متــفاوتــی اند.

امنیت: به زبان دری کلاسیک، زِنهار و زینهاری ادا می‌شد، اما به مفهـوم عـام امنیت به جای امن و ایمنـی اطـلاق میگـردد. امنیـت در بـر گیرنـده ابعـاد مختلـف حیات بشری است مانند: امنیت اجتماعی که امنیت خانواده، امنیت ملـی، امنیـت فرد را احتوا میکند وهم امنیـت اقتصـادی، امنیـت فرهنگـی، امنیـت روانـی، امنیـت ملی، امنیت شهری، امنیت صحی وغیره.» (٦: انترنت) بدین ملحوظ میتوان گفـت، صلح و امنیت اصطلاحات عـام فهمـی انـد کـه بـه مبـازره در میـان جنـگ، نـا امنـی

وخشونت قرار دارند، به همین منظورصلح در شرایط خاص، یکی از ارکان اساسی ثبات سیاسی بوده که در شکل گیری و تأمین امنیت و آرامش فرد وجامعه رول ارزنده دارد

برای زمینه سازی فکری صلح و امنیت ، بایددر مورد اساسات تأمین صلح نیز فکر کرد. "از آن جاییکه امنیت رکن مهم ایجاد و تحکیم ثبات سیاسی میباشد، صلح به مثابه مقدمه امنیت است. وجود شرایط صلح آمیز زمینه های فکری، برخورد جسورانه به گذشته واجتناب از انتقام را فراهم و میکانیزم صلح وامنیت را از یک خواست به یک واقعیت در چارچوب نهاد های مشخص و قانونمند تبدیل مینماید, (۱: ص. ۱۷)

نظریه پردازان جامعه شناس دیدگاه های مختلف در این ارتباط ارایه کرده اند، چنانکه تیوری جامعه سالم را در وجود افراد سالم اظهار داشته اند، زیرا گرایش به صلح و امنیت در دامان افراد شایسته ممکن بوده و نهایتاً به نتیجه مطلوب منتهی میگردد. از این رو پیاده کردن صلح نیاز وخواست بزرگ در برابر خشونت و جنگ بوده که نیازمند مبارزه دوامدار برای رسیدن به این آرمان تلقی میگردد.

به همین ترتیب با توجه به تاریخ تحولات اجتماعی، خشونت منحیث پدیده شوم همواره فراراه بشریت قرار داشته، زیرا آنرا نحوی از مبارزه برای بقا تلقی نموده اند و در نهایت تاریخ از آن منشا گرفته است، بناً به هیچ عنوانی نمیتوان چنین دیدگاه خشونت آمیز را یعنی تنازع بقا(نبرد ماندن) که در ذات خشونت است قطعی پذیرفت ویا تحمل نمود. به هر حال این دیدگاه نا امید کننده است اما راه های رسیدن به صلح و کاهش خشونت، نیاز به الگو های تجربی دارد که صلح را صرف با صلح میتوان بدست آورد و به آن بقا داد.

الگو های تجربی رسیدن به صلح و امنیت، در روابط بسیار خوب انسانی ممکن و عملی است چنانکه، "گاندی بزرگ برای رفاه اجتماعی، زنده گی خود را وقف صلح و هماهنگی ملی کرد و سعی نمود تا نظریات کاهش خشونت را در ابعاد زندگی افراد جامعه بارور سازد. وی الگو و نمادی از عدم خشونت بود و آداب و سنن جامعه خود را در آداب و سنن دیگران به گونه‌ای تفسیر کرد که برای ایجاد صلح موثر بود." (۳: ص.۱۴)

هیچ شکی نیست که امروز کشور های رو به انکشاف منجمله افغانستان در عرصه های مختلف اقتصادی وفرهنگی عقب مانده تر از بسیاری کشور ها اند و در فقر و بیسوادی به سر می برند اینجاست که این واقعیت تلخ باعث می شود با درک درست از وضعیت سیاسی، اقتصادی وامنیتی کشور، صلح و امنیت در اولویت برنامه های دولت ملی باید قرار گیرند.

ایجاد فضای صلح آمیز و کاهش خشونت در افغانستان درگیر در جنگ و نا امنی ، در سر خط عمل کرد دولت بوده و برای به وجود آمدن امنیت مبارزه مینمایند. منشور تحول و تداوم در زمینه چنین مینگارد: "برای تآمین وحفاظت از صلح پایدار، بر تقویت نقش رسانه ها، نهاد های فرهنگی، مدنی، سیاسی و اجتماعی به صورت اساسی و قانونمند سرمایه گذاری خواهد کرد و کار در این زمینه را به حیث مهمترین اولویت خود در نظر خواهد گرفت تا در نتیجه ی آن یک فرهنگ واضع ملی که صلح پایدار را بخشی از زمینه ی حاکمیت قانون و اجرای پروسه ی دولت سازی و ملت سازی میداند، ایجاد شود". (1: ص.۱۷) به این تعهد ما باور داریم، اما افغانستان که میراث دار نقض حقوق بشردر دهه های جنگ است و عدالت، صلح و امنیت هم اجزای یک کلیت واحد برای محو خشونت میباشد، نباید انتظار داشت تا یک باره نظام مبتنی بر خشونت را از جامعه بر چید و صلح و ثبات را تامین نماید. بناً ما حضور فعال نیرو های طرفدار حقیقت را که آگاهی کامل از جامعه دارند و به ارزش های اجتماعی و نقش نیرو های صلح خواه اهمیت میدهد نیازمندیم.

سوال طرح میشود که چگونه میتوان صلح و امنیت را در جامعه بر قرار کرد!؟ بیایید طرحهای خود را جهت نیل به جامعه عاری از خشونت که مبنی بر امنیت سرتاسری است شریک سازیم:

۱- مشارکت ملی یکی از راهکار های سازنده برای تامین امنیت می باشد.

۲- گسترش و تقویه آموزش و آنهم آموزش زنان و مردان در جامعه.

۳- تحول در خود آگهی وخود نگری برای رفع خشونت.

اشارات فوق گزینه های اند که اراده سیاسی، تسریع روند تلاش های اجتماعی و فردی، همکاری مشترک با مراجع قانونی ملی وبین المللی، را نیازمند

است. در یک سخن باید گفت، آنچه ما را برای رسیدن به هدف بیشتر یاری میرساند، در یافت مولفه های مثمر و حامی صلح است. باید گفت ایجاد صلح بدون امنیت نا ممکن است به ویژه در کشور های که نهاد های اجتماعی وسیاسی آن با امکانات محدود و جامعه متاثر از جنگ بسر میبرند. گذر به زندگی صلح آمیز، برخورد جسورانه به گذشته و اجتناب از انتقام گیری را انتظار دارد.

همانطوریکه در مبحث بالا بر تحول جامعه برای ایجاد صلح وامنیت اشاره شد، کاهش خشونت برمیگردد به اصلاح جامعه و تصمیم گیری مشترک مردم و نهاد های دولت.

عموماً کشور های رو به انکشاف با وجود آنکه در عمل کرد های خود متحدانه عمل نمی نمایند، از لحاظ ایدیالوژی نیز با کشور های بزرگ و دارای امکانات وسیع، مخالفت می ورزند و در زمینه اجرای حقوق بشر و در رابطه با حقوق زن نیز عملکرد بسیار ضعیفی داشته اند. در این ارتباط موضوع کلیدی و قابل دقت برای ما دریافت و جستجو جایگاه خود در بین ملل جهان است تا راهکار های خشونت زدایی را به صورت عملی روی دست گیریم . اما آنچه ما رابه گذشته بیشتر وصل میکند این است که ما بیشتر علاقمندیم به گذشته درخشان خود هستیم و به آن افتخار می کنیم، حال آنکه نمیتوان گذشته را باز گردانید ولی در حال حاضر چیزی برای ارائه نداریم زیرا گذشته صرف به تیوری موضوع کمک خواهد کرد و بس. لذا فرهنگ صلح گرایی و زدودن خشونت، منحیث مکتبی درپرتو آموزش نوین و دیدگاه های منطقی یگانه راه عملی در تغییر فکری خواهد بود. در این راستا باید تمام کوشش ها را به کار گرفت تا با در نظر داشت شرایط کنونی تعهد خدمت بسپاریم زیرا تا جائیکه دیده شده کشور های عقب مانده ای در گیر چنین وضعیت بسیار زود متلاشی واز هم پاشیده اند.

اگر کمی به عقب بنگریم تاریخ فراموش نمیکند که پس از جنگ جهانی دوم با وجودخسارات مادی ومعنوی ناشی از خشونت ها، ایجاد سازمان های بین المللی، جامعه مدنی و دیگر نهاد های ملی بین المللی، انگیزه موثری برای ساختار جامعه عاری از خشونت گردید و آنعده کشور های که در گیر جنگ بودند به زودی با اراده ملی و همکاری بین المللی به پا ایستادند.

سیمون فیشر می نویسد: "خشونت عبارت از عملکرد ها، واژه ها، ذهنیت ها، ساختارها و سیستم های اند که باعث آسیب هایی جسمی، روانی، اجتماعی و محیطی می شود و مردم را از رسیدن به استعداد های انسانی شان باز میدارد."(۴:ص.۴٦) بنأ با توجه به این تعریف از جمله عوامل موثر کاهش و محو خشونت، در بسترجامعه مملو از جنگ وخشونت را میتوان چنین ارایه نمود:

- رفع اختلافات درونی و توسعه فرهنگ تغییر فکری.
- تصمیم گیری، خود ارادیت اجتماع به اساس قانون گرای.
- مدیریت افکار صلح خواهانه در محور ملی، تحمل پذیری، میانه روی در تقابل و تفاوت ها.
- مسولیت پذیری در تعهدات زندگی شرافت مند.

با آنکه طرح های بالا به خودی خود ترمیم آلام و رنج های گذشته و ایجاد فضای صلح در جامعه مملو از خشونت نیست، بلکه آنرا در بستر سعی، تلاش و جستجوی دوامدار می یابیم تا یک موضوع فیصله شده وثابت. در آخرین تحلیل زمانیکه می بینیم خشونت، خواست انسان نیست پس باید زمینه شناخت و آزادی شناخت را برای زدودن نابسامانی ها وتأمین منافع همگانی فراهم نمود و از تصادمات منافع خودی جلوگیری کرد بنأ باید ارزشهای شهروندی را در بستر صلح جویی و زدودن خشونت به یک گفتمان اجتماعی مبدل ساخت. در اینصورت بالا رفتن سطح اقتصاد، توسعه فرهنگ، رشد سریع و دست یابی به تکنالوژی جدید، حصول تعلیمات و آموزش، ارمغان پس از خشونت های حاصله از جنگ خواهد بود.

ما هنوز در جنگ قرار داریم، اما امیدوار به عمل گرایی، تعاملگرایی همگانی هستیم و هم باور داریم به اینکه تغییر بدون جنگ و خشونت ممکن است زیرا افهام و تفهیم مسالمت آمیز که در درون فرد پرورده شود یک دید پایه دار ومثمر خواهد بود تا محیط و افراد جامعه از آن بهرمند گردد چنانکه تاریخ تحولات اجتماعی، مثالهای ارزنده ی در عمل کرد مهاتما گاندی ، مارتین لوتر کینگ را برای آینده روشن به جا گذاشته است.

اینجاست که نابرابری، عدم دست رسی به فرصت های کاری، تبعیض، تعصب، فقدان اعتماد، ترس، خصومت که اسباب گرایش به خشونت اند، جای

خود را به صلح گرایی و خشونت زدایی می دهد که، بر بنیاد فعالیت ها، مطالعات، تجارب عملی و سعی برای تغییر ذهنیت ها پدید می آید .

در احکام دین مبین اسلام، صلح بر مبنای اصل عدالت و انصاف استوار است، خشونت را نکوهش نموده و صاحب ترین زمینه فکری گرایش به صلح و پیروی از آن در میکانیزم ، اصول و قوانین الهی به صورت روشن توضیح و گفته شده است.

اگر مکثی در علوم و فنون نمائیم امیرعلیشیر نوایی شاعر معروف قرون وسطی منحیث یک سیاستمدار، عالم و شاعر، در عصر خود یکی از مثال های قابل توجیه عدم خشونت بوده است. وی با درک عمیق از جامعه عاری از خشونت در اثر معروف خود خمسه از عدل و عدالت در پرتو آیات قرآن، احادیث نبوی و تجارب تاریخی بحث نموده. چنانکه وی مینویسد: " برای جلوگیری از جنگ، در قدم اول، جلو ظلم(خشونت) گرفته شود، در قدم دوم عدالت در جامعه تأمین گردد."(۵: ص.۱۷) بناً می توان تاکید نمود که عدالت صلح در واقع مقدمه یی است بر امنیت و زدودن خشونت.

نتیجه

فقدان صلح یکی از موانع دایمی تطبیق کامل فعالیت ها در مورد امنیت، انکشاف و برنامه های آن محسوب میشود با آنکه مردم ودولت ما خواهان آرامش است متأسفانه، عدم صلح و ناامنی که دامن گیر جامعه پر از آشـــــوب ما شده است تا هنوز هم ادامه دارد.

ستراتیژی های ملی در کشور های جنگ زده در قبال باز سازی و اصلاحات سکتور های امنیتی جهت تحکیم صلح و امنیت که در بر گیرنده محو خشونت است ضروری بوده چنانکه در افغانستان جستجو راه حل های رسیدن به امنیت در سال ۲۰۰۳ از جلسه توکیو به طور جدی آغاز گردیده است. نتیجه این روند در پنج رکن اساسی اعلام و برای تطبیق آن پرداخته شده که در بخش های تقویت و ظرفیت سازی نظامی، اصلاحات سکتور های قضایی، خلع سلاح و مبارزه علیه مواد مخدر میباشد. باید خاطر نشان ساخت، تطبیق مکانیزم تامین امنیت و آوردن صلح راهکار مثمری برای کاهش خشونت، ثبات ملی و باز سازی زیربنا ها مثل آموزش و

ظرفیت سازی است.

بنا بر این اگر فرهنگ حقوق بشر و حقوق دموکراتیک در جامعه ما توسعه پیدا کندو عملی شود اختلافات درونی و خشونت ها میتواند کاهش یابد و اگر شرایط زندگی صلح آمیز میسر گردد زمینه های تفکرات علمی و دیدگاهی منطقی به میان خواهد آمدو فرهنگ تحمل پذیری،میانه روی و رفع اختلافات که بخش لاینفک رسیدن به کاهش خشونت بوده پدید خواهد آمد. در کل پایان دادن به خشونت، شرایط و زمینه های موثر و کارا راکه قسماًدر بالا به آن اشاره شد، تقاضا دارد.

منابع و مآخذ

۱- احمد زی محمد اشرف غنی(داکتر) ، منشور تحول وتداوم، ستاد انتخاباتی داکتر اشرف غنی، کابل، ۱۳۹۲.

۲- اصغر علی(داکتر هندی)، دین، بنیاد گرایی ویا صلح، بنیاد صلح، مجموعه مقالات، .۱۳۹۲

۳- جیمز داگرتی، منشوربزرگ، ترجمه: ایرج ساویز، انتشارات: نیل، ۱۹۵٦،

۴- نوائی نور الله ، صلح سازی: راه زندگی، مجموعه مقالات، پوهنتون کابل، مرکز ملی تحقیقات پالیسی، کابل، .۱۳۸۹

۵-مجموعه مقالات، رحیم ابراهیم، نقش عدالت در تأمین صلح و بررسی آن در خمسه نوایی، هشتمین جشنواره ملی ادبیات معاصر افغانستان، گویته انستیتوت افغانستان، مطبعه اسد دانش،.۱۳۹۳

٦- .صلح، امنیت - پایگاه انترنتی ویکی پیدیا (نشریه آزاد)، تاریخ دسترسی۱۳۹٦/٦/۱۴ www.wikipedia.net

معاون سرمحقق دکتور فاروق انصاری

کند وکاوی در باب شکل گیری احزاب و جریان‌های سیاسی در دهۀ دموکراسی

خلاصه

آزادی فعالیت‌های سیاسی در دهه دموکراسی و به میان آمدن آنچه تحزب خوانده می‌شود در جامعۀ نسبتاً سنتی افغانی مرهون تغییر روش حکومتی بود که در پی استعفای محمدهاشم خان در کشور پدید آمد و در نتیجه احزاب و جریان-های چپی و راستی شکل گرفتند. آزادی های مزبور که سپس با افراط‌کاری‌های بخشی از جریان‌های نو تشکیل به افراط کشانده شد، دهه قانون اساسی را به شدت زیر تاثیر خویش قرار داد.

در جامعه افغانی متاسفانه فعالیت‌های حزبی از همان آغاز با نوعی پراکندگی و بی نظمی همراه شد و نتوانست که به تضادهای موجود جامعه، مشروعیت ضروری ببخشد و یا به ثبات نظام سیاسی کمکی نماید؛ زیرا تندروی در رفتار اجتماعی، نداشتن انضباط صحیح حزبی، داشتن آرمان‌های دست نیافتنی، دوری از عقلانیت سیاسی و نادیده گرفتن سنن ریشه‌دار مردمی از سوی جریان‌ها و احزاب دهه دموکراسی فرصت مساعد و مغتنم ایجادشده را از بین برد و باری دیگر به نیروهای توتالیتر میدان داد تا چالش آفرینی کنند و مانع رشد پدیدۀ تحزب در کشور گردند. این مقاله، بررسی همین موضوع با اتکاء به اسناد و منابع تاریخی و رویکرد تحلیلی است.

مقدمه

دهه دموکراسی در تاریخ افغانستان معاصر، فرصت استثنایی برای فعالیت-های متنوع سیاسی حزبی و اجتماعی به حساب می‌آید. روند دموکراسی که با توشیح قانون اساسی جدید در اول اکتوبر ۱۹٦۴ تقویت یافت، در صورت ادامهٔ روند عادی و به دور از چالش و بحرانِ ایجاد شده از سوی شماری از حلقات می-توانست توسعه و انکشاف افغانستان را بار آورد؛ زیرا برای نخستین بار قانون اساسی‌یی در کشور مدار اعتبار قرار می‌گرفت که به حقوق و آزادی‌های فردی ارج می‌گذاشت، آزادی مناسک و اعمال مذهبی، تشکیل اجتماعات و احزاب را تضمین می‌نمود و هر نوع شکنجه، تبعید و سانسور را ممنوع اعلام می‌داشت.

این شرایط در عین حال باعث ظهور گروه‌ها و جریان‌های مختلف و بعضاً متضاد سیاسی به خصوص در کابل و خاصتاً در پوهنتون این شهر شد تا جایی که می‌توان آن را منشاء تحول دهه‌های پسین تلقی کرد. نکتهٔ درخور دقت و توجه عدم همسویی راستین، فقدان همکاری نیروهای حاضر در صحنه و به وجود نیامدن عقلانیت کافی سیاسی برای بهره‌گیری از این فرصت استثنایی تاریخی بود؛ زیرا نه تنها احزاب و دسته‌جات دهه مزبور به ایفای نقش مثبت نپرداختند که جامعه شهری و به ویژه دانشجویان و محصلان جوان و احساساتی را تالب پرتگاه هرج ومرج نیز کشانیدند. به خصوص شکل‌گیری جریان‌های چپ رادیکال و در رویارویی با ایشان به میان آمدن سازمان های اسلامی پیامدی بود که در دهه دموکراسی به منصه ظهور رسیدند.

چگونگی و چرایی ظهور چنین گروه‌ها و واکنش به این پدیده، موضوعی است که در این مقاله بررسی گردیده است.

مبرمیت

یکی از کارکردهای علم تاریخ، بررسی پدیده‌های اجتماعی تاثیرگذار گذشته بر حوادث و تحولات کنونی است و چون احزاب و جریان‌های سیاسی شکل‌گرفته پس از دهه دموکراسی (۱۹۷۳- ۱۹٦۳) به نحوی ریشه در احزاب و جریان های مزبور داشته و فی‌الواقع با اندک تفاوتی از آبشخور فکری، سیاسی و ایدئولوژیک مشابه و همسانی تغذیه می‌کنند. بنا براین از حیث شناخت درست و نیکوی

جریان‌ها و احزاب سیاسی امروزی، کند وکاوی در نحوه شکل گیری احزاب و جریان‌های سیاسی در دهه دموکراسی به عنوان منشاء و مبداء فعالیت سیاسی و حزبی در افغانستان صورت گرفت و همین می‌تواند مبرمیت و ضرورت موضوع را توجیه کند.

هدف

هدف تحقیق تبیین شرایطی است که در دهه دموکراسی از یک سو موجب ظهور و بروز احزاب و جریان های سیاسی متعدد با گرایش های متنوع گردید و از جانب دیگر همین وضعیت ازهم‌گسیختگی و در واقع شکاف اجتماعی را بار آورد و زمینه‌ساز هرج و مرج در دهه مذکور شد و نیز بذری افشانده شد که در سال‌ها و دهه‌های بعدی ثمره داد.

روش تحقیق

روش برگزیده شده برای این پژوهش « روش تاریخی با رویکرد تحلیلی» است؛ به این معنی که موضوع مورد مطالعه درست است که در گذشته اتفاق افتاده و به همین دلیل می‌بایست از طریق جمع‌آوری اطلاعات، ارزشیابی و بررسی صحت وسقم اطلاعات و تجزیه وتحلیل آنها، تحقیق صورت می گرفت؛ اما از آنجا که موضوع مورد بررسی(احزاب و جریان‌های سیاسی دهه دموکراسی) به نحوی موضوع امروز مانیز هست، بنابر این با رویکرد تحلیلی ونه صرف توصیفی به موضوع پرداخته شد تا برآیند آن برای جامعه امروزی نیز مفید واقع گردد.

متن

واقعیت اینست که با سپری شدن دورهٔ پر از اختناق و خفقان صدارت هاشم خانی که در تاریخ معاصر افغانستان به نام دوره استبداد صغیر نیز یاد شده است، افغانستان برای نخستین بار دارای صدراعظمی گردید که در سیما و چهره دموکرات و لیبرال می‌خواست حامی و مجری تغییرات مهم اجتماعی و سیاسی در کشور گردد. آزادی هایی که در عصر صدارت شاه محمودخان(۱۹۵۳-۱۹۴٦) ملقب به پدر دموکراسی در افغانستان به مردم اعطا شد، برای مدت کوتاهی، آزادی فعالیت‌های سیاسی، رهایی زندانیان سیاسی، تشکیل نخستین اتحادیه محصلان در کابل و ایجاد مطبوعات آزاد و احزاب جدید را به دنبال داشت (٦: صص. ۲۴۵-

۲۴۰) و طی همین دوره بودکه حزب وطن به رهبری میر غلام محمد غبار، حزب خلق به رهبری دکتور محمودی و جریان موسوم به ویش زلمیان که متشکل از نخبگان سیاسی و فرهنگی آن دوره بود شکل گرفتندکه همزمان سه جریده غیر دولتی به نام‌های وطن وابسته به حزب وطن، ندای خلق متعلق به حزب خلق محمودی، انگار وابسته به ویش زلمیان را منتشر می‌کردند و در آن میان دکتور محمودی دارای جهت گیری چپ رادیکال بود که افزون بر انتقاد از عملکرد دولت، در ایجاد اتحادیه محصلان در اپریل ۱۹۵۰ نیز نقش ایفا نمود؛ اتحادیه‌یی که در کمیته رهبری آن کسانی مانند ببرک کارمل(با گرایش چپ رادیکال)، حسن شرق(بعدها از عناصر و کارگزاران مهم چپی)، میر علی احمد شامل، اسحق عثمان و دیگران شامل بودند.(٦: ص ۱۲۴-۱۲۰) این وضعیت امیدواری به ایجاد فضای مناسب برای فعالیت های سیاسی و آزادی‌های مدنی را به وجود آورد؛ اما در نتیجه افراط‌کاری‌ها و تندروی‌های شماری از نو برخاستگان به خصوص آنان که داعیهٔ خیالی و آرمانی تحقق نیافتنی داشتند و زیر تاثیر احساسات هیجانی خویش صدراعظم را زیر فشار قرار می‌دادند، فضای مغتنم ایجاد شده مکدر گردید و شاه محمود خان نیز که بر ادامه مسیر دموکراسی طلبی اعتمادش را از دست داد مجبور شد فاتحه دموکراسی نوپای افغانی را بخواند و در جمع محصلان آشکارا اعلام بدارد که « که دموکراسی نه دموکراسی»(۱۳: ص. ۱۹) و سپس با استعفای شاه محمود خان، محمد ظاهر پادشاه کشور، سردار محمد داود را به حیث صدراعظم معرفی نمود و وی که اعتقادی به دموکراسی نداشت بر تابوت آن میخ محکمی کوبید.(۹: صص. ۲/ ٦٧٦) اما در همان حال به دلیل اتکای سردار مذکور در سیاست خارجی‌اش به شوروی سابق و تردد اتباع آن کشور به افغانستان آثار مارکسیستی فراوانی وارد کشور گردید و درعین زمان در حمایت حسن شرق از همکاران محمد داود به ویژه سه نفر از رهبران چپ در افغانستان (تره کی، کارمل وخیبر) دامنه فعالیت شان را گستردند و به تشکیل کمیته‌یی مبادرت ورزیدند که بعد ها موسوم به کمیته اول شد. (۹: ص. ۷۲۸) از جانب دیگر آثار و نوشته‌های سیاسی چپ ایران نیز علاقمندانی در داخل افغانستان یافت و به خصوص نشریات حزب توده ایران مانند: مجلات «دنیا»، «مسایل بین المللی» و «ماهنامه مردم» و نیز

دیگر آثار ترجمه شده فارسی که در بازار کتاب افغانستان به وفور یافت می‌شد، در میان جوانان و تحصیل کردگان دست به دست می‌شد و در ایجاد و تقویت گرایش-های چپ مارکسیستی نقش مهمی داشت.(۱۰: ۱/ ۸۴-۸۳؛ ۱۴: ص ۴)

تمایلات چپ‌گرایانه به خصوص در دوره موسوم به دموکراسی(۱۹۷۳-۱۹٦۳) که پس از استعفای سردار داود خان در کشور آغاز یافت ابعاد بیشتری کسب کرد و چپی‌های افغانستان که به نظر می‌رسید از حمایت ضمنی دولتمردان افغانستان برخوردار شده بودند(۱۱: ص ۷۳،۱٦۵)در زمینه استحکام و گسترش تشکیلات چپی نیز موفقیت‌های بیشتری به دست آوردند و دقیقاً در سال ۱۹٦۳ بود که اندیشه ایجاد جبهه چپ جامه عمل پوشید(۱: ص. ۵۷) و چپی‌های افغان که پیشتر با اندیشه های چپی مارکسیستی آشنایی حاصل کرده بودند، در این دوره زمینه مساعدی برای تبارز افکار و اندیشه‌های شان یافتند و نخستین سازمان چپی متشکل سیاسی را به نام«حزب دموکراتیک خلق افغانستان» در اول جنوری ۱۹٦۵ به وجود آوردند.

بدون در نظرگرفتن جنبه‌های سیاسی قضیه، اهمیت تاسیس حزب مذکور در پراکنده ساختن برنامه مارکسیستی در جامعه شدیداً دینی و بیشتر دهقانی و نه کارگری افغانستان بود که با صراحت اعلام می‌داشت: « حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیش آهنگ طبقات رنجبر و عالی‌ترین سازمان سیاسی طبقه کارگر افغانستان است. حزب... بر اصول مارکسیزم- لنینیزم و اتحاد داوطلبانه توده‌های پیشتاز...افغانستان تکیه دارد.»(۱۲: صص. ۵۳-۵۲)

در همین‌حال جریان چپی دیگری موسوم به «حزب دموکراتیک نوین افغانستان» نیز که پیروی از مدل کمونیزم چینی را در سرلوحه کارش قرار داد، اعلام وجود کرد(۱۱: ص ۱۷۷) و گفته می‌شود که این حزب که به نام «سازمان جوانان مترقی»نیز خوانده می‌شد، بعد از شورش متعلمین مکاتب کابل در سوم عقرب ۱۹٦۵/۱۳۴۴ با مشارکت گروهی از روشنفکران چپی به ویژه برادران دکتور محمودی(رحیم و هادی) بنیانگذاری شد و هفته نامه«شعله جاوید» را که بعداً حزب مذکور نیز بدان اسم اشتهار یافت منتشر ساخت(۵: ص. ۱۳۳؛۱۵: ص. ۷۹). بنابراین دوره موسوم به دموکراسی یا قانون اساسی فرصت خوبی برای بروز

افکـار و تمـایلات مختلـف چپـی فـراهم آورد و چپـی‌هـای افغانسـتان در ایـن زمـان سازمان‌های خاص خود را پدید آوردند که در یک تقسیم بندی کلی می‌توان آنان را بـه دو دسـته پیـروان مـدل مارکسـیزم شـوروی و هواخواهـان الگـوی کمـونیزم چـین تقسیم نمود و چون ایـن دو کشـور در آن روزگـار در حـال تخاصـم و دشـمنی بـه سر می‌بردند، دو جریان چپی افغانسـتان نیـز بـالتبع علیـه یکـدیگر خصـومت ورزیـده و اتهاماتی را بر همدیگر وارد می‌کردند.(۱۱: ص. ۱۷۸). بـه رغـم ایـن تقسـیم بنـدی کلی به زودی در میان حزب دموکراتیـک خلـق نیـز اخـتلاف شـدید ایجـاد شـد و بـه دلیل رقابت شخصی میـان کارمـل و تـره کـی از رهـبران ایـن حـزب و نیـز خاسـتگاه متفاوت طبقاتی پیروان این دو، حزب دموکرات خلق نیز به دو جنـاح تقسـیم گشـت (پاییز ۱۹٦٦) و چون یکی از آن دو، هفته نامهٔ خلق و دیگری پرچم را انتشار داد بـه نام‌های خلق و پرچم شهرت یافتند (۱۲: ص. ۵۳). یک سال پس از انشقاق مزبـور، محمـد طـاهر بدخشـی از اعضـای موسـس حـزب دموکراتیـک خلـق نیـز همـراه باهواخواهانش از حزب مذکور جدا شد و شاخهٔ دیگری را به نام « محفل انتظـار» بـه وجود آورد (۷:صص. ۱، ۷۰) و چون اظهارات این جماعت به قدری شـدید بـود کـه نمی‌توانست از صافی سانسور بگذرد نشریه‌یی منتشر نکردند؛ امـا ایـن شـاخهٔ چپـی نیز به «ستم ملی» مشهور شد . محمد طاهر که تاجیک تبار و اهل بدخشان بـود راه نجات از ستم ورزی ها را قیام مسلحانه می‌دانست (۱۵:صص. ۸۰). محفـل انتظـار (ستم ملی) نیز بعدها به دو شاخهٔ دیگر تقسیم شد که یکی سازمان انقلابی زحمـت کشان افغانستان (سازا) و دیگری سازمان فداییان زحمت‌کش افغانستان (سفزا) نام گرفت و هر دو شاخه تا ایام پیروزی مجاهدین به نحـوی بـه حیـات سیاسـی خـویش ادامه دادند (۷: صص.۷۲). به این ترتیب احزاب و جریان های چپی مـذکور (خلـق و پرچم، حزب دموکراتیک نوین یا سـازمان مترقـی جوانـان (شـعله جاویـد) و محفـل انتظار یا ستم ملی) با تشکیلات و سازمان منظم حزبی که به دست آوردند و بیشـتر مشابه به سازمان ها و احزاب چپی خارجی بود، از فعـال تـرین جمعیـت هـا در دوره موسوم به دموکراسی در افغانسـتان(۱۹٦۳-۱۹۷۳) شـناخته شـدند کـه بـه ویـژه در پوهنتـون کابـل و برخـی ادارات دولتـی و شـماری از لیسـه‌هـا فعالیـت داشـتند،(۸: صـص. ۲۳-۲۲؛۲: ص ۱۱۰-۱۱؛۳: ص ۴۸؛۴: ص ۸۱) کـه بـه ویـژه بـا تحریـک

احساسات جوانان کم سن و سال در لیسه‌ها، راه پیمایی‌ها و تظاهرات زیادی را به راه می‌انداختند(۱۰: ص ۱/ ۲۰۱-۲۰۰) و به طوری که در منابع این دوره آمده است، اینان طی سال‌های ۱۹٦۵- ۱۹۷۲م. موفق شدند تا دو هزار نشست سیاسی و مظاهره را دایر کنند.(۱۱: ص ۱۰۴؛ ۱۰: ص ۱/ ۱۹۹) این از یک جهت، از جانب دیگر برخی تندروی‌های این جماعت باعث واکنش از سوی گروه-های دیگر در کشور شد؛ به خصوص شماری از محصلان که احساسات شان جریحه دار گردیده بود، این بار در مخالفت با چپی‌ها و سکولارها در کابل حرکت-هایی را سازمان دادند و تشکل‌هایی را پدید آوردند. بنابر این زمینه‌های تصادم و تقابل، به وجود آمد و حرکت موسوم به «جوانان مسلمان» که ابتدا حرکت‌شان واکنشی بود به تدریج به نیروی مهم منسجم و از سال ۱۳۴۹ به نیروی فعال سیاسی به ویژه در پوهنتون کابل تبدیل شد. گروه مذکور از پشتیبانی ضمنی اساتید خویش(مانند غلام محمد نیازی، صبغه‌الله مجددی و برهان‌الدین ربانی) برخوردار بودند و هر از چند گاهی با تشکیل اجتماعات و یا انجام راه‌پیمائی و تظاهرات، نیروی متشکل جوانان مسلمان را در معرض نمایش قرار می‌دادند و با الهام از نهضت‌های اسلامی معاصر خویش خاصتاً نهضت اخوان‌المسلمین برنامه-های خویش را اعلام داشتند.

نکتهٔ دیگر تاثیر ورود افکار و اندیشه‌های اخوان‌المسلمین به کشور بود که به ویژه توسط تحصیل‌کردگان الازهر(مانند برهان‌الدین ربانی، صبغه‌الله مجددی و عبدالرسول سیاف) صورت گرفت و اینان که با کوله‌باری از افکار اخوان المسلمین (سازمان تحت رهبری حسن البناء مصری) به کشور بازگشتند نقش مهم و تعین-کننده‌یی در القاء، سازماندهی و راه‌اندازی آنچه که فعالیت جوانان مسلمان نامیده شد بازی کردند و البته که در مراحل بعدی برداشت‌های تازهٔ ابوالعلی مودودی متفکر پاکستانی از دین نیز از طریق جماعت اسلامی پاکستان تاثیر خود را به خصوص در میان دو جریان حزب اسلامی و جمعیت اسلامی که بیشترین رابطه را با جماعت اسلامی پاکستان داشتند گذاشت.

نتیجه

در نتیجه می‌توان گفت با وجود نیت و عزم سلطنت و شخص پادشاه برای

اجرای نظام مشروطه و تحقق دموکراسی در دهه موسوم به قانون اساسی متاسفانه به نحوی که مشاهده شد به دلیل فقدان دانش و آگاهی کافی برای اعمال این خواسته از یک سو، و مساعد نگردیدن محیط مناسب تحقق این هدف بزرگ سیاسی و اجتماعی از جانب دیگر، دموکراسی به هرج و مرج و بی نظمی منجر شد و با این که آزادی کافی برای شکل‌گیری دسته‌جات و گروه‌های سیاسی و نیز فعالیت‌های حزبی و سازمانی مساعد گشت؛ اما به وجود نیامدن حزب و یا احزاب واقعی که بتواند در لایه‌های مختلف جامعه نفوذ یابد و از طریق تشویق مشارکت مردم در فعالیت‌های اجتماعی، به ثبات نظام سیاسی کشور کمک کند، این نخستین تجربه قرین موفقیت تام نبود و به نظر می‌رسد علت این امر اگر از جانبی وجود جو و فضای ملتهب سیاسی در پی تشدید تضادهای درونی جامعه سنتی افغانی بود، در همان حال این علت نیز نقش داشت که نوعی شتاب غیرضروری برای تشکیل و راه اندازی چنین گروه‌هایی در کابل صورت گرفت؛ زیرا زمانی برای پیدایی و فعالیت احزاب سیاسی می‌تواند مناسب باشد که توسعه و انکشاف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه رخ داده باشد و به عبارت دیگر گذر از جوامع سنتی انجام شده باشد و این چیزی بود که دستکم در آن اوضاع و احوال وجود نداشت و بنابر این به رغم برخی اقدامات و تدابیر دولت های دهه دموکراسی، چون ساختار پذیرش چنین تغییر و تحولی فراهم نگردیده بود، این فرایند نتیجهٔ مطلوب و دلخواه را در پی نداشت و شاید بتوان گفت تجربهٔ ناکاملی بود.

مآخذ

۱. آرنی، جارج ، افغانستان گذرگاه کشورگشایان،ترجمه یوسف علمی، پشاور:میوند،چ۲، ۱۳۷٦.

۲. ارغنداوی، عبدالعلی ، تاریخ شفاهی افغانستان، به اهتمام صفا اخوان،تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی،۱۳۸۰ .

۳. برادشر، هنری ،افغانستان، تجاوز شوروی و مقاومت مجاهدین،ترجمه شورای ثقافتی مجاهدین، پشاور:میوند،چ۲، ۱۳۷۰ .

۴. روا، اولیه، «ریشه های حزب کمونیست افغانستان»، مجموعه

مقالات،ترجمه پاپلی یزدی،مشهد:آستان قدس رضوی،۱۳۷۲ .

۵. طنین، ظاهر ، افغانستان در قرن بیستم، تهران: عرفان،چ۲، ۱۳۸۴ .

٦. عطایی، ابراهیم ، دافغانستان پر معاصرتاریخ یو لنده کتنه،کابل:میوند، چ۳، ۱۳۸۲.

۷. عظیمی، محمد نبی ،اردو و سیاست در سه دهه اخیر افغانستان،پشاور: میوند،چ۲، ۱۳۷۸.

۸. فایق، غوث الدین ، رازی را که نمی خواستم فاش کنم،پشاور: مرکز مطبوعات افغانی،۱۳۷۹ .

۹. فرهنگ، میر محمد صدیق ، افغانستان در پنج قرن اخیر،تهران:عرفان،ج۲، ۱۳۷۴.

۱۰. کشتمند، سلطان علی ،یادداشت‌ها و رویدادهای تاریخی،(بی جا)،نجیب کبیر،۲۰۰۲م.

۱۱. کشککی، صباح الدین ،دهه قانون اساسی،پشاور:میوند،چ۳، ۱۳۷۷.

۱۲. گروهی از دانشمندان روسی و افغانی زیر نظر آ.د.داویدوف،افغانستان و مسایل جنگ وصلح،ترجمه عزیز آریانفر،تهران:اندیشه،۱۳۷۸ .

۱۳. ننگیال، شهرت ، محمد ظاهرشاه،پشاور:میوند،۱۳۷۹.

۱۴. ودان، فقیر محمد ،دشنه های سرخ، به اهتمام امین الدین سعیدی، (بی جا)،مولف،۱۹۹۹م.

۱۵. هایمن، آنتونی ، افغانستان در زیر سلطه شوروی، ترجمه اسدالله طاهری، تهران: شباویز،چ۴، ۱۳۷.

محقق نسرین ترین

تشخیص روش مناسب سرمایه گذاریهای خارجی در افغانستان

خلاصه

اقتصاد افغانستان در سال های متمادی جنگ و بی ثباتی های سیاسی و امنیتی آسیب های فراوانی دیده است. گرچه کشور ما در سال های اخیر از رشد اقتصادی نسبی برخوردار بوده است لیکن عدم پایداری آن در همین دوره بیانگر وجود مشکلات ساختاری در اقتصاد کشور میباشد. از جمله مشکلات، فقدان سرمایه لازم برای سرمایه گذاری در جهت افزایش تولیدات داخلی می باشد که سرمایه گذاری خارجی یک راه حل برای حل این مشکل پنداشته میشود.

در عصر حاضر تامین مالی سرمایه گذاری ها میتواند از طریق منابع مالی داخلی و یا منابع مالی خارجی صورت گیرد که یکی از روشهای مطرح آن تمویل از طریق سرمایه گذاری مستقیم خارجی است. به کارگیری این نوع سرمایه گذاریها برعلاوه تامین مالی اهداف دیگری چون انتقال تکنالوژی و دانش، توسعه و انتقال مهارت ومدیریت برای بلند بردن توان کیفی نیروی کار داخلی، تدارک بازارهای خارجی برای امتعه صادراتی، استاندارد نمودن تولیدات داخلی و حرکت به سوی اقتصاد بازار را نیز دنبال میکند که در این بخش وظیفه دولت،کمک و همکاری با صنایع داخلی و تقویت آن برای جلب مشارکت شرکای خارجی است. کشور ما طی چند سال اخیر نظر به موجودیت مشکلات اقتصادی، سیاسی و امنیتی در جذب سرمایه های خارجی فراز و نشیب های متعددی داشته است ، هرگاه توجه به

زیرساخت های قانونی، تشویق و تقویت سرمایه گذاری بخش خصوصی در داخل، توجه به کارایی و بهره وری سرمایه گذاری ها و اقداماتی در جهت افزایش ثبات سیاسی و امنیت درکشور صورت گیرد، منجر به جذب بیشتر سرمایه گذاری موثر خارجی درکشور خواهد شد .

با توجه به دستآورد های کشور در عرصه روابط منطقه وی و بین المللی در عرصه های تجارت بین المللی بخصوص زیر بناهای ترانسپورتی و تغییر دیدگاه ها در قبال معضله افغانستان امید تغییر وضع به سود صلح و ثبات بیشتر شده است که بالاثر آن علاقمندی و سهمگیری سرمایه گذاری خارجی در امکانات و ظرفیت های اقتصادی کشور بیشتر خواهد شد. بناءً تحقیق و تشخیص روش های مناسب سرمایه گذاری به منظور کارایی لازم یک امر ضروری بوده که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

مقدمه

سرمایه گذاری در بخشهای تولیدی وخدماتی جهت انکشاف اقتصادی واجتماعی ضرورت هر کشور است و از دید اکثر دانشمندان سرمایه گذاری به عنوان یک عامل موثر در پیشبرد روند رشد اقتصادی تلقی میشود. اما اکثر کشور ها برای رفع ضروریات خویش سرمایه داخلی کافی نداشته برای انکشاف بخش های تولیدی و خدماتی خویش به کمبود سرمایه مواجه میشوند . در چنین حالت برای رفع نیازمندی تمویلی خویش به جذب سرمایه های خارجی رو می آورند. گرچه ورود هر سرمایه خارجی اثرات منفی و مثبت خود را دارد اما سرمایه خارجی معمولاً با خود فناوری می آورد و باعث تولید بیشتر و بهتر شده و زمینه اشتغال را فراهم می سازد. از این رو است که دیده میشود رقابت های گسترده ای برای جذب سرمایه های خارجی بین کشور های مختلف جهان وجود دارد. بناءً باید سرمایه خارجی انتخاب گردد که امکان رشد و بازدهی بیشتر را داشته باشد.

افغانستان از جمله کشور های است که جنگ در آن باعث گردید تا بخش اعظم زیر بناهای اقتصادی و اجتماعی آن خساره مند گردد. ثروت وسرمایه بسیاری بخش های آن از بین برود و میزان تولید نیز بگونهٔ چشمگیری کاهش یابد. با روی کار آمدن حکومت به رهبری حامد کرزی و زمانیکه درقانون اساسی کشور نظام بازار

بحیث نظام اقتصادی قبول و تسجیل شد و قانون سرمایه گذاری های خصوصی در کشور توشیح گردید، بسترحقوقی برای سرمایه گذاری ایجاد گردیدکه این عمل امید واری را در قسمت سرمایه گذاری نیز روبه افزایش نهاد و زمینهٔ مطمئن را برای جلب و جذب سرمایه گذاری های داخلی و خارجی فراهم نمود. از اینکه در کشور، تراکم پس اندازهائی که منجر به سرمایه گذاری میشوند بسیار محدود بوده بناءً کشورما برای رسیدن به رشد و انکشاف اقتصادی به جلب وجذب سرمایه گذاری های خارجی نیاز مبرم داشته و هنوز هم دارد. بنابر این ضرورت ها بود که حکومت وقت مشوق هایی را جهت جذب سرمایه گذاری ها در نظر گرفت که از اثر آن بسیاری از سرمایه گذاران داخلی و خارجی علاقه مند سرمایه گذاری در کشور شدند و شرکتهای متعددی جهت سرمایه گذاری در اداره حمایت از سرمایه گذاری ها ثبت وراجستر گردید، اینکه آیا این سرمایه گذاری ها مؤثر بوده یا خیر محتوای این مقاله را تشکیل میدهد. بنا براین در این مقاله ابتدا به طور خلاصه در مورد مفاهیم سرمایه و سرمایه گذاری بحث شده بعداً پیرامون قانون سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی بحث شده و در قسمت بعدی آن به مقدار سرمایه گذاری های انجام شده و مقایسه آن اشاره شده و در بخش اخیر روشهای مناسب سرمایه گذاری ها بیان گردیده است.

مبرمیت موضوع

نوشتن مقاله هذا بدون شک ناشی از اهمیت سرمایه گذاری ها در کشور است، زیرا اکثر کشورها قادر به این نیستند تا همه بخش های سرمایه گذاری را از منابع داخلی تمویل نمایند. افغانستان هم یکی از همین کشور های است که به کمبود منابع مالی روبه رو است و نظر به همین ضرورت است که بعداز روی کار آمدن حکومت موقت دولت در صدد جذب سرمایه گذاری های بیشتر خارجی شده، و تحکیم دستاودرهای یک دههٔ اخیر مقادیر بیشتر سرمایه های داخلی و خارجی با کشور سرازیر شود و در بخش های مختلف سرمایه گذاری صورت گیرد.

هدف مقاله

هدف نوشتن این مقاله بیان نمودن روش مناسب بکارگیری سرمایه گذاری های خارجی درکشور میباشد.

میتود تحقیق : در نوشتن این مقاله از کتب و اعداد و ارقام از اداره حمایت از سرمایه گذاری ها استفاده به عمل آمده است که میتوان گفت از میتود کمی و کیفی استفاده به عمل آمده است.

سرمایه گذاری خارجی در کشور

قبل ازاینکه دربارۀ اصل موضوع که روش های مناسب سرمایه گذاری خارجی است بحث شود، لازم است تا مفهوم سرمایه و سرمایه گذاری توضیح شود.

سرمایه عبارت از آن بخش از کالا و خدمات است که موجب تولید کالا و خدمات دیگر میشود. ویا به عبارت دیگر سرمایه آن کالاهایی است که خود می‌تواند تولیدکنندۀ کالاها و خدمات دیگر در اقتصاد باشد. سرمایه شامل دو بخش- سرمایۀ ثابت وسرمایۀ جاری میباشد(۱:ص. ٦٠). به عبارت دیگر سرمایه گذاری عبارت ازتبدیل نمودن سرمایه پولی به آن نوع دارائی متشبث است که به صورت مستقیم ویا غیرمستقیم درپروسه تولید سهیم باشد.

با استناد به قانون سرمایه گذاری خصوصی افغانستان، سرمایه گذاری خارجی عبارت از سرمایه گذاریی است که بشکل اسعار قابل تبادلۀ آزاد یا بشکل سهم گیری غیر نقدی توسط شخص خارجی از خارج به کشور منتقل میگردد(۳:ص. ۲). درمادۀ دهم قانون سرمایه گذاری های خصوصی داخلی وخارجی در مورد اشکال سرمایه گذاری آمده است که مالکیت تشبثات منظور شده در کشور به یکی از اشکال ذیل صورت می گیرد:

۱- صد در صد مالکیت سرمایه گذاران.

۲- سرمایه گذاری مختلط حکومت افغانستان با سرمایه گذاران خصوصی (همان:ص. ۱۵).

ضمناً درمادۀ اول این قانون تذکر رفته که،" اساساً این قانون به منظور تشویق وحمایت از سرمایه داران خصوصی داخلی وخارجی وضع گردیده است وهدف از سرمایه گذاری در این قانون، انکشاف اقتصادی، توسعۀ بازار کار، بلند بردن عاید ملی، ارتقای سطح زندگی مردم وکمك به پروسه بازسازی افغانستان می باشد"(3:ص.۱). برمبنای این قانون، دولت مزایا، معافیت ها و وجایب را برای تشبثات نیز تثبیت نموده است، تا سرمایه گذاران داخلی و خارجی تشویق شوند و

اقدام به سرمایه گذاری در کشور نمایند.

درتئوری اقتصاد کلان، سرمایه گذاری مقدارکالاهای خریداری شده در واحد زمان است که مصرف نمی‌شوند اما برای تولید آینده استفاده می‌شوند. طور مثال این سرمایه گذاریها شامل راه آهن یا ساختمان، فابریکات و کارخانه جات میباشد، حاصل برداشته شده از سرمایه گذاری در یک دوره میتواند، مثبت و یا منفی باشد(۸) . سرمایه گذاری خارجی تعاریف گوناگون دارد، مثلاً:

- هر نوع سرمایه گذاری که به وسیلهٔ شرکتهای خصوصی یا افراد در کشور های خارجی انجام می شود واهداف شان در کنار اهداف دولت قرار داشته باشد،سرمایه گذاری خارجی نامیده میشود.
- سرمایه گذاری خارجی به کارگیری سرمایهٔ خارجی در یک تشبث جدید یا موجود میباشد.

در چارت پایان جریان سرمایه های خارجی به کشور های سرمایه پذیر دیده میشود:

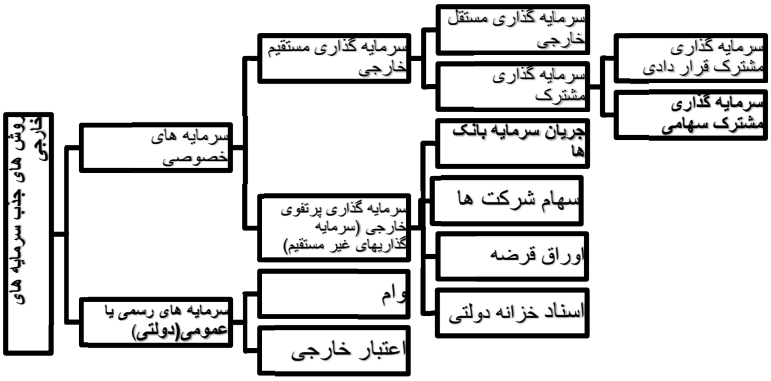

طوریکه در چارت مشاهده میشود سرمایه های خارجی بصورت عموم بدو نوع در یک کشور سرازیر میشود:

۱- سرمایه خارجی خصوصی

۲- سرمایه خارجی دولتی

بصورت عمومی سرمایه گذاری خصوصی خارجی بدو شیوه مستقیم و غیر مستقیم صورت میگیرد. درسرمایه گذاری مستقیم، سرمایه گذار بطور مستقیم در کشور میزبان اقدام به سرمایه گذاری میکند و با حضور فزیکی در محل سرمایه گذاری و قبول مسئولیت مالی مستقیماً در کنترول ادارهٔ و واحدهای احداث شده نقش ایفای می کند. درحالیکه در سرمایه گذاری غیر مستقیم سرمایه گذار خارجی با خرید سهام یا اوراق قرضه سرمایهٔ خود را وارد کشور میزبان می کند. سرمایه گذاری مستقیم خارجی از نظر حقوقی به دو نوع تقسیم شده است:

۱. سرمایه گذاری مستقل خارجی

۲. سرمایه گذاری مشترک خارجی

سرمایه گذاری های مشترک خارجی به نوبه خود به دو نوع تقسیم میشود:

۱. سرمایه مشترک قرار دادی

۲. سرمایه مشترک سهامی

سرمایه گذاری های مشترک قرار دادی مشابه قرارداد های مشترک بوده که یکی از خصوصیات این سرمایه گذاری محدود بودن مدت سرمایه گذاری می باشد و با پایان یافتن مدت قرار داد، دورهٔ سرمایه گذاری نیز به پایان می رسد. اما سرمایه گذاری مشترک سهامی از طریق تقسیم مالکیت سهام و سرمایه بین سهامداران داخلی وخارجی صورت می گیرد ومعمولا شرکاء نسبت به سهام خود در مدیریت واحد تولیدی نقش دارد،(٤:ص. ۹۰).

سرمایه گذاری دولتی خارجی نیز به دو شکل انجام می شود :

- به شکل قرار داد اعتبار و قرضه یا کمک خارجی بصورت دو جانبه بین دو کشور یا بانکهای مرکزی آن ها .
- به واسطهٔ سازمانهای بین المللی مانند بانک جهانی،IMF[1] و یا سایر سازمانها این مبالغ بین کشور ها انتقال یابد.

برخی از این قرضه ها به صورت مستقیم در اختیار کشور های در خواست

[1] IMF(International Monetary System)

کننده قرار می گیرد و می توانند در زمینه ای که خواسته باشند آنرا بکار ببرند. اما اکثر این قرضه ها مشروط بوده و کشور یا سازمان اعطا کننده مورد مصرف آنرا دقیقاً مشخص می کند و به صورت چند مرحله ای و مشروط به حاصل شدن اطمینان از مصرف درهمان مورد خاص به کشور درخواست کننده پرداخت میشود. سرمایه گذاری های رسمی با مشکلاتی از قبیل تهدیدات سیاسی و اقتصادی، اجرای سیاست های اقتصادی خاص بدون توجه به شرایط داخلی و نیز نرخ بهرهٔ بسیار بالا مواجه اند وبه همین منظور جذب این نوع سرمایه های خارجی در اولویت انتخاب کشورها قرار دارد(۲ :۵۳،٤۹).

با تغییر شرایط، آزاد سازی و ایجاد فضای جدید داد ستد و جریان سرمایه ها از یک کشور به کشور دیگر نسبت به گذشته سهل تر شده است که از اثر آن انجام سرمایه گذاری مستقیم خارجی به گونه قرارداد ها به روش های مختلف انجام میشود و هر روش آن از خود دارای مراحلی میباشد که در اینجا فقط از چند روش آن به صورت مختصر یاد آوری میشویم:

۱. روش (Build, Operate, Transfer – BOT) احداث، راه اندازی و انتقال مالکیت(واگذاری) که از طریق آن سرمایه گذار خارجی یک پروژه را برای یک دوره زمانی مشخص تامین مالی می کند. کلیه هزینه های سرمایه گذاری اصلی و نیز مقدار مفاد مشخصی از طریق درآمدها و گاهی اوقات تولیدات مجدد که به دست می آید در مدت تعیین شده به سرمایه گذار تعلق میگیرد. در پایان زمان مشخصی، پروژه بدون هیچ نوع مسوولیتی به دولت واگذار می شود (٤:۷). این روش در ساختن پروژه های زیربنایی مانند فابریکات بزرگ و بندهای تولید انرژی به کار گرفته میشود. در این شیوه سرمایه گذاری دولت طرحی را به یک کنسرسیوم مشترک(قراردادی، بانک، بیمه، موسسه مشورتی....) می سپارد تا پروژه را طراحی و امور ساختمانی را تکمیل نموده فعال سازد و طی یک مدت طولانی ۲۰، ۳۰ سال از عواید آن استفاده نموده بعداز سپری شده موعد مقرر فابریکه و پروژه را به دولت واگذار نماید.

از این شیوه سرمایه گذاری کشورهای مختلف جهان که عمدتاً کشور های عقبمانده اند کار گرفته اند. بعضی از کشور هائیکه از شیوه سرمایه گذاریBOT

غرض تمویل پروژه بزرگ خود استفاده نموده اند، کشور های تایلند، ترکیه، تایوان، اسرائیل، هند، ایران، کوروشیا، جاپان، چین، ویتنام، مالیزیا، فلیپین، مصر و چند ایالت ایالات متحده امریکا اند،(۱۲: انترنت).

۲. روش (B.O.O.T): این حروف که مختصر از کلمات Build, Ownership, Operate, Transfer گرفته شده ومعنی احداث، مالکیت، راه اندازی و انتقال مالکیت را میدهد که در این نوع روش، احداث کننده و یا ایجاد کنند پروژه، دارنده امتیاز رسمی آن در طول مدت قرارداد بوده و حق راه اندازی آن در خلال این مدت و در نهایت انتقال مالکیت پروژه به دولت و یا طرف اداری قرارداد میباشد.

۳. روش(B.O.O): این حروف اختصاری از Build Ownership, Operate است که معنی احداث، مالکیت و راه اندازیرا میدهد که در این روش احداث، مالکیت مقید پروژه در طول مدت قرارداد و حق راه اندازی در خلال مرحله واگذاری میباشد.

٤. روش (B.L.T) : این حروف اختصاری ازBuild, Lease, Transfer مي باشد. یعنی احداث پروژه برای دولت، اجاره آن از دولت و سپس انتقال مالکیت پروژه به دولت بر حسب شرایط تعیین شده میباشد.

۵. روش(B.T.O): این حروف اختصاری عبارات Build, Transfer, Operateمي باشد که به معنای احداث، انتقال مالکیت و راه اندازی بوده و این نوع قراردادها بین دولت و شخص یا شرکت خصوصی سرمایه گذار جهت احداث پروژه های خدمات عمومی منعقد شده و سپس مالکیت پروژه به دولت انتقال می یابد. در این نوع روش قرارداد برخلاف روش قرارداد(B.O.T) دولت از ابتدای امر مالک پروژه خواهد بود.

٦. روش(D.B.F.O): این حروف اختصاری عبارات Design, Build, Finance, Operate است که معنی طراحی، احداث، تأمین اعتبار و راه اندازی را میدهد. که بر اساس تمویل این نوع روش دولت بر ایجاد پروژه های زیربنائی و خدمات عمومی مطابق با شرایط فنی و طراحی هاي معین شده به وسیله سیستم های مشاوره دهی خود، با سرمایه گذار به اتفاق نظر می رسد وپس از پایان مرحله

واگذاری، مالکیت پروژه به دولت انتقال نمی یابد.

۷. روش (M.O.O.T) : ایـــن حـــروف اختصـــاری عبـــارات Modernize, Operate, Own, Transferمـــي باشـــد ومعنـــی نوســـازی، مالکیـــت، راه انـــدازی و انتقـــال مالکیـــت را میدهـــد. در ایـــن نـــوع روش تمویـــل قراردادهـــا، سرمایـــه گـــذار نوســـازی یکـــی از پـــروژه هـــای خـــدمات عمـــومی یـــا زیربنـــائی و تحـــول تکنولـوژی آن مطـابق بـا مـدرنترین تکنولـوژی جهـانی را بـه عـده دارد، در طـول مـدت واگـذاری مالـک پـروژه گردیـده و عهـده دار راه انـدازی آن مـی شـود و در پایـان دوره مالکیـت پـروژه را بـدون هـیچ دریـافتی بـه دولـت واگـذار مـي نمایـد. بـدیهی اسـت کـه سرمایـه گـذار در خـلال دوره واگـذاری درآمـدهای راه انـدازی پروژه را کسب می نماید.

۸. روش (R.O.O): ایـــن حـــروف اختصـــاری عبـــارات Rehabilitate, Operate, Ownمـــي باشـــد. معنـــی بازســـازی، مالکیـــت و راه انـــدازی را میدهـــد. در ایـــن نـــوع تمویـــل قراردادهـــا عمومـــاً بـــه منظـــور بازســـازی یکـــی از پـــروژه هـــای دولتـــی کـــه نیـــاز بـــه بازســـازی و پشـــتیبانی داشـــته باشـــد، بـــین دولـــت و سرمایـــه گـــذار منعقـــد مـــی شـــود. ایـــن بازســـازی مـــی توانـــد در ســـاختمان و اثاثیـــه باشـــد یـــا در ماشـــین آلات، دســـتگاه هـــا، تجهیـــزات، ابـــزار بـــا تکنولـــوژی پیشرـــفته و غـــیره،(۱۰) انترنیـــت. در بـــین ایـــن روش هـــا، روش هـــای (BOT,BOOT,BLT) بـــه دلیـــل اینکـــه بعـــداز یـــک دوره مشـــخص مالکیـــت پـــروژه بـــه دارای هـــای دولتـــی یـــا بخـــش خصوصـــی کـــه شریـــک قـــرار داد اســـت، تبـــدیل میگـــردد نـــزد کشـــور هـــا اولویـــت دارد، قـــرارداد هایکـــه تمویـــل پـــروژه هـــای آن ازطریـــق ایـــن نـــوع روش هـــا صـــورت میگیـــرد عمـــدتاً در زمینـــه هـــای احـــداث پـــروژه هـــای زیربنـــائی و خـــدمات عمـــومی بـــین بخـــش دولتـــی و بخـــش خصوصـــی منعقـــد میگـــردد. کشـــور هـــای کـــه خواهـــان اســـتفاده از ایـــن روش هـــا انـــد بایـــد در آن کمیتـــه اداری مشـــخص قـــرارداد هـــا موجـــود باشـــد تـــا شـــخص یـــا شرکـــت خصوصـــی سرمایـــه گـــذار را جهـــت تـــأمین اعتبـــار و احـــداث یکـــی از پـــروژه هـــای زیـــر بنـــائی انتخـــاب نمایـــد، و بعـــداز اولویت بندی پروژه ها زمینه تحقق آن میسر گردد.

اکثر کشور های جهان از روش های که در جداول ذیل نشان داده شده جهت تمویل سرمایه گذاری ها استفاده نموده اند.

جدول ۱: تعداد پروژه‌ها به روش PPP در زیربخش‌های حمل ونقل در کشورهای در حال توسعه

ردیف	زیربخش ریلی	تعداد پروژه‌ها	مبلغ پروژه (میلیارد دلار)
۱	جاده‌ای	۴۴۶	۱۰۰
۲	دریایی	۳۲۵	۴۲
۳	هوایی	۱۱۸	۳۹
۴	ریلی	۱۰۰	۳۱

جدول ۳: قراردادهای PPI مورد استفاده در کشورهای مختلف

ردیف	ناحیه	بخش حمل ونقلی به ترتیب مورد استفاده	نوع قرارداد - PPI
۱	آسیای شرقی و اقیانوسیه	جاده‌ای - ریلی	BOT
۲	اروپا و آسیای مرکزی	هوایی - ریلی	ROT.BOT
۳	آمریکای لاتین - جزایر دریای کارائیب	جاده‌ای - ریلی	BOT BROT
۴	آسیای میانه و آفریقای شمالی	دریایی - ریلی	BROT
۵	آسیای جنوبی	جاده‌ای - ریلی	BOT BROT

جدول ۲: انواع قراردادهای BOT مورد استفاده کشورهای مختلف

BOO (ساخت، مالکیت و بهره‌برداری)	BOOT (ساخت، مالکیت، بهره‌برداری و انتقال)
BOOS (ساخت، مالکیت، بهره‌برداری و فروش)	BOR (ساخت، بهره‌برداری و تمدید انتقال)
BRT (ساخت، اجاره، انتقال)	BRO (ساخت، اجاره و بهره‌برداری)
BTO (ساخت، انتقال و بهره‌برداری)	BT (ساخت و انتقال)
BO (ساخت و بهره‌برداری)	BOOT (ساخت، بهره‌برداری، نگهداری و انتقال)
BBO (خرید، ساخت، بهره‌برداری)	DBOM (طراحی، ساخت، بهره‌برداری و نگهداری)
ROT (احیا، بهره‌برداری و انتقال)	ROO (احیا، بهره‌برداری، مالکیت)
RLT (احیا، اجرا و انتقال)	LDO (اجاره، توسعه، بهره‌برداری)
DOT (توسعه، بهره‌برداری، انتقال)	BLOTO (ساخت، لیزینگ، بهره‌برداری، انتقال و بهره‌برداری)
BROT (ساخت، اجاره، بهره‌برداری و انتقال)	BLOT (ساخت، اجاره، بهره‌برداری و انتقال)

ماخذ(۱۱)روش های محبوب تامین مالی در دنیا

عمدتا این پروژه ها در بخش های حمل و نقل بوده که توسط بانک جهانی، بانک انکشاف آسیایی، بانک توسعه اروپا و بانک توسعه اسلامی تمویل شده است، (۱۱: انترنت).

با درنظرداشت تعاریف انواع و روش های سرمایه گذاری، سوال مطرح میشود که در کشورما کدام نوع سرمایه گذاری و چه مقدار صورت گرفته وآیا از این سرمایه گذاری ها استفاده مؤثر صورت گرفته یا خیر؟

افغانستان کشوریست که جنگ و خسارات زیادی را به اقتصاد آن وارد کرده است که بهبود آن به سادگی امکان ندارد. اما به کمک سرمایه گذاری در بخش های تولید و زیربنایی در کشور، تا اندازه امکان این میسر خواهد شد تا سطح تولید بالا برود و به مرور زمان اقتصاد کشور از حالت رکود نجات یابد.

با درنظرداشت اهمیت که سرمایه گذاری در اقتصاد کشور دارد و ما هم به حیث یک کشور عقبمانده نیاز به منابع مالی داشتیم وداریم و به خاطر جلب سرمایه داران سهولت ها و امکانات زیادی را فراهم ساختیم ، از سال ۲۰۰۳م الی ربع دوم سال ۲۰۱٦ م به تعداد ٤٥٩٩٦ شرکت جواز فعالیت را از اداره آیسا دریافت نموده است که از آن جمله ٤٣٠٩٣ شرکت داخلی و ۲۹۰۲ شرکت خارجی میباشد. که بطور مجموعی ۱۰٤۲۳۳٦۹۰۰۷.۵۰ دالر را این شرکت ها سرمایه گذاری نموده است، که این سرمایه گذاری ها زمینه کار را به ۸٤۸۹٤۲ نفر مهیا نموده است، که از آنجمله ۸٤۲۵۹۹ نفر کارمند از طبقه ذکور و ٦۳٤۳ نفر کارمند از طبقه اناث بوده است،(۵: دیتابس ۲۰۱٦).

با در نظرداشت سرمایه گذاری های انجام شده در کشور اینکه آیا از این

سرمایه گذاری ها استفاده موثرصورت گرفته یا خیر ارتباط میگیرد به نحوه به کارگیری و روش استفاده سرمایه گذاری ها. بناءً از جمله سرمایه گذاری های انجام شده که قبلاً ذکر نمودیم، ۸۵۶۳۳۳۷۴۹۸.۴۰ دالر سرمایه گذاری داخلی و ۱۸۶۰۰۳۱۵۰۹.۱۰ سرمایه گذاری خارجی میباشد، از مجموع این سرمایه گذاری ها۳۲۶۳۸۹۲۶۶۰.۴۰ دالر در بخش ساختمان، ۳۰۲۲۰۲۴۰۲۶.۷۰ دالر در بخش خدمات،433328673.60 دالر در بخش زراعت، ۱۷۶۴۱۰۰۴۴۰.۸۰ دالر در بخش صنایع، ۱۲۳۳۰۷۴۴۰۵.۰۰ دالر در بخش معادن و ۷۰۶۹۴۸۷۶۳.۰۰ دالر در بخش انرژی وآب سرمایه گذاری صورت گرفته است،(۵: دیتابس ۲۰۱۶).چون سرمایه گذاری در یک کشور نیاز به امنیت، دسترسی به قرضه، رقابت سالم در بازار، انرژی، زمین، ترانسپورت و ... دارد، و طی سال های قبل از ۲۰۱۴م دولت یک سلسله امتیازات و امکانات را برای سرمایه گذاران و متشبثین داخلی و خارجی در نظر گرفته بود، بنابر تبلیغات دشمنان داخلی و خارجی کشور مبنی بر اینکه بعداز خروج قوای خارجی در سال ۲۰۱۴م وضع امنیتی و سیاسی کشور به مخاطره افتاده و فضای کار وبار دشوار خواهد شد روند سرمایه گذاری کند شده و عده یی از سرمایه گذاران به خصوص سرمایه های خارجی از کشور خارج شد.

بدین منظور بود که وزارت مالیهٔ کشور در جهت جذب سرمایه گذاری خارجی و داخلی در کشور اعلام نمود که برای سرمایه گذارانی که در سال ۲۰۱۳م در افغانستان سرمایه گذاری کنند، تسهیلات ویژه داده میشود. وزارت مالیه بیان نموده بود که بر بنیاد فرمان رئیس جمهور، طرحی را زیر نام "فرصت های سرمایه گذاری " روی دست گرفته است که برای سرمایه گذاران، بازرگانان و صنعتکاران داخلی و خارجی سهولت های ویژه یی را فراهم میسازد. بر اساس این طرح هر سرمایه گذاری که تا یک میلیون دالر و یا بیشتر از آن را در سال ۲۰۱۳م در افغانستان سرمایه گذاری کند و تا سال ۲۰۱۴م به کار آغاز کند، برایش زمین رایگان داده میشود، از واردات موادخام تعرفه گرفته نمیشود و تا ده سال از مالیات معاف میگردد. بربنیاد گفته های مقام های وزارت مالیه، این فرصت تنها به آن سرمایه گذارانی داده میشود که در سال ۲۰۱۳م تا ۲۰۱۴م در افغانستان سرمایه گذاری کنند.(٦:ص. ۴)

اما اگر روند سرمایه گذاری ها را ازسال ۲۰۱۳م به بعد مورد مطالعه قرار گیرد دیده میشود که با وجود فراهم نمودن فرصت برای سرمایه گذاران از جانب دولت، سرمایه گذاری ها روبه کاهش بوده است، که موضوع طی جدول ذیل ارائه گردیده است.

جدول مقایسه سرمایه گذاری در ۲۱ ماه اخیر حکومت کرزی و حکومت جدید

License of Intial Investment Report from 21 months						
Sectors	21 last months of Karzai Administration (Jan-2013 - Sep-2014)		21 months of National Unity Government (Oct-2014 - Jun-2016		Difference % (21 of Administration - 21 of NUG)	
	License	Intial Investment	License	Intial Investment	License	Intial Investment
Mining	141	833,117,000.00	116	183,720,574.00	-17.73%	-77.95%
Construction	1,762	489,834,488.30	947	207,285,275.90	-46.25%	-57.68%
Service	3,032	456,133,727.90	2,431	408,488,685.60	-19.82%	-10.45%
Manufacturing	1,101	249,816,331.20	961	164,872,086.60	-12.72%	-34.00%
Agriculture	188	52,697,112.00	129	34,803,074.40	-31.38%	-33.96%
Energy and Water	96	18,482,000.00	61	8,497,000.00	-36.46%	-54.03%
total	6,320	2,100,080,659.40	4,645	1,007,666,696.50	-26.50%	-52.02%

ماخذ(۵) دیتابیس اداره حمایت از سرمایه گذاری ها سال ۲۰۱٦م

در جدول فوق سرمایه گذاری ها در ۲۱ ماه اخیرحکومت آقای حامد کرزی و ۲۱ ماه حکومت آقای رئیس جمهور محمد اشرف غنی با هم مقایسه شدهاست. در این مقایسه در قسمت دادن جواز به سرمایه گذاران مجموعاً ۲٦.۵۰ فیصد کاهش و در قسمت انجام سرمایه گذاری ها ۵۲.۰۲ فیصد کاهش دیده میشود. بناءً به صورت کل گفته میتوانیم که سرمایه گذاری ها در کشور سیر نزولی داشته است.اما مؤثر بودن سرمایه گذاری ها ارتباط میگیرد به نوع استفاده از آن چنانچه مطابق مواد قانون اساسی، دولت مکلف است زمینه ها و مشوق های سرمایه گذاری را برای سکتور خصوصی فراهم سازد و سرمایه های جلب شده می بایست در جهتی سمت وسو داده شود که زمینه های لازم برای اعمار زیربناهای اقتصادی کشور مهیا گردد، ولی متاسفانه در راستای اعمار زیربناهای اقتصادی کمتر توجه صورت گرفته است، و طی ده سال گذشته اکثر پروژه های انکشافی در مرکز و ولایات کشور کوتاه مدت بوده و بیشتر در بخش های خدماتی تطبیق گردیده است.

با در نظرداشت انواع و روش های سرمایه گذاری خارجی که بیان نمودیم، مناسبترین نوع سرمایه گذاری در کشور سرمایه گذاری های مستقیم خارجی است، زیرا با وجود نکات منفی چون فراهم نمودن تسهیلات اساسی، مانند زمین، نیروی کار و دیگر خدمات عمومی، معافیت های گمرکی ومالیاتی بیشتر برای سرمایه داران خارجی همچنان سرمایه گذاران خارجی سرمایه خویش را عمدتاً در پروژه های که شدیداً تکنالوژی بر باشد به کار میندازند، که با نحوهٔ تخصیص منابع در کشور سرمایه پذیر انطباق ندارد در ضمن عمده ترین اثرات منفی سرمایه گذاری های خارجی اثرات سیاسی و اجتماعی آن است که کشور میزبان را مقید به خواسته های خود مینماید. باوجود این همه نواقص، امروز سرمایه گذاری مستقیم خارجی به یکی ازعناصر عمده در پیوند دادن اقتصاد داخلی کشورها و بویژه جوامع در حال توسعه با اقتصاد جهانی تبدیل شده و به عنوان عاملی برای انتقال سرمایه، تکنولوژی، تحقیق و نوآوری در روشهای تولید، تخصص و مدیریت در تقویت حضور این کشورها در اقتصاد و تجارت جهانی نقش بسزایی ایفا میکند.

در ضمن با در نظرداشت مواد قانون اساسی، سرمایه گذاری ها بیشتر در بخش های زیر بنای صورت گیرد و سرمایه گذاری زمانی در این زمینه میتواند موثر

واقع شود که پروژه های زیر بنایی توسط سرمایه های خارجی به روش BOT[۲] (ساخت، بهره برداری و واگذاری) تمویل شود. این روش یکی از روش های پذیرفته شده جهت توسعه پروژه های زیر بنای به سطح جهان میباشد. دولت های مختلف از این روش بعنوان یک روش مناسب برای سرمایه گذاری و ساخت سریع پروژه های زیربنایی که بشدت مورد نیاز جامعه میباشد استفاده میکنند (۷:ص.۴).

در این روش سرمایه گذار یک واحد صنعتی را طراحی و راه اندازی مینماید. سرمایه گذار واحد صنعتی را برای یک دوره از پیش تعریف شده بهره برداری مینماید و درآمد های حاصله طی این دوره برای پوشش هزینه ها و عواید سرمایه گذار اختصاص می یابد. در پایان دوره مزبور مالکیت و فعالیت واحد صنعتی به دولت میزبان واگذار میشود. در این روش پنج مرحله در نظر گرفته میشود که مرحله اول آن شناسایی است که همانند سایر طرح ها شناسایی پروژه بعنوان گام اول باید انجام شود. در این مرحله مطالعات مقدماتی شامل بررسی های اقتصادی ، مالی و فنی با توجه به اوضاع اقتصادی و سیاسی انجام شده و منافع حاصله از اجرای طرح به روش BOT مشخص می گردد. مرحله دوم آن مرحله مذاکره است که در این مرحله پروژه را بصورت مستقیم به سرمایه گذار واجد شرایط واگذار می نمایند، با انجام مذاکرات تفاهم نامه ای فی مابین طرفین به امضاء میرسد ودر این مرحله موافقت نامه خرید محصول نیز منعقد می گردد. مرحله سوم مرحله توسعه است که در این مرحله پس از امضاء موافقتنامه پروژه، تنظیم موافقت نامه فی مابین سرمایه گذاران جهت شکل دادن ساختار شرکت پروژه انجام شده و مشارکت سهام برای تحقق پروژه مشخص میشود. اجرات بعدی مرحله چهارم است که در این مرحله ساخت وساز، نصب و راه اندازی پروژه انجام شده و در صورت موفقیت در آزمایشات، آموزشها و تهیه دستورالعمل های بهره برداری، کسب مجوزهای فاز بعدی آغاز میشود. مرحله پنجم مرحله بهره برداری و نگهداری یکی از طولانی ترین مرحله دوره پروژه محسوب میگردد، در این مرحله پس از راه اندازی پروژه،کارفرما در طول بهره برداری با انجام بازرسی دوره ای و دریافت گزارشها بر اعمال نظارت

[۲] (Build operate Transfer -BOT)

نموده و بر انتقال تکنولوژی از شرکت، پروژه آموزش نیروی کار ، حفظ شرایط زیست محیطی و سایر فعالیت های مرتبط به پروژه را سازماندهی می نماید.

مرحله پایان پروژه با روش BOT با واگذاری طرح به کارفرما به انتها میرسد. نگهداری پروژه تا تاریخ واگذاری می بایست بصورت مناسب بوده تا کارفرما بتواند بهره برداری از پروژه را ادامه دهد (۷:ص. ۴).

روش دیگر قراردادها بیع متقابل(Buy Back) است که طبق این قرارداد، شرکت سرمایه گذار خارجی کلیه هزینه های انجام طرح مورد سرمایه گذاری همچون نصب تجهیزات، اکتشاف و توسعه، نوسازی و بازسازی میادین، راه اندازی و انتقال تکنولوژی را بر عهده می گیرد و پس از اتمام و راه اندازی پروژه، آن را به کشور میزبان واگذار می کند. در این نوع قرارداد سرمایه گذار خارجی، اصل سرمایه و همچنین مفاد ناشی از سرمایه گذاری خود را صرفا از طریق دریافت محصولات تولیدی آن پروژه طی مدت مشخصی برداشت می کند. در قرارداد بیع متقابل سرمایه گذار پس از پایان دوره پرداخت اصل سرمایه وسود سرمایه گذاری ها، دارای هیچ گونه حقی نسبت به پروژه نخواهد بود. در این قراردادها حاکمیت و مالکیت کامل کشور میزبان بر منابع طبیعی تصریح شده و اصولاقوانین کشور میزبان بر قرارداد حاکم خواهد بود، (۹: انترنت).

به این صورت هر گاه به اینگونه روشها سرمایه گذاری خارجی در کشور ما صورت گیرد خیلی موثر واقع میشود. از سوی دیگر کشور ما با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی و اقلیمی که دارد، و از جانب هم ظرفیت های بالقوۀ مانند، موجودیت نیروی کار ارزان، منابع طبیعی، سهولت های سرمایه گذاری وغیره که در بخش های مختلف اقتصاد موجود است سرمایه گذاران میتوانند از آن استفاده نمایند و با سرمایه گذاری در بخش های مختلف خاصتاً بخش های تولید و صنعتی سطح تولید را در کشور افزایش داده و در پهلوی اینکه تقاضای داخلی را کفایت نماید باعث آن گردد تا واردات در کشور کاهش و صادرات افزایش یابد وبیلانس تجارت حالت مثبت را به خود بگیرد.

با توجه به تحلیلی که صورت گرفت می توان نتیجه گیری کرد که: پس از روی کارآمدن دولت آقای حامد کرزی درکشور، نظام اقتصادی افغانستان ـ جدا از این

که تا چه میزان با چگونگی شرایط و نیازمندی ها منطبق بود یا نـه ـ نظـام بـازار ، در نظر گرفته شد که قانون اساسی، به صراحت از آن یاد می کند. با در نظرداشت ایـن انتخاب، پهنه وسیعی برای سرمایه گذاری های اقتصادی فراهم شد که طبق قانون، دولت مکلف بود زمینه ها و مشوق های سرمایـه گـذاری را بـرای سـکتور خصوصـی، فراهم آورد و سرمایه گذاری هایی صورت میگیرد با ایجاد زمینه هـای لازم، بـه اعـمار زیربناهای اقتصادی کشور، بپردازد. بناءً موجودیت فرصت ها و سهولت هـای ایجـاد شده برای سرمایه گذاری در کشور سبب شده است تا از سال ۲۰۰۳م الی ربـع دوم سال ۲۰۱٦ م به تعداد ٤٥٩٩٦ هزار شرکت جـواز فعالیـت را از اداره آیسـا دریافـت نمایند که از آن جمله ٤٣٠٩٣ شرکت داخلی و ۲۹۰۲ شرکت خارجی میباشـد. کـه بطور مجموعی ۱۰٤۲۳۳٦۹۰۰۷.۵۰ دالـر توسـط ایـن شرکـت هـا سرمایـه گـذاری شده است. اما با وجود ظرفیت های بالقوه بسـیاری در بخـش اقتصـاد، قسـمیکه در قوانین افغانستان ذکرشده که سرمایه گذاری ها بیشـتر روی زیربناهـا صـورت گیـرد، صـورت نگرفتـه و از سرمایـه گـذاری هـای انجـام شـده نظـر بـه مشـکلاتی ازقبیـل موجودیت فساد اداری در اکثر ادارات دولتی، نبودانرژی برق کافی برای فابریکـات، نبود قـوانین شـفاف و روشـن سرمایـه گـذاری در افغانسـتان، مشـکلات مـالی، عـدم دسترسـی بـه زمـین و سـایر مشـکلاتی کـه در کشـور وجـود دارد بـه صـورت مناسـب استفاده به عمل نیامده است.

ضمناً سرمایه گذاری دولتـی خـارجی بـه دو روش کـه قـبلاً بیـان شـده صـورت میگیرد که این سرمایه گذاری های رسـمی بـا مشـکلاتی از قبیـل تهدیـد سیاسـی و اقتصادی، اجرای سیاست های اقتصادی خاص بدون توجه به شرایط داخلـی و نیـز نرخ بهرۀ بسیار بالا مواجه انـد کـه کشـور مـا طـی یـک دهـه گذشـته از هـر دو روش سرمایه خارجی دولتی استفاده نموده است و هنوز هم در قالب کمک های خارجی این نوع سرمایه گذاری ها ادامه دارد و متاسفاً نتایج مطلوب بدست نیامده است.

بناءً برای اینکه در آینده کشور ما اقتصاد متکی بـه خـود داشـته باشـد سرمایـه گذاری در بخش زیربنایی آن یک امر ضروری پنداشته میشـود. یکـی از موضـوعات مهم که میتواند برای جذب و تشویق روند سرمایه گذاری در افغانسـتان مـوثر باشـد، همکاری دولت و نهاد های خصوصی و غیر دولتی در زمینه ی ارزیابی ضرورت هـا و

اولویت های اقتصادی برای سرمایه گذاری است.

افغانستان کشوری است که مردم آن با توجه به عوامل محیطی، جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی در هر نقطه ای، نیازمندی و ضرورت های خاصی دارند و این درست آغازی برای شناخت بهتر در زمینه ی سرمایه گذاری ها و پروژه های اقتصادی است. ولی رسیدن به این شناخت و آگاهی به منظور درک ضرورت ها و اولویت های اقتصادی، زمانی می تواند به شکل درست بوجود آید که دولت، نهاد های خصوصی در عرصه ی سرمایه گذاری و موسسات غیر دولتی همکار، در هم آهنگی بیشتر با سرمایه گذار برای ارزیابی و اولویت بندی های اقتصادی عمل کنند تا جریان پروژه های اقتصادی به ویژه پروژه های عام المنفعه و روند سرمایه گذاری با مشکلات و چالش ها مواجه نگردد.

اولویت های اقتصادی در راستای سرمایه گذاری موثر زمانی می تواند شکل بگیرد که ارزیابی دقیق از ضرورت ها برای سرمایه گذاری صورت بگیرد، و این ارزیابی و اولویت بندی زمانی نتیجه ی مطلوب می دهد که هم آهنگی درست میان سرمایه گذار و نهاد های فراهم کننده ی سهولت برای سرمایه گذاری، موجود باشد. در ضمن از آنجا که سلطه بر طرح های زیر بنایی با منافع ملی و امنیت داخلی کشور مرتبط است، دولت همواره مایل به حفظ کنترول و تسلط خود بر منابع مذکور و در عین حال توسعه و پیشرفت منابع از طریق سرمایه گذاری خارجی با شناخت بهترین روش هستند.

پیشنهاد

با توجه به مراتب فوق، بهترین روش های سرمایه گذاری خارجی که هم برای کشور ما و هم سرمایه گذار خارجی مطلوب است، سرمایه گذاری به روش های BOT و بیع متقابل(BB) در کشور میباشد، روشBOT در سطح جهان تاریخچه کوتاهی داشته و می توان بعنوان یکی از روش های جدید و مثمر در احداث وتوسعه پروژه های زیربنایی باشد که از جمله مزایای این روش کاهش مشکلات عدیده دولت در زمینه استقراض خارجی ، پذیرش ریسک پروژه ها محسوب می گردد انتقال تکنولوژی به کشور و توسعه زیربنایی از شاخصه های اصلی این روش میباشد در نهایت درک صحیح این روشها از طرف دولت و شرکت

های دولتـی و اسـتفاده از آن در شرایـط مناسـب پـیش نیـاز اصـلی جهـت موفقیـت بحساب می آید و با بـه کـار انـداختن سرمایـه از ایـن طریـق بخـش هـای تولیـدی و صنعتی رونق میابد، سطح تولید در کشور افزایش نموده و به مرور زمـان افغانسـتان میتواند از بازار مصرفی تبدیل به یک اقتصاد متکی به خود گردد.

مآخذ

۱. اکـبری، نعمـت الله، ۱۳۸۲.فرهنـگ اصـطلاحات روزمـره اقتصـادی، چـاپ دوم، تهران: انتشارات کهر.

۲. مهدوی، ابوالقاسم، ۱۳۸٤. رشد اقتصـادی و سرمایـه گـذاری، چـاپ اول، تهران: انتشارات، جنگل.

۳. قانون سرمایه گذاری خصوصـی داخلـی و خـارجی،۱۳۸۱. کابـل: مطبعـه دولتی، جریده رسمی، شماره ۸۰۳ .

۴. سـید آقـا زاده، سـید رضـا،۱۳۸۸. نقـش سرمایـه گـذاری خـارجی در رشـد اقتصادی، کابل: مطبعه دولتی.

۵. اداره حمایت از سرمایه گذاری ها ، دیپارتمنت تشـویق سرمایـه گـذاری هـا دیتابیس سال ۲۰۱٦م

۶. پالیسـی تشـویق سرمایـه گـذاری در دوره انتقـال جمهـوری اسـلامی افغانستان، وزارت مالیه، معینیت پالیسی، ۱۳۹۲.

۷. بیات، روح الله،بررسی عوامـل مـوثر برجـذب سرمایـه گـذاری هـا، فصـلنامه مطالعات، سال چهارم،شماره ۱۳، سال ۱۳۹٤.

۸. از ویکی‌پـدیا، دانشـنامه آزاد، سرمایـه گـذاری، تـاریخ برداشـت از سایت۱۳۹٦/۵/۲ http://fa.wikipedia.org/wiki/%

۹. انواع قراردادهای سرمایه گذاری خارجی، تاریخ برداشت از سـایت ۱۰ /۱۰ /۲۰۱۷ http://asrebank.ir/news/۱۷٤۱۹

۱۰.روش های سرمایه گذاری، تاریخ نشر در سایت دوشـنبه دهـم مهـر۱۳۹۱، تـاریخ برداشـت از سـایت ۱۰ /۲۰۱۷/۱۰ http://faghasemitax.blogfa.com/post

۱۱.سرمایه گذاری مستقیم خارجی، روش هـای محبـوب تـامین مـالی دردنیـا، تـاریخ برداشـت از سـایت ۲۰۱۸/٦/۱ http://donya-e-eqtesad.com

۱۲.قراردادهای بی او تی (BOT)، تـاریخ نشرـ در سـایت، ۱۳۹۰/٤/۲، تـاریخ برداشت از سایت ۲۰۱۷/۱۰/۲۰http://www.cloob.com/c/persia_sub/14771680

محقق انوشه هاشمی

عوامل اعتیاد نوجوانان و جوانان به مواد مخدر و راه های پیشگیری ازآن

خلاصه

حوادث و وقایع آزار دهنده اجتماعی، فشار های روانی ناشی از آن، نبود رفاه و آسایش مناسب و کافی برای زنده گی، عدم اعتماد و اطمینان به باور های همدیگر زنده گی موجود بشری را به خیالات واهی و ناسازشی مواجه ساخته و انسان هوشیار و متفکر را به سوی اعتیادبه مواد مخدر، مسکر، دخانیات و سایر انحرافات کشانیده است. اگر بشر نتواند، جلو این همه ناملایمات و حالات نا همگون را بگیرد فاجعه بزرگ بشری رخ خواهد داد که عواقب خطرناکی در قبال دارد.

جوانان و نوجوانان امروزی که بیشترین استفاده را از قوای مغزی خود باید به عمل آورند و از توانایی های خود در عمران و آبادی جهان و نجات بشر از بیماری ها استفاده نمایند، ولی متاسفانه خلاقیت و توانایی های خود را با استفاده از مواد مخدر و دخانیات ضایع ساخته و به این وسیله زمینه نابودی استعداد ها و توانایی های روانی و بدنی خود را مساعد میگردانند.

معتادان، افراد محتاج به کمک اند. جلوگیری و ممانعت آن ها از مواد مخدر، مسکر و دخانیات کار ساده یی نیست، بلکه فرد، جامعه و در مجموع جوامع بین المللی متحداً در این عرصه باید مجادله و مبارزه شدید نمایند، تا بشر را از این ورطه مهیب و خطرناک نجات دهند.

از آن جایی که اعتیاد نوجوانان و جوانان به مواد مخدر به علت های پیش

بینی نشده به میان میاید، مهار کردن این افت سیاه در کشور فقیر و کم درامد مانند افغانستان کار مشکلی محسوب می شود و نمی توان آن ها را مانند سایر امراض بدنی با یک کمپاین وسیع تبلیغاتی و یا وقایوی، محو یا نابود ساخت و در باز یافت سلامت نوجوانان و جوانان کمک نمود.

مقدمه

اعتیاد به مواد مخدر یکی از بیماری های مضر و خطرناک بشری بوده که دامنه آن بس وسعت یافته است. این بیماری نه تنها یکی از امراض اجتماعی بوده، بلکه امراض و بیماری های مدهش و خطر ناک بدنی و روانی را به بار می آورد و همچنان زمینه عملکرد های انحرافی و جرایم مختلف را مساعد می سازد و جوامع را به مشکلات بزرگ اقتصادی و اجتماعی دچار می سازد.

در حال حاضراحتیاج و وابستگی به مواد مخدر ، نوشابه های الکولی و دخانیات به معضله بزرگ جهانی تبدیل شده و آمار آن روز به روز در سطح جهان بلند میرود.

اعتیاد به مواد مخدر نه تنها یک موضوع فردی بوده بلکه به حیث یک مشکل بزرگ اجتماعی اکثریت از کشور های جهان را فرا گرفته است و در کشور های عقب مانده، که توان مبارزه با این پدیده را ندارند، افراد را به کام مرگ کشاند. با آن که تولید و مصرف مواد مخدر، مسکر و دخانیات پدیده ای با تاریخ طولانی است اما از دهه های اخیر قرن بیستم و اوایل قرن بیست یکم گسترش آن بیش از هر وقت دیگر بیشتر شده و شدت یافته و بشریت را در تمام عرصه های زنده گی ، اعم از اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و روانی تهدید نموده است . افراد که به مواد نابه کار مخدر و نوشابه های الکولی و دخانیات معتاد اند، نه تنها از لحاظ اقتصادی بار دوش جامعه میباشند، بلکه از نگاه اجتماعی مرتکب انحراف و جرایم بزرگ گردیده و تخلفات رفتاری گوناگونی از آنها به مشاهده میرسد،که به منزلت و جایگاه اجتماعی آن صدمه میزند، در مقاله هذا با توجه به نظریات صاحبنظران و با استناد به واقعیت ها عوامل اعتیاد نوجوانان و جوانان بررسی شده و اعتیاد نوجوانان و جوانان از دیدگاه عوامل فردی، خانواده گی و اجتماعی مطالعه و ارزیابی گردیده و در پرتو آن راه های پیشگیری از آن نیز نشان داده شده است. و سر انجام مقاله با

نتیجه گیری و ارایه پیشنهادات به پایان می رسد.

مبرمیت موضوع

طوریکه دیده می شود و احصایه های پخش شده حاکی از آن است که عده زیادی از هموطنان، از مرد و زن گرفته تا اطفال به بلای خطرناکی به نام اعتیاد به مواد مخدر مبتلا اند و دامنه آن روز تا روز گسترش میابد. این معضله ضمن آن که در حال حاضر برای افراد، فامیل ها و تمام کشور یک درد سر و پرابلم است، وجود چنین افراد معضله بسیار ناگوار برای آینده خواهد بود.بناءً مطالعه و تحقیق انگیزه ها و علل اعتیاد در مجموع و به خصوص اعتیاد نوجوانان و جوانان یک موضوع خیلی با اهمیت و مبرم بوده و توقع می رود نتایج حاصل شده از تحقیق رهنمود و راهکاری برای معتادان، فامیل ها و دست اندر کاران در مبارزه با این پدیده شود.

ضرورت تحقیق

نوجوانان و جوانان سرمایه و نیروی انسانی فعال جامعه اند که برای پیشرفت و انکشاف جامعه در پهلوی منابع مالی به کیفیت نیروی بدنی و فکری آن باید توجه گردد. توجه به نیروی فکری و اخلاقی نوجوانان و جوانان به معنای پرورش فرد سالم به مثابه سرمایه انسانی برای جامعه و دور داشتن آنها از هرنوع انحراف و کجرروی ها است . جامعه یی که به منابع انسانی خود بها میدهد و مانع عاطل شدن و به هدر رفتن منابع و نیرو های خود می شود و از گسترش مواد مخدر و سایر انحرافات جلوگیری مینماید، به صورت طبیعی ملت و مردم خود را به رفاه و آسایش نایل می سازد.

در کشور ما ضمن نا رسایی ها و مشکلات زیاد، دیده میشود که تعداد قابل ملاحظه ای از نوجوانان و جوانان در دام مواد مخدر اسیر شده و روز به روز برجمیعت آنها افزورده میشود که این امر پیامد های منفی زیادی در زمینه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه به جا میگذارد. بناءً مطالعه و تحقیق جوانب مختلف اعتیاد به مواد مخدر و علل آن به منظور جستجوی راه های حل آن یک موضوع ضروری است.

هدف تحقیق

هدف از تحقیق پیرامون اعتیاد نوجوانان و جوانان دریافت علل و انگیزه هایی

است که باعث اعتیاد به مواد مخدر میشود که نتیجه متوقعه آن دریافت شیوه های پیشگیری و راه های ممکنه مبارزه با آن میباشد .

میتود تحقیق

در این مقاله از روش کتابحانه ای استفاده صورت گرفته است.

عوامل اعتیاد نوجوانان و جوانان به مواد مخدر

جامعه بشری از بدو پیدایش تا کنون به بلا ها و بحران های مختلفی مواجه بوده که بعضی از آنها بقای انسان ها را در معرض تهدید قرار داده ا ست، که از آن جمله یکی هم اعتیاد است.

اعتیاد به مواد مخدر به عنوان یک بلای اجتماعی، پدیده شوم و خانمان سوز جهانی پنداشته می شود. اعتیاد از نظر لغوی به معنی عادت و خو گرفتن میباشد اعتیاد حالت سر مستی مزمن است که بر اثر استفاده مکرر مواد مخدر در فرد و جامعه اختلال ایجاد می کند.

اعتیاد و گرایش به مواد مخدر نوعی نا هنجاری اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگون روانشناختی، اقتصادی، ا جتماعی، سیاسی و حقوقی است. اعتیاد با کم کردن علاقه فرد به هنجار های اخلاقی و ارزش های اجتماعی جامعه، زمینه انحرافات و ارتکاب جرایم را آماده می سازد. در جامعه جنگ زده افغانستان، مواد مخدر یک مشکل جدی اجتماعی است که در تعامل با دیگر آسیب های اجتماعی، نظم و انسجام جامعه را برهم زده و نهایتا جامعه را به انحطاط میکشاند. (۱:ص. ۱)

انسان از بدو تولد و از آن زمانی که به سوی زنده گی در حرکت می شود با دشواری های فراوانی رو به رو و به انواع مختلف موانع برخورد میکند. او مجبوراست در مقابل هر مشکل و یا مانع، عکس العمل جداگانه نشان دهد. افرادی که نمیتوانند با مشکل و موانع مقابله کنند پا به فرارمی گذارند، مسیری راکه آنها درهنگام فراراز مشکلات طی میکنند، گوناگون و متفاوت است، یکی از این راه ها وابسته شدن به مواد مخدر است. باوجود که این شیوه نزد نوجوانان و جوانان در وهله اول منطقی به نظر میرسد، اما به زودی مشکلات بزرگ را پیشروی آنها قرار میدهد.

بسیاری از جوانان و نوجوانان تمایل دارند به زنده گی پرشعف و لذت بخشی

برسند، آن ها به خاطر تحقق و عملی شدن آرزو ها و آرمان شان راه تاریک، مواد مخدر را انتخاب میکنند. متآسفانه این انتخاب باعث مشکلات و فشارهای عدیده ای میگردد که درزنده گی آنها اثرات سو بجا می گذارد. جوانان و نوجوانان با این انتخاب، نه تنها مشکلات خود را کم نمی کنند، بلکه به مشکلات ومعضلات خود میآفزایند و خود را از زنده گی پرعیش و عشرت به زنده گی پر از ذلت و خواری و از جمع به انزوا و گوشه گیری می کشانند.(2ص. ۴۳)

افغانستان که از جمله کشور های جنگ زده است اساساً کشور عقب مانده بوده و اقتصاد اکثر مردم آن در سطح پایین قرار دارد، جنگ و تاثیرات سوء آن این سطح نازل را هم ضربه زده است. و در پهلوی آن نوجوانان وجوانان این سر زمین آسیب های شدید را متحمل شده اند، از درس و تعلیم به دور مانده و مجبور به انجام کار های شاقه چون: اسپندی گری ، تگدی گری ، پلاستیک فروشی ، آهنگری ،کار های شاقه در کوره های خشت پزی، کار در مزارع خاش خاش و غیره گردیده و برعلاوه آن به دشواری های زیادی مواجه شده اند. همچنان نوجوانان و جوانان که در دهات و دارند یا در شهر ها زنده گی، نا گزیر به کارهای شاقه از جمله: جمع آوری تریاک ، فروش مواد مخدر ، کار در لابراتوارهای پروسس، کار در قیلون خانه ها، کلپ های بلیارد وغیره میشوند. واقعیت ها نشان دهنده آنست که این نوجوانان و جوانان به زودی به مواد مخدر معتاد می گردند.

از آن جاییکه به صورت کل عوامل اعتیاد بسیار زیاد است و در کشور ما بالفعل عوامل زیادی آن وجود دارد که نوجوانان و جوانان را به مواد مخدر معتاد میگرداند که ادامه در بر این علل و عوامل بحث می نمایم:

۱: عوامل فردی اعتیاد: بسیاری از روان شناسان علل رفتار انحرافی نوجوانان را بر حسب نقص شخصیتی مورد بررسی قرار می دهند. و به این باور اند که برخی از این شخصیت ها به تبهکاری و ارتکاب جرایم گرایش پیدا می کنند. در واقع علل فردی گرایش به اعتیاد نوجوانان و جوانان بیشتر بر مبنای دیدگاه های روان شناختی متکی می باشد.

الف: علل و عوامل روانی (شخصیتی) : دانشمندان روانشناسی علل و عوامل اعتیاد نوجوانان و جوانان را غیر ار آنچه دیگران تصور دارند می اندیشند. این

دانشمندان بیشتر روی علل و عوامل روانی و شخصیتی تاکید دارند که در اعتیاد نوجوانان و جوانان دخیل می باشند.این عوامل عبارت اند از : ناتوانی جوانان در مقابله با چالش های زنده گی، نداشتن قدرت حل مسله و تحمل سختی ها اراده ضعیف و شکنند در تصمیم گیری، نداشتن اعتماد به نفس و عزت نفس پایین، نداشتن تفکر منطقی و استدلالی، عدم شناخت از خود و از توانایی های ذاتی، نا کافی بودن رشد شخصیت، تحقیر شخصیت، کمبود عاطفه، عقده ها، حالات نارام روانی مانند: افسرده گی، ناپایداری عاطفی، اضطراب، محرومیت و موارد دیگر از جمله عوامل روانی و شخصیتی اند که باعث اعتیاد جوانان و نوجوانان به مواد مخدر می گردند. عوامل روانی رفتار نوجوانان و جوانان را تغیر می دهند و آنها را به سوی اعتیاد می کشاند.

افرادیکه به مشکل توافق و سازگاری بامحیط و شرایط اجتماعی مواجه اند و برای بیرون رفت از مشکلات زنده گی نمیتوانند راه درست را انتخاب کنند از میکانیزم های دفاعی که بخش از فعالیت های انسان را هنگام مواجه شدن به مشکلات تشکیل میدهند، استفاده میکنند. تا زنده گی آرام و بدون دغدغه داشته باشند. این نوجوانان و جوانان با شکست درمبارزه با مشکلات و نیافتن راه و چاره زنده گی دلخواه خود را از جامعه کنار میکشند و گوشه تنهایی را اختیار می نمایند. تنهایی آنها بیشتر به مآیوسیت آنها می افزاید و باعث نا امیدی آنها میشود ، بسیاری از آنها چاره نمی بابند به جز اینکه برای رفع خستگی و گریز از تنهایی به ماده نشه آور پناه ببرند و لحظه ای آرامش حاصل نمایند. (3:ص. 288)

ب: کنجکاوی: عده ای با شرکت در مجالس دوستان آنها میبینند، دیگران از مواد مخدر استفاده می نمایند حس کنجکاوی در انها تحریک شده با تقلیداز دوستان ناباب به مصرف مواد مخدر گرایش پیدا میکنند. با اولین بار استفاده از مواد مخدر در فرد احساس مثبت ایجاد گردیده و بعداً تکرار می شود . البته آنها غافل از این که این نوع لذت زود گذر و خانمانسوز بوده آنها را به مرگ تدریجی میکشاند

ج -ضعف اراده: همانطوریکه رشد طبیعی فرد، رسیدن به بلوغ و مراحل بعد از آن شخصیت وارده فرد را استحکام داده قوی میسازد. تربیت در پالایش و مسیر

درست دادن عملکرد های فرد نقش اساسی دارد. اراده عاملی است که باعث حرکت فرد می شود و به اثر تربیت و آموزش سالم تقویت می گردد. فردی که مطابق موازین اصول اخلاقی سالم تربیت شود دارای اراده قوی میباشد. در اثر مشاهده یک عمل خلاف با قاطعیت تمام در مقابل آن استاده گی نموده و از خود تزلزلی نشان نمی دهد و تلاش می کند هدف خود را در زنده گی بطور قاطع انتخاب کند. اما اگر جوان اراده ضعیف داشته و بدون برنامه برای زنده گی باشد، اولا دچار نوعی سردرگمی و خستگی میشود و ثانیا ممکن در مقابل هر انحرافی پاسخ مثبت نشان داده توافق نماید. در این صورت نه تنها شخص نمی تواند مانع انحراف و اعمال انحرافی دیگران شود، بلکه خود نیز در این انحراف شامل میگردد. این مسله در اعتیاد فرد اهمیت بسزایی دارد.

د- انگیزه های درمانی: یکی از علل اعتیاد به مواد مخدر چگونگی جنبه های درمانی آن است. حقیقت آنست که در بسیاری از موارد گرایش به مواد مخدر در آغاز جنبه مداوا داشته و سپس در بستر زمان به اعتیاد مبدل گردیده است. شیوع مواد مخدر در روستا ها نوعا با انگیزه درمانی صورت می پذیرد . در این بخش استفاده از مواد مخدر برای رسیدن به تعادل جسمی وصحت یابی است. در برخی از روستا ها برای تسکین درد کمر، درد دندان، درد گوش و مانند آن ها از تریاک استفاده می شود و به مرور زمان باعث اعتیاد می گردد. (همان:ص. 289)

۲- عوامل خانواده گی: خانواده اولین و نزدیک ترین نهاد اجتماعی است که جوانان و نوجوانان را تحت تربیت قرار میدهد. کودکانی که جوانان اینده اند برای بار نخست در خانواده پا به عرصه وجود میگذارند و در بطن این کانون تربیت و پرورش می یابند . از این رو سال های اول زنده گی نوجوانان و جوانان به دلیل تهداب گذاری خصوصیات اخلاقی، عاطفی و شخصیت آنها از پر اهمیت ترین دوره زنده گی و نقش پذیری جوانان محسوب میشوند .

چگونگی ساختار خانواده در تعین سرنوشت و شخصیت بعدی اخلاقی صحت و سلامت روانی و بدنی نوجوانان و جوانان نقش بزرگی دارد. بعضی از خانواده ها بنابر عوامل گوناگون اجازه اظهار نظر را به کودکان نوجوانان وجوانان نمی دهند و هر موضوع را بالای آنها به صورت آمرانه بدون این که به شخصیت آنها ارزش قایل

شوند تحمیل می کنند. و یا برعکس از روی محبت زیاد همیشه به دلخواه فرزندان خود کار میکنند و انها را نازپرورده تربیت میکنند در اثر این دو نوع عملکرد متقابل چون سخت گیری بیش از حد و ناز پروری بیش از حد نوجوانان این خانواده ها افراد نامطمئن و متکی به دیگران بار می آیند. تجارب نشان می دهد که نوجوانان و جوانان منحرف و معتاد معمولا در میان افرادی هستند که در کانون خانواده های بی نظم و نا به سامان که در آن خانواده ها از محبت و عواطف کمترین اثری دیده نمیشود تولد شده اند یا اینکه از همان آوان طفولیت بنابر علل خاص فامیلی مفهوم واقعی زنده گی خاتواده گی را درک نکرده اند که در نتیجه رشد عاطفی و شخصیت انها متوقف مانده افراد نابسامان و معتاد تربیت شده اند .(4:ص. 77)

در خانواده کمبود محبت، افراط در محبت، تبعیض بین فرزندان، اعتیاد یکی از اعضای خانواده، بی سوادی و کم سوادی والدین و فقر خانواده از جمله عواملی اند که باعث اعتیاد نوجوانان و جوانان می شوند. بسیاری از نوجوانان و جوانان که که پدر و مادر خود را در اثر جنگ، مرگ طبیعی، طلاق و جدایی از دست داده اند عواقب وخیم و خطر ناکی در انتظار انها قرار دارد . جامعه شناسان و علمای تربیتی در تحقیقاتی که روی این موضوع انجام داده اند دریافته اند که یکی از مهمترین علل و انگیزه ولگردی، عقب افتاده گی، اعتیاد به دخانیات مخدرات ومسکرات اطفال همانا نداشتن سر پرست و موجودیت والدین معتاد است. باید علاوه داشت در خانواده های که محبت صمیمیت و عواطف موجود نباشد، در خانواده که ترحم مهربانی والدین محسوس نگردد، در آن خانواده ها بسیاری از ناهنجاری های روانی و امراض اجتماعی که باعث جرایم و انحراف جوانان میشود پدید می آید. اگر این خانواده ها به پیشگیری و ترمیم دل های شکسته ووضع نابسامان نوجوانان و جوانان توجه نکنند نه تنها اعضای آن خانواده به اعتیاد می گراید، بلکه به انحراف و جرایم شدید تر سوق میگردند.

۳- علل اجتماعی:

الف – فرار از مشکلات: روانشناسان متوجه مشکلات و نارسایی های اند که انسان ها در زنده گی شخصی و اجتماعی به آن مواجه میگردند . جوانان و نوجوانان که در سازش با محیط فامیلی شغلی و اجتماعی به مشکل مواجه

میگردند تعادل روانی خود را از دست میدهند نا گزیر به نا هنجاری هایی از جمله آن مواد مخدر پناه میبرند.

در زنده گی حالاتی هم رخ می دهد که نوجوانان و جوانان در زنده گی به شرایطی قرار میگیرند که بعضی اوقات فرار از مشکلات و عبور از موانع و انگیزه ها برای شان محدود و ناممکن می گردد. در چنین شرایط، به اثر فشار های که بر آنها وارد میشود به مواد مخدر رجوع می کنند. همچنان آنعده جوانان و نوجوانان که در راه رسیدن به امیال و آرزو های خود ناکام می شوند، کوشش می نمایند برای نجات از وضع ناگوار و ناراحت کننده موجود و به خاطر کاهش دادن پریشانی ها و ناراحتی های خود زمینه های را دریابند که آنها را از چنین شرایطی نجات دهد. در این حالات بسیاری از آنها دچار وحشت گردیده به عوض این که اعمال آنها سبب نزدیک شدن به هدف و آرمان های زنده گی شان گردد، با نوعی شکست و پریشانی های روانی مواجه می شوند. جوانانی که دچار این نوع تعارض های روانی می شوند سعی می ورزند ناراحتی ها و شکست های خود را به شیوه نادرست بر دیگران تحمیل و انتقام گیری نمایند . اما قبل از این که به چنین اعمالی دست بزنند برای رفع ناراحتی های خود به مواد مخدر پنا میبرند. همچنان جوانان و نوجوانان مغرور و خود خواه که خود را به رعایت قانون و مقررات جامعه تابع نمی دانند، و پیروی از قوانین و ارزش های اجتماعی را وظیفه دیگران میدانند و نسبت به هر موضوعی بی اعتنایی اختیار کرده، ناگزیر به مواد مخدر، مسکر و دخانیات پناه میبرند.

ب- همقطار ها و همبازی ها : اگر خصوصیات دوره نوجوانی و جوانی به دقت مطالعه گردد دیده می شود که یکی از مشخصات دوره جوانی آمیزش باهمقطاران است، نوجوانان و جوانان از میان همسالان و همقطار های خود دوستانی انتخاب می نمایند که با آنها هم فکر و هم نظر باشند . پس جوان و نوجوانی که دوستان نامناسب، معتاد و منحرف انتخاب می نمایند حتمی است که به سر نوشت اندوهناک و اسفباری آنها مواجه می شوند. تاثیرات گروه های همبازی و هم قطارها و نداشتن سر پرست و رهنمای سالم برای جوانان و نوجوانان آنها را به سوی انحراف و کج رفتاری های اجتماعی و اعتیاد سوق می دهند که این امر در شرایط کنونی

کشور بسیاری از نوجوانان و جوانان کشور را که بیکار اند و به خصوص بنابر فقر در تنگنا قرار دارند به اعتیاد و جنایات سوق داده است.

ج-جنگ های ناموجه و تحمیلی: تحقیقات نشان داده، زمانی که جنگ ها در یک کشور ادامه پیدا می کند، تعداد معتادان افزایش می یابد. در شرایط جنگ بسیاری از جوانان و نوجوانان که از حوادث ناگوار آسیب می پذیرند، به افسرده گی، اضطراب و تشویش های روانی دچار گردیده، جهت فرار از این حالت به مواد مخدر و مسکر پناه میبرند.

د- دسترسی آسان به مواد مخدر: چون نوجوانان و جوانان موجودات متجسس و آزمایشگر اند، سعی می کنند از تأثیرات مواد مخدر آشنایی داشته باشند. از آن رو ناآگاهانه از این مواد استفاده می کنند و به زودی معتاد می شوند.

در دسترس بودن مواد مخدر عاملی است که همراه با علل دیگر زمینه گرایش فرد را به اعتیاد مساعد می سازد.هرگاه فرد برای کجروی مستعد باشد و مواد مخدر هم به اسانی در دسترس او قرار گیرد از مصرف آن دریغ نکرده به زودی معتاد می شود.(۳:ص. ۲۹۱) چنانچه گزارش های ارایه شده بیان می دارد که بیش از نود در صد مواد مخدر جهان در افغانستان تهیه می شود. فراوانی وارزان بودن مواد مخدر باعث می گردد تا به سهولت به دسترس نوجوان قرار گیرد و نوجوانان و جوانان از ناچاری ها و فشار های زنده گی و یا هم از روی تفنن کار رفته و سر انجام به آن معتاد می گردد.

هـ- مهیا بودن انگیزه ها و امکانات انحراف در جامعه: سالون های و یدیویی، کلپ های بلیارد، پوسته های امنیتی، اجراآت ضعیف قانون، تأثیرات جنگ، بحران های طبیعی و اجتماعی، سیاست های نادرست ملی و بین المللی در مبارزه با مواد مخدر، کم رنگ شدن ارزش هایی اخلاقی و باور ها، غیر عملی بودن موعظه ها، خرابی وضع اقتصاد، بیکاری، پُر منفعت بودن قاچاق مواد مخدر، ناکافی بودن نهاد های درمانی و درمان های ناقص و ناکارا و بالاخره عدم پیگیری ممانعت از رجوع مجدد بیماران به مواد مخدر زمینه های اعتیاد می باشد که متأسفانه حد اکثر این شرایط در کشور، مهیا بوده و کمتر کسی به آن توجه می نماید.(۲:ص. ۱۸۹)

راه های پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر

راهکار های پیشگیری که در اولویت قرار گیرد، رساندن پیام موثر به کسانی است که مواد مخدر استفاده نکرده اند تا در نوجوانان و جوانان تنفر نسبت به مواد مخدر و دیدگاه منفی نسبت به اعتیاد ایجاد گردد. در این روند باید تمام ارگان ها دولتی و غیر دولتی ذیربط به صورت همکار تلاش کنند. همچنان پیشگیری از اعتیاد باید در دو جهت مورد توجه قرار گیرد: طرف تقاضا و طرف توزیع. هر کدام از این دو جهت ویژه گی های مخصوص به خود را دارند راهکار های پیشگیری از توزیع کننده، مجموعه فعالیت هایی میباشند که از منبع تولید تا مصرف کننده را در بر میگیرد. در این بخش دولت و نهاد های ذیربط توجه نمایند و در بخش دیگر که مربوط به فرد معتاد (تقاضا کننده) می شود جنبه وسیعی دارد. از این رو ضروری است که عوامل فراهم کننده گرایش به مواد مخدر نظیر نابسامانی های خانواده گی، دوستان بد، محیط زنده گی ناسالم، بیکاری، فقر اقتصادی، ناکامی و محرومیت ... مورد توجه قرار گیرند و محدود و از بین برده شوند.(۵:ص. ۱۳۱)

نتیجه گیری

در عصر حاضر مخدرات، دخانیات، مسکرات و تروریزم همه نیرو های مخرب و مهلک در جامعه محسوب می شوند. این نیرو های نامیمون و ضد انسانی، مدنیت بشری را به خطر مواجه ساخته و جامعه را از روند انکشاف سالم باز میدارد. نیرو های مخرب و شیطانی ذکر شده در ارتباط متقابل با هم بوده همدیگر را تکمیل و تمویل نموده و در موجودیت همدیگر استفاده می گردند، از این سبب این نیروها دست به دست هم داده و جوامع بشری را تحت فشار های اجتماعی و اقتصادی قرارداده و در حالاتی هم آن ها را به تباهی میکشانند.

چون معتادان اعضای جامعه بشری بوده و از حقوق و امتیازات مساوی و همسان با سایر اعضای جامعه برخوردار اند، نداشتن روان متعادل، ضعف شخصیتی، فشار های اجتماعی و انگیزه های بیرونی دیگر مانند، فقر و تنگ دستی، فشار های خانواده گی و اجتماعی، شرایط جنگ

و مهاجرت، و هم نشین های ناسالم، سنت های نا پسند، تقلید و بسیاری از موضوعات دیگر باعث اعتیاد نوجوانان و جوانان گردیده و می گردد . معتادانی که با این انگیزه ها به اعتیاد روی میاورند، افرادی میشوند که قدرت و توان مقابله را با مشکلات از دست میدهند. این معتادان جذب ماده مخدر می شوند و همواره در جستجوی لذت های آنی قرار می گیرند. لذت ماده نشه آور به اندازه ای قوی و دوست داشتنی می گردد که در زنده گی معتادان جای تمام لذت ها را میگیرد. در حالیکه معتاد نمی داند که با مراجعه به این نوع لذت، خود را از لذت های دینوی و اخروی محروم کرده است.

بناً در نظرداشت نتایج پیامد های ناگواره و تباکن مواد مخدر جامعه و دولت وظیفه دارد تا متوجه وضع بوده از تمام امکانات برای از بین بردن زمینه های اعتیاد و جلوگیری به آن دست به کار شده و دین ملی خود را ادا نمایند.

پیشنهادات

1- فراهم نمودن زمینه های مناسب برای تطبیق پروگرام مبارزه علیه مواد مخدر، مسکر و دخانیات

2- مساعد نمودن شرایط بهتر کار و محیط زیست برای افراد جامعه از طریق حفظ محیط زیست و صحت مردم.

3- آگاهی دادن در مورد عواقب وخیم و ناگوار اعتیاد به مواد مخدر، مسکر و دخانیات و ضرر های طبی، روانی و شرعی آن به زبان های مردم محل از طریق رسانه ها و روحانیون.

4- شیوه های تربیتی مناسب در خانواده ها جهت تربیه فرزندان اتخاذ نمایند تا به این وسیله جوانان با ثبات، با اعتماد و مطمین تربیت گردند و از اعتیاد به مواد مخدر دوری جویند.

منابع

۱-صدیقی، ستار الدین، مجموعه مقالات اعتیاد به مواد مخد،کابل، مطبعه صبور، چاپ اول،۱۳۹۰

۲-غروب،فضل احمد، بررسی علل اعتیادبه مواد مخدروتاثیرات آن بر

جوانان،کابل،مطبعه بهیر،چاپ اول، ۱۳۹۲

۳-رضایی، صدیقه، آسیب شناسی اجتماعی زنان افغانستان،کابل، مطبعه خراسان قدیم، چاپ دوم، ۱۳۹۵

۴- هاشمی، انوشه، اثرات روانی جنگ بر اطفال، پروژه علمی – تحقیقی ارتقا به رتبه محقق، اکادمی علوم افغانستان، ۱۳۹۴

۵- بهرامی احسان، هادی، اعتیاد و فرایند های پیشگیری، تهران، مطبعه سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۸

څېړنيار محمداسماعيل ايمل مشواڼی

د دولت د عوايدو په زياتوالي کې د ټکنالوژۍ د عامولو رول

لنډيز

د ټکنالوژۍ څخه ګټه اخيستل په اقتصادي سکتورونو او د ټولنو په نورو برخو کې د بدلون سبب کېږي، دغه بدلون کېدای شي د ځان سره مثبتې او يا منفي اغېزې ولري؛ خو هر بدلون چې د ټکنالوژۍ د پرمختګ له امله منځته راځي اغېزې يې نه يوازې د توليد په مخکنيو طريقو کې تغيير رامنځته کوي، بلکې په عين حال کې د توليد نوې لارې چارې هم په ګوته کوي. په مالي ادارو کې د ټکنالوژۍ څخه استفاده کول او هغې ته پراختيا ورکول د مالي کړنو ښه والی، د مالي کړنو د چټکوالي، د عوايدو په زياتولو او د فساد په راکمولو کې مرسته کوي. د دولت په اداري چارو کې د ټکنالوژۍ په عامولو سره کېدلې شي د دولت په عوايدو کې زياتولی راشي. په دې مقاله کې د سريزې سربېره د ټکنالوژي مفهوم، اهميت، په اقتصادي پرمختګ کې د ټکنالوژۍ رول او دا موضوع ، چې د هېواد د عايداتو سطحه څرنګه لوړه کړو، په هېواد کې په مروج مالي سيستمونو کې چې په مالي ادارو کې ترې ګټه اخيستل کېږي څرنګه ښه والی راولو څېړل شوي دي په ترڅ کې د سيګټاس، اسيکوډا او آفميس سيستمونو څخه يادونه هم شوې ده. د مقالې پر منځپانګې سربېره نتيجه اخيستنه،وړانديزونه او په ترتيب مآخذ کښل شوي دي.

سريزه

بشري پرمختګ اولاسته راوړنې د وخت په اوږدوکې د تخنيکي مهارتونو د ودې په اساس رامنځته شوې دي. که موږ لږ څه مخکې په اړوند فکر وکړو؛ نو دا به راته

جوته شي، چې د اقتصادي پرمختګ په پړاونوکې تکنالوژي څومره اهمیت او رول لوبولی دی.

د صنعتي انقلاب څخه وروسته د نړۍ په مختلفو سیمو کې اختراعات او کشفیات رامنځته شول لکه: د بخارماشین، د حمل و نقل وسایل، بحري لارې او ټرانسپورت او داسې نور... دوخت په اوږدوکې دغه اختراعاتو او کشفیاتو او ټکنالوژیکي بدلونونو زیاتوالی او سرعت وموند، چې په دې برخه کې ځینو هېوادونو زیات پرمختګ وکړو او ځینو بیا د بېلابېلو عواملو په اساس ونه شوکولای، چې خپل اقتصاد ته پراختیا یا پرمختګ ورکړي. همدا راز د شلمې پېړۍ په اوږدو کې ټکنالوژي دومره پرمختګ وکړو، چې بشر یې د ژوند یو نوي پړاو ته داخل کړو. د تخنیکي وسایلو پرمختګ په بېلابېلو ساحو کې زیات بدلون رامنځته کړو لکه: د ګړندي ټرانسپورت په رامنځته کېدو سره سوداګرۍ زیاته وده وکړه، همدارنګه د کمپیوتر، انترنټ او نورو ارتباطي وسایلو هم په دې برخه کې دومره آسانتیاوې رامنځته کړې، چې په آسانۍ سره یې تصورکول هم ګران دي.

په دې ترتیب د تخنیکي او فني ظرفیتونو په زیاتېدو سره چې تکنالوژیکي تغییرات یې اساس جوړوي د یوه هېواد د ملي اقتصاد ټولو سکتورونو ته زیاته پرمختیا ور په برخه کوي. په ځانګړې توګه په مالي سکتور کې د ټکنالوژۍ څخه ګټه اخیستنه شفافیت ته لاره هواروي او د دولت د عوایدو د زیاتېدو سبب ګرځي.

په مجموع کې تکنالوژي د اقتصادي پرمختیا په برخه کې ډېر چټک بدلون رامنځته کوي چې ویلی شو پرته د تکنالوژۍ څخه اقتصادي پرمختګ یو ناشونی کار دی.

د موضوع مبرمیت او هدف

د ټکنالوژۍ څخه په مالي چارو کې استفاده، د مالي سکتور په ځانګړې توګه په ګمرکونو، مستوفیتونو، ښاروالیو او ورته نورو مالي ادارو او وزارتونو کې د مالیې روښتیا او شفافیت د رامنځ ته کولو په خاطر استفاده صورت نیسي. زموږ هدف دلته دا دې چې څرنګه کولای شو د افغانستان په مالي سکتور کې په ځانګړې توګه په عایداتي ادارو کې د ټکنالوژۍ پر مټ شفافیت رامنځته کړو تر څو د دولت د عوایدو د زیاتوالي سبب وګرځي.

د موضوع اهمیت

د مالیاتو په اهمیت چې هر څومره خبرې وشي، کمې دي، ځکه عواید د هېواد په اقتصادي او ټولنیز پرمختګ کې ستر رول لري او د هېواد په بودجه کې د زیاتوالي لامل کېږي، چې د بودجې په زیاتوالي سره هېواد په اقتصادي توګه په پښو درېږي او دولت کولای شي د فقر او بې وزلۍ په مقابل کې مبارزه نوره هم زیاته کړي، دا چې حکومت مسؤلیت لري، د هېواد اقتصادي بنسټونه ورغوي او عامه خدمات په منظمه توګه وړاندې کړي؛ نو لازمه ده چې د مالیاتو راټولولو لپاره منظمه برنامه او مالیاتي سیستم ولري، چې پر اساس یې مالیات د قانون مطابق داسې راټول شي چې نه هم څوک د مالیاتو له ورکړې تېښته وکړي او نه هم د هېواد په وګړو ظلم او تېری وشي.

د څېړنې میتود

په دغه علمي – تحقیقي مقاله کې د کتابخانه یې میتود څخه علاوه د مالیې وزارت د موضوع اړوند اشخاصو سره د معلوماتو په راغونډولو او ترتیب کې مرکې شوي ده.

د ټکنالوژي مفهوم

د ټکنالوژي اصطلاح د یوناني کلمې Tecnalogia څخه ا خیستل شوې چې د هنر، مهارت او صنعت په مانا دی. همدارنګه ټکنالوژي د شیانو، ماشینونو، د تخنیک، صنعت او ادارو هغه طرزالعملونه دي چې مشکل حل کړي او ځانګړی کار ترسره کړي.(۱:ص. ٦١٧)

د ټکنالوژۍ اصطلاح او یا تکنالوژیکي تغییرات یو پراخه او هر اړخیز مفهوم لري. ټکنالوژي د بشر هغه پوهه ده چې په صنعت، زراعت، مالي امورو او نور اقتصادي برخو کې ترې استفاده کېږي. ټکنالوژي د بشر هغه پوهه ده، چې زیاتره په صنعتي فعالیتونو کې ورته نسبت ورکول کېږي. د ټکنالوژۍ څخه استفاده د تولید د مقدار او ډولونو په زیاتوالي او د جنسیت د ښه والي لپاره په صنعتي اقتصادکې منعکس کېږي.

د ټکنالوژي رول په اقتصادي پرمختګ کې

اقتصادي پرمختګ د هر هېواد هدف دی. اقتصادي پرمختګ په ځینو لاملونو

باندې متکي وي چې د هغې له جملې څخه ټکنالوژي یادولی شو . ټکنالوژي د یوه هېواد اقتصادی پرمختګ لوی او مهم عامل دی. ټول پرمختللي او پرمختیایي هېوادونه اوس کوښښ کوي، چې د پرمختللې ټکنالوژۍ څخه د اقتصاد په ټولو سکتورونو لکه: زراعت، صنعت، خدمتونو، ټرانسپورټ، بانکې، روغتیا، د ښوونې او داسې نورو برخو کې کار واخلي.

دا چې ټکنالوژي د اقتصادي پرمختیا لپاره یو مهم فکتورګڼل کېږي او د یوه هېواد د ملي اقتصاد په مختلفو سکتورونو کې رغنده رول لري، همدارنګه دغه سکتورونه بیا یو بل سره دوه اړخیزې اړیکې لري. هغه په دې مانا ده چې د یوه په پرمختګ سره نورو ته د پرمختګ زمینه برابرېږي او په وروسته پاتې والي سره نور سکتورونه وروسته پاتې کېږي مثلاً: د صنعت سکتور په پرمختګ سره زراعت پرمختګ کوي او حاصلات یې زیاتېږي، دغه راز زراعتي محصولات د ټرانسپورت سکتور په مرسته بازار ته انتقالېږي، چې په دې ترتیب سره د سوداګرۍ سکتور هم په حرکت راځي او دغه ټولې اغېزې د هېواد په اقتصادي وضعه اغېزه کوي؛ نو تکنالوژۍ رول په ټولو مهمو سکتورونو کې زراعت، صنعت، خدمتونو،مالي سکټورنو او ټولنیزو برخو لکه: روغتیا،ښوونې، مخابراتي کې مهم رول لري.

ټکنالوژي د چارو په ښه والې، د تولید په زیاتوالي کې، بشري پانګې د مهارت په لوړوالي، حاصلاتو او عوایدو په زیاتوالي، د عرضې په زیاتوالي او چټکوالي، د نړیوالې سوداګرۍ په پراختیا، د سرچینو په نه ضایع کېدلو، د مصارفو په کموالي، د اجناسو او خدمتونو د کیفیت په اصلاح کې او بالاخره مالي سکټور کې د شفافیت په رامنځته کولو سره د فساد مخنیوی کوي، چې د دولت د عوایدو د زیاتوالي باعث ګرځي.

د دولت د عوایدو په زیاتوالې کې د ټکنالوژۍ رول

عواید چې د هېواد د بودجې یو مهم عنصر او په سوداګریز بیلانس کې د کسر د منځه وړلو یو مهم فکتور جوړوي په اقتصادي وده کې خورا مهم رول لوبوي. د داخلي عوایدو زیاتره برخه مالیاتي او غیر مالیاتي برخه جوړوي، مالیه د الزامي ورکړې څخه عبارت ده، چې حکومت یې د عامه خدمتونو د اجرا په مقابل کې د ټولنې د پرمختګ په موخه او د دولتي مصارفو د پوره کولو په خاطر د هېواد له وګړو

څخه د قانون مطابق راټولوي.(۵) انترنیت

ملي عواید د هېواد په اقتصادي وده، د استخدام د سطحې په لوړېدو او د ښه ژوند په رامنځ ته کولو کې مثبت تاثیر لري په دې شرط چې هغه وخت په دې موخه وکارول شي.

همدارنګه عواید د حکومت د کلنۍ بودجې په ټاکلو کې مهم رول لوبوي. که چېرې د هېواد اقتصادي وده یا په بله اصطلاح ملي ناخالص تولید(GNP) زیات وي طبعاً هغه هېواد به د زیات عواید لرونکی وي.

د یوه هېواد اقتصادي ودې او پرمختګ لپاره لازمه ده، چې د هېواد اقتصادي ځواکونو د نیمګړتیاوو ارزونه په سم ډول سره وشي. که چېرې موږ عواید اقتصادي قوت وګڼو؛ نو ویلی شو چې دولت باید داسې کړنلارې او پالیسۍ په کار واچوي تر څو د داخلي تولیداتو د زیاتوالي او د عوایدو د کچې د لوړوالي په موخه وي. طبعاً زموږ اقتصادي کمزوري دا ده چې نه شو کولای په ښه توګه سره عواید راټول کړو، چې علت یې هم په عایداتي او مالي بنسټونو کې پراخ فساد دی. د ټکنالوژۍ کارول په دې برخه کې اغېزمن تمامېږي.

دا چې زموږ د هېواد اقتصادي وده ډېره ټیټه او نوساني حالت لري، یو ثابت شکل نه لري. لاندې هغه عوامل دي چې د افغانستان په اقتصادي وده یې مستقیم اثر کړی او د افغانستان د اقتصادي بې ثباتۍ لامل شوي دي.

د مسلکي بشري قوې د شتون کموالی، طبیعي زېرمو څخه نه استفاده، جنګونه، رشوت او د اداري فساد شتون، د سرمایې په جوړښت کې ستونزې، د عصري ټکنالوژۍ نه استعمال، ټولنیز او سیاسي عوامل او د قانون نه پلي کېدل هغه عوامل دي چې زموږ د هېواد د اقتصادي ودې د پاتې کېدو باعث کېږي.(۸)انترنیت

؛ خو دلته غواړم چې د ټکنالوژۍ په استعمال بحث وکړم چې زموږ اصل موضوع ده.

د ټکنالوژۍ استعمال د اقتصادي ودې د پرمختګ د مهمو عواملو څخه شمېرل کېږي. هغه هېوادونه چې د تولید لپاره له عصري او پرمختللې ټکنالوژۍ څخه کار اخلي ډېر پرمختګ کړی نظر هغه هېوادونو ته چې د عصري ټکنالوژۍ

استعمال نه لري.(۸)انترنیت، چې ښه مثال یې د هندوستان هېواد دی چې یـوازی یې د ټکنالوژۍ په برخـه کـې ۳.۷ میلیـارده ډالـره پانګونـه کـړې او د دې هېـواد پـه اقتصـادي پرمختـګ کـې یـې مهـم رول لوبـولی او اقتصـادي وده یـې خـورا زیاتـه د پرمختګ په حال کې ده.

هغه هېوادونـه چـې د عصرـي ټکنـالوژۍ پـه برخـه کـې پانګونـه کـوي ډېـر ژر پرمختګ کوي نسبت هغه هېوادونو ته چې د ټکنـالوژۍ پـه برخـه کـې لـږه پانګونـه کوي.

متاسفانه په افغانستان کې د عصري ټکنالوژۍ استعمال ښېخـي کـم او پـه دې برخه کې پانګونه کمه شوې ده. دا چې د افغانستان دولت د ملي اقتصاد د پیاوړتیـا لپاره کوښښونه پیل کړي دي باید د عصرـي ټکنـالوژۍ پـه برخـه کـې پانګونـه زیاتـه کړي، چې د عصري ټکنالوژۍ په واسطه موږ کولای شو د فني او مسلکي کارکوونکو په لږ شتون کې هم د کمو موجوده سرچینو څخه په زیاته اندازه ګټه پورته کړو.

څرنګه چې موضوع د عوایدو د زیـاتوالي لپـاره د ټکنـالوژۍ رول دی؛ نـو دلتـه غواړم هغه مهم ټکنالوژیک سیستمونه چې په دې وروستیو کې د عوایـدو د زیـاتوالي او مالي فساد د راکمولو په موخه په لاره اچول شوي دي یادونه ترې وکړم.

د مـالیې وزارت لـه فسـاد سره د مبـارزې پـه خـاطر د هڅـو ، د وړ کسـانو د استخدام او د نویو سیستمونو په لګولو سره د زیاتو عوایدو راټولـو تـه کـار کـړی دی، چې کولای شو دلته د مالیاتي سیستمونو څخه په لنډه توګه یادونه وکړو:

سیګټاس[۳](SIGTAS) یا د مالیاتو راټولولو معیاري سیستم: دغه سیستم چې مالیات په ښه، شفاف او عصري ډول راټولوي او تر ډېره حده د فساد مخه نیسي. او په مالیاتي کړنو کې چټکتیا رامنځته کوي،که په ساده الفاظو سره ووایو په ټولـه کـې دغه سیستم مالیه ورکوونکو ته اسانتیاوې برابروي.

همدارنګه د یاد سیستم په واسطه کولای شو مالیات په شفاف او معیـاري ډول کنټرول، مالیاتي قوانین په ټول هېواد کې یـو شـان پـلي او د مالیـه ورکـوونکي ټـول

[۳] -SIGTAS: سیګټاس یو ډول مالیاتي سیستم دی، چې د هغې په اساس مالیات په شفاف ډول د عصري ټکنالوژۍ څخه په استفادې راټولوي چې تر ډېره حده دغه سیستم د مالي فساد مخنیوي کوي. دغه سیستم څخه د نړۍ په زیاتو هېوادونو کې استفاده کېږي.

اسناد په دې سیستم کې خوندي کړو.

د سیګټاس سیستم د مالیه ورکوونکي ټولې ځانګړتیاوې خوندي کوي، مالیه ورکوونکي ته په اتومات ډول مالیاتي اظهارلیک استوي، مالیات سنجوي او د مالیاتي مکلفیتونو، معافیتونو او مالیاتي تعلیق هم په دې سیستم کې تنظمېږي.

د سیګټاس سیستم تر اوسه د هېواد په ١٦ ولایتونو کې بشپړ فعال شوی دی او د ١٣٩٦ ل کال تر اخره به د هېواد په ټولو ولایتونو او د کابل په اړوندو حوزو کې فعال شي، چې ورسره به د عوایدو کچه هم لوړه شي.(۴)انترنیت

د مالیې راټولونې په برخه کې که څه هم ستونزې وجود لري؛ خو بیا هم د سګټاس سیستم سره چې د عوایدو راټولولو لپاره جوړ یو سیستم دی، چې تر ډېره بریده یې دغه ستونزې راکمې کړي دي. د سګټاس سیستم ډېرې برخې لري، چې تشخصیه نمبر، مالیاتي حسابونه یعنی STO[٤] د(وړې مالیې ورکړه)، MTO[٥] متوسطې مالیې ورکړه، LTO[٦] لوړې مالیې ورکړې سیستم او د مالیې تحقق او نورې مهمې برخې لري. په تېرو کلونو کې په ولایتونو کې د سګټاس سیستم په واسطه یوازې د TIN[٧](تشخصیه نمبر اخیستل کېده او د مالیه ورکوونکي هویت به یې له ځانه سره ثبتاوه، مګر اوس د مالیه ورکولو سیستم تر ډېره په سیګټاس دی، سیګټاس سیستم د مالیه ورکوونکي مالیه د بانک آویز د نېټې په اساس محاسبه کوي او که مودې د مالیې په ورکړه کې ځنډ وکړي او یا هم مالیاتي مامورینو اشتباه کړې وي، سیستم یې په اتومات ډول دغه اشتباه نیسي او د تحقق فورمې کې درج کېږي تر څو هغه اضافي مالیه د بیا ځل لپاره تحویل کړي کومه چې د اشتباه له

---

[٤]- STO(small tax office) د وړې مالیې ورکړه په دې کې ټول هغه موسسات، تصدی او کمپنی شاملېږي کوم په کلنی توګه ۳۵۰ میلیونه افغانی څخه کم خرڅلاو لري.

[٥]- MTO(Medium tax office) یا متوسطې سطحې مالیې ورکړه: په دې کې هغه موسسات، تصدی او کمپنی شاملېږي کوم چې په کلنی توګه د ۳۵۰ میلیونو افغانیو څخه تر ۷۵۰ میلیونو افغانیو پورې خرڅلاو ولري.

[٦]- LTO(large tax office) د لویې مالیې ورکړه: په دغه سطحه کې ټول هغه موسسات، تصدی او کمپنی شاملېږي چې کلنې خرڅلاو یې ۷۵۰ میلیونو افغانیو څخه زیات وي.

[٧]- TIN(Tax identification number) د مالیه ورکوونکې د پېژندنې نمبر: د هغه نمبر څخه عبارت دی کوم چې د یو شخص مالیه او تقاعد په دغه مشخص نمبر کې جمع کېږي.

وجې پاتې وه او د تحویل څخه وروسته ورپسې مالیه صفر کېږي، چې په وروستیو کې دغه سیستم ته د مالیاتو قانون هم داخل کړی شوی او ولایات لـه مرکـز سره پـه انلاین ډول تحویـل شـوي مالیـات شریکـوي چـې دغـه کـار او د سـیګټاس سیسـتم موجودیت د داخلي عوایدو د لوړېدو سبب شوی دی.(۷) انټرنیټ.

- بل سیستم چې د عوایدو راټولولو کـې تـرې اسـتفاده کېـږي د(asycuda) اسیکوډا سیستم دی، چې په ګمرکونو کې ترې استفاده کېږي، اوس مهـال پـه ټولـو ګمرکونو کې کارول کېږي.

(asycuda) اســیکوډا سیســتم چــې د ګمرکــي چــارو اتومــات یــا کمپیـوټري سیسـتم دی، چـې ټـولې ګمرکـي چـارې د صـادراتو، وارداتـو، ګـودام کـول، د مـالونو تشرـیح، د ټرانزیټـي مـالونو کنـترول او نـورې ګمرکـي اړونـدې چـارې د دې سیسـتم پـه اسـاس صـورت نیسي. ګمرکونـه د یـوې شـبکې پـه شـکل د عصرـي ټکنـالوژۍ پـر مـټ د مرکـز سره وصـل او د مرکـز څخـه کنـترول او څارل کېږي.

د اسـیکوډا سیسـتم ګمرکـي محصـول او مالیـه پـه اتومـات ډول محاسـبه او سنجش کوي. په دغه سیستم کې د ټولو نړیوالو پېژندل شویو او منل شـویو نورمونـو څخه ګټه اخیستل کېږي. د دغه سیستم په اساس د هر ګمرک ورځنیو چارو راپور د ورځې په اخر کې د سیستم په واسطه چمتو کېږي.

د اسـیکوډا د سیسـتم پـه واسـطه ګمرکـي مالونـه د تشرـیح پړاوونـو کـې پـه اتومـات ډول پـه شـنو، اسـماني رنګـه، ژېـړو او سرو چینلونـو تـه چـې د اسـیکوډا سیسـتم کـې ورتـه ټاکـل شـوي دي ورپېژنـدل کېـږي. د دغـه سیسـتم ښـه والـی پـه دې کـې دی، چـې ګمرکـي چـارو کـې آسـانتیا، چټکتیـا او ځیرتیـا رامنځتـه کـوي، د مـلي عوایـدو د فـرار څخـه مخنیـوی کـوي، د وخـت د ضـایع کېـدو مخنیـوی او د فسـاد پـه راکمولـو او شـفافیت پـه راوسـتلو کـې ګټـور ثابـت شـوی دی، چې اغېزې یې موږ د عوایدو په زیاتوالي کې وینو.

دا چې ګمرکې خدمتونه او مالیـاتي سیسـتم د پراختیـا پـه حـال کـې دي، پـه نړدې راتلونکې کـې بـه د هېـواد پـه ګمرکونـو کـې زېربنـایي پـروژې لکـه: ډیجیـټلي

تلې(ترازوګـان)، ډیجیـټلي ځیرکـې کـامرې او پـه بـار وړونکـو مـوټرو کـې د GPS[8] سیسـتمونه فعالـه شي. د ډیجیټـل ترازوګـانو پـه واسـطه د بـار وړونکـو مـوټرو وزن معلومېږي، چې د شبکې سره د نښلېدو په اساس به په مرکز کې هـم معلـومېږي، د چارواکو په وینا چې دغه تلې (ترازوګان) به د ۰.۰۱ کیلو ګرام پـه انـدازه غلطـي هـم نه کوي. په ګمرکونو کې د سوداګریزو مالونو د تشریح پـه وخـت کـې بـه د ډیجیټـل ځیرکو کامرو په واسطه په مرکز کې لیدل کېږي، دغـه ځیرکـې کـامرې بـه د مـوټر د نمبرپلیـټ پـه تشـخیص کـې او سیسـتم تـه د نمبرپلیـټ پـه پېژنـدلو او مرکـز تـه د معلوماتو په لېږلو کې مرسته کوي، د GPS پواسطه به د مـوټر اړونـد معلومـات چـې موټر په کومـه سـاحه کـې روان دی، معلومـات بـه یـې مرکـز تـه ورکـول کېـږي، دغـه سیستم پرته د مـوټر د برېښـنا څخـه پـه اسـتفادې د ۲۴ سـاعته بـرق درلودلـو وړتیـا لري.(۱۰) انترنیت

الکترونیکي حکومتولي یا په ساده ټکو د عصري ټکنالوژۍ څخه ګټـه اخیسـته د ښې حکتومتولۍ او فساد په لمنځه وړلو کې یو پېژندل شوی نړیوال سیسـتم دی. دولت، نړیوالـه ټولنـه، د سـوداګرۍ نړیـوال سـازمان(WTO)، او د ګمرکونـو نړیـوال سازمان [9](WCO) دې ته ژمن دي چې د افغانستان مالیاتي سیستم الکترونیکي او ساده کړي.

د ګمرکي خدمتونو او مالیاتي سیستم د پراختیا په پایله کې به مـلي عوایـد پـه ښه ډول راټول، د سـوداګرۍ پـه کـره اطلاعـاتو او ټـولنې تـه د ناقانونـه توکـو د راتلـو مخنیوی به وشي او ورسره به د فساد کچه هم راټیټه شي.

د مالیاتو په راټولولو کې ستونزې

په ټولیزه توګه د افغانستان اوسني جوړ شوي مالیاتي قوانین له سـتونزو خـالي نـه دي، زیـاتره قـوانین د نـورو هېوادونـو لـه قوانیـو څخـه رااخیسـتل شـوي دي، د

[8]- GPS(Global Positioning System): د مصنوعی سټالایټونو د شبکې یوه برخه ده چې په ځمکه کې د ځاي پر ځای شوي آلې په واسطه معلومات لېږدوي.

[9]- WCO(World Customs Organization): د نادولتی مؤسسو سازمان دی . په ۱۹۵۲ کې تاسیس شوی چې په ګمرکونو کې د همغږۍ شورا (CCC) په توګه، د نړۍ د ګمرکي ادارو اغېزمنتیا او اغېزمنتوب ته وده ورکوي.

افغانستان موجوده اقتصادي حالت ته په کې پوره پاملرنه نه ده شوې، همدغه وجه ده چې زیاتره وخت د قوانینو پلي کول ستونزې راولاړوي او یا هم قانون په سمه توګه نه پلی کیږي.

له بلې خوا په افغانستان کې د زورواکۍ او د قانون ماتونې فرهنګ اوس هم شتون لري، زیاتره پانګوال او زورواکي د مالیې ورکولو څخه ډډه کوي، چې په دې توګه زموږ د عوایدو لویه برخه ضایع کېږي.

که څه هم په دې وروستیو کې د رسنیو له لوري د لوړپوړو چارواکو نومونه اعلان شول کومو، چې دولت ته د مالیې ورکولو څخه تیښته کوله؛ خو متاسفانه تراوسه دا ستونزې پرځای پاتې دي.

که څه هم اداري فساد د قوانینو د واقعي تطبیق مخه نیولې او هغسې چې پکار ده، قوانین په عمل کې نه پلي کېږي؛ خو ډېر کله د ادارو سخت او پیچلی پروسیجر خپله فساد ته زمینه برابره کړې ده او هم یې د قوانینو د پلي کولو مخه ډب کړې ده. اکثره وخت وګړي دولتي مامورینو ته د بډو ورکولو په مقابل کې کمه مالیه ورکوي او په دې توګه د عوایدو یوه برخه ضایع کېږي.

چې په ټوله کې د دغه ستونزو راکمولو ښه لاره الکترونیکي مالیه راټولونه ده، چې حکومت باید ورته جدي پاملرنه وکړي، که څه هم په وروستیو کې په مالیاتي سیستم کې د اوسني حکومت له لورې په کافي اندازه اصلاحات راغلي دي؛ خو تر ډېره د دغه اصلاحاتو موخه یوازې د عوایدو لوړول دي، نه د خلکو د ستونزو راکمول.

پایله

مالیات په ټوله نړۍ کې د دولت له لوري له هغه چا اخیستل کېږي، چې قانوني شرایط یې پوره کړي وي. د قانون له مخې هر حقیقي او حکمي شخص پر دې مکلف دی، چې مالیه ورکړي او د همدې مالیې په برکت دولت د خپل هېواد پرمختیایي کارونه پر مخ وړي، د هېواد د ودې او پراختیا لپاره ولګول شي، که څوک له مالیې ورکولو څخه انکار کوي؛ نو دولت مکلف دی چې له دغه راز کسانو څخه په زوره مالیه واخلي او خپلې خزانې ته یې وسپاري؛ نو موږ د عوایدو په ښه مدیریت کې د ټکنالوژۍ اهمیت له پامه نه شو غورځولی. د عوایدو د ښه مدیریتي سیستم په لرلو

سره دولت کولای شي، چې عوایدو په ښه شکل راټول او د عوایدو په کچه کې زیاتوالی راولي، چې دا ټول د نوې ټکنالوژۍ پر مټ ښه کیدای شي.

هر څومره چې د هېواد مالیې ورکولو سیستم ساده، پرمختللې او شفاف وي، همدارنګه د عصري ټکنالوژیکي آسانتیاوو څخه برخمن وي، په هماغه کچه د وګړو د باور وړ او د دولت د عوایدو د لوړوالي سبب کېږي. د هېواد مالیاتي سیستم د پرمختیا په لور روان دی، د مالیې وزارت له خوا په ګمرکونو کې د سیګټاس سیستم نصبول، په مستوفیتونو کې د سیګټاس سیستم فعالول او د خزاینو په برخه کې د (AFFIS) سیستم فعالول د مالي سیستم په برخه کې لویې لاسته راوړنې شمېرل کېږي.

وړاندیزونه

۱- حکومت باید د هوټلونو، پوهنتونونو، ښوونځیو، نورو ښوونېزو مرکزونو او لویو شرکتونو څخه چې خصوصي سکتور ته د عوایدو سرچینې جوړوي مالیې راټولو ته دی خاص میکانیزم او کړنلاره جوړه کړي تر څو مالیه د قانون سره سمه راټوله او د عوایدو د لوړېدو سبب شي، چې دا د عصري ټکنالوژۍ پر مټ شونې ده.

۲- په ټولو مالیاتي ادارو کې اداري کارکوونکي باید له دندې د مخه خپله پانګه او بانکي حسابونو اړوند معلومات دولت ته ورکړي او د دولت امنیتي او مالیاتي ارګانونه د هغوی په پانګې نظر وکړي.

۳- د مالیاتي ادارو ترمنځ باید د مالیې راټولو په اړه جدي همغږي موجوده وي، دولت دغه همغږي د اوسنۍ عصري ټکنالوژۍ څخه په استفادې رامنځته کولای شي.

۴- د مالیې، ګمرکاتو، مستوفیتونو او ښاروالیو ټول سیستم باید کمپیوټري شي تر څو په کې د انساني ولکې امکان کم شي.

۵- په لویو لارو کې د حق العبور سیستمونه هم باید کمپیوټري شي، تر څو عواید په شفافه توګه د دولت خزانې ته لاړ شي، همدارنګه لویو تم ځایونو کې دولت باید خپل منشیان مقرر کړي او د معلومې تنخوا په مقابل کې یې په دنده وګماري تر څو د دغه تم ځایونو عاید د شخصي جیبونو پر ځای دولت ته لاړ شي.

مآخذ

۱ - عمید،حسن،فرهنگ عمید، چاپ هفتم،جلد اول، انتشارات امیر کبیر، ایران: صفه ٦١٧، ١٣٨١.

۲ - Miyahira, Hilton,Impact of information technology on revenue management, the George Washington university, published: Fall,2008

۳/http://www.afghanzariza.com/dari/article/ - د-افغانستان-په-صادراتو-کې-٪-۲،۴۹-زیاتوالی-راغلی

۴/http://www.khaama.com/pashto/archives/ - کندهار کې SIGTAS یا د مالیاتو د راټولولو معیاري سیستم فعاله شوی

۵ http://tatobaynews.com/ -سړ-کال-داخلي-عواید-څرنګه-لوړ-شول؟-نقیب

٦ - http://www.bbc.com/pashto/afghanistan/2015/12/151226_hh-afg-income-increased

۷/http://yaraan.com/2016/ -په-افغانستان-کې-د-مالیاتو-سیستم/

۸-https://lomritob.com// هغه-عوامل-چه-د-افغانستان-داقتصادي-ودي-د

۹- ها شمي، د کندهار ګمرک په عصری ټکنالوژی سمبال دی، ټاټوبی اونیزه،اتم کال ګڼه، شمیره۳۱۷، یکشنبه ۱۳۹۴ د ثور ۲۷مه

10- د معلوماتي ټکنالوژي ریاست (رییس) سره مرکه، د افغانستان مالیې وزارت، سرطان میاشت،١٣٩٦.

سرمحقق دکتور محمد شریف ځدران

د ((اوضاع سیاسی، اجتماعی و جغرافیای تاریخی قندهار (بعداز اسلام تا پایان عصر صفوی)) کتاب پر لومړي ټوک کره کتنه

لنډیز

نوموړې مقاله د ښاغلي فاروق انصاري د کتاب، اوضاع سیاسي، اجتماعي وجغرافیای تاریخ (بعد از اسلام تاپایان عصر صفوی) کره کتنې او نقد ته ځانګړې شوې ده. د لیکوال دغه نظریې چې پښتانه په پنځلسمه میلادي پېړۍ کې له ختیځ نه کندهار ته را مهاجر شول او دا د دغو پښتني قومونو لومړنی مهاجرت و چې کندهار او د هغه اړوندې شتمنې ځمکې یې تصاحب کړې؛ په غور کې د پښتنو حضور پرته له ((پټې خزانې)) نور تاریخي آثار نه تاییدوي؛ د محمد هوتک اثر ((پټه خزانه)) یو جعلي اثر دی؛ د دې مقالې د څېړنې موضوع جوړ وي. په مقاله کې ښاغلي انصاري نظریې د علمي څېړنو د اصولو او د معتبرو تاریخي منابعو پر بنسټ نه یوازې نقد او رد شوي دي، بلکې د کتاب د لیکوال او د نورو هېوادونو لپاره د دغو نظریاتو د اصلاح په اړه مستند، معتبر، علمي او تاریخي آثار په ګوته شوي او د دوی په واک کې ورکول کېږي چې ګټه ترې واخلي.

غوره اصطلاحات

کندهار، اوضاع، سیاسي، اجتماعي، پښتانه، مهاجرت، غور، افغانستان، کوچ، عصر، صفوي، ویدي، اوستا، سجستان، سجزي، سکزي، پټه خزانه، افغان، اوغان.

سریزه

ښاغلی انصاري په ۱۳۴۳ لمریز کال د کندهار په ښار کې دنیا تـه راغلـی او د کندهار په نعمتونو لوی شوی او له ثانوي زده کړو وروسته د لوړو زده کړو لپـاره ایـران ته تللی او د ماسټرۍ او دکتورا لوړ تحصیلات د ایران په پوهنتون کـې سرتـه رسـولي دي.

انصاري خپل کتاب اوضاع سـیاسي، اجتماعـي وجغرافیـای تـاریخي کنـدهار (بعد از اسلام تا پایـان عصرـ صـفوي) د ایـراني اسـتادانو (داکـتر احسـان اشراقـي او داکتر غلام حسین زرگري نژاد) تر لارښوونې لاندې کښـلی او پـه ۱۳۸۰ لمریـز کـال یې د قم په مجلسي مطبعه کې چاپ کړی دی.

نوموړی کتاب په څلور برخو او ۱۲ فصلونو کـې ترتیـب او تنظیم شـوی دی. د کتـاب پـه لـومړۍ برخـه کـې درې فصـلونه شـامل دي او پـه ترتیـب سره د کنـدهار پخواني نومونـه او دتسـمیې وجـه، تـاریخي لارې، پـه خراسـان او هندوسـتان کـې د کندهار په نامه سیمې معرفي شوي دي. د کندهار په اړه د مسلمانو او غیر مسـلمانو سیلانیانو، گزارشونه، طبیعي جغرافیوي، انساني او اقتصادي معلومات وړاندې شوي دي.

د کتاب په دوهمه برخه کې دکندهار تاریخي جغرافیه او د تاریخ په اوږدو کـې دلته د بېلابېلو انساني ډلو ژوند او ژواک په اړه معلومات وړاندې شوي دي.

د کتـاب پـه دریمـه برخـه کـې د اسـلام تـر راتـگ پـورې د کنـدهار سـیاسي او اجتماعي اوضاع او بېلابېل دینونه تر بحث لاندې راغلي دي. د دې برخـې پـه دریـم فصل کې د اسلام له راتگ وروسته د کندهار سیاسي وضعه او د اسلامي لښـکرو پـه وړاندې د افغانستان د محلي حکومتونو مقاومت، د اسلام په لاره کې د یعقـوب لیـث صفاري هڅې او د همدې دورې سیاسي او اجتماعي اوضاع څېړل شوې ده.

وروستۍ څلورمه برخه له دریوو فصلونو تر تیب شوې، چې په لومړي فصل کـې یې ((مساله قندهار در عصر صفویه)) تر بحث لاندې راغلې. پـه دویـم فصـل کـې د اجتماعي اوضاع بېلابېلـو اړخونـو تـه پاملرنـه شـوې او د افغانسـتان اداري، عمـراني، قومي جوړښت، د پښـتو او دري ادب وضـعه څېـړل شـوې ده. د وروسـتۍ برخـې پـه وروستي فصل کې د لیکنې پایلې وړاندې شوې دي. دغه راز دکتاب په ضمیمه کـې

لرغوني ځایونه او آثار معرفي شوي دي.

د کتاب په لیکنه کې له (۸۷) تاریخي آثارو او له یو شمېر مقالو څخه ګټه اخیستل شوې ده، خو په ځینو تاریخي او ملي مسئلو کې پر هغو لیکنو او رسالو حواله ورکړل شوې چې په لومړي او دوهم لاس منابعو کې نه راځي او د کتاب د ښېګڼو تر څنګ یې نیمګړتیاوې او تېروتنې هم رامنځ ته کړې دي. بې له شکه د کتاب ښېګڼې د درنښت وړ دي، خو تاریخي او علمي تېروتنې غور، کره کتنې او اصلاح ته اړتیا لري چې زه یې په دغه مقاله کې د خپل وس په کچه د مستند و، معتبرو علمي او تاریخي منابعو پر بنسټ څېړم.

مبرمیت

تر هر څه مخکې هر هېواد پال او افغان لیکوال دنده لري، چې د هېواد له تاریخ، ملي ارزشونو او تاریخي حقایقو څخه ساتنه او دفاع وکړي. د دې ملي او تاریخي دندې په پام کې نیولو سره کله چې ما د ښاغلي انصاري کتاب په غور ولوست، نو په کتاب کې یو شمېر نظریې وړاندې شوې وې چې د هېواد له تاریخي حقایقو سره یې ډډه نه لګوله؛ کره کتنې او اصلاح ته یې لویه اړتیا ولیدل شوه، د همدې اړتیا له مخې حاضره مقاله وکښل شوه.

هدف

بې له شکه د مقالې د لیکنې هدف د افغانانو له تاریخ، ملي ارزشونو او تاریخي حقایقو څخه علمي، اصولي او پرحقه دفاع کول دي، هېڅا ته باید اجازه ورنه کړل شي، چې په خپلو غیر مستندو نظریو سره د افغانانو ملي تاریخ تحریف کړي. په مقاله کې دغه هدف تر لاسه شوی او د ښاغلي انصاري د کتاب غیر مستندې نظریې په ګوته شوي او د اصلاح لپاره یې لسګونه مستند او معتبر تاریخي آثار ور په ګوته شوي دي.

د څېړنې میتود

دمقالې په لیکنه کې له علمي تاریخي، نقادانه او تحلیلي میتود څخه ګټه اخیستل شوې ده. دغه راز ټول اکاډمیک اصول د مقالې په لیکنه کې رعایت شوي دي. د دې لیکنې او څېړنې اهمیت هم په دې کې دي چې د علمي او تاریخي معتبرو او مستندو آثارو پر بنسټ ثابته شوه، چې پښتانه په پنځلسمه پېړۍ کې نه،

بلکې له میلاد څخه پخوا کندهار او غور ته ورغلي او هلته تر اوسه مېشت دي.

د کتاب کره کتنه

لیکوال د کتاب د سر په خبرو کې کندهار داسې راپېژني: ((قندهار که اینک استانی در جنوب غربی افغانستان است، در گذشته تاریخی خویش، حدود قلمروش در غرب تا سبزوار (شین دند) در نزدیکی هرات، در شرق تا حوالی غزنه، در شمال تا هزاره جات در مرکز افغانستان و در جنوب تا پشین در بلوچستان پاکستان می رسید....(۱: ۱۱ مخ) باید ووایم، چې استان یوه ایرانۍ اصطلاح ده. په داسې حال کې چې موږ د استان لپاره د ولایت اصطلاح او نوم کاروو او په افغانستان کې د څو پېړیو راهیسې دولتي او رسمي نوم دی چې د افغانستان په اداري ویش کې رسمیت لري.

ښاغلی انصاري د صدیق فرهنگ د کتاب ((افغانستان در پنج قرن اخیر)) په حواله لیکي، چې پښتانه قبایل په پنځلسمه میلادي پېړۍ کې له ختیځ څخه کندهار ته را مهاجر شول او دغه سیمې یې ونیولې او ددې غیر مستندې نظریې په ملاتړ او تایید کې خپل نظر پرته له کومو تاریخي اسنادو داسې وړاندې کوي: ((بنا بر این هجوم مغولان گرچه عده ای را به کام مرگ و نیستی فرو برد و آبادی هایی را ویران کرد ولی زمینة خوبی به پشتون ها داد تا بر ویرانی های مذکور بنیان زندگی جدید را استوار سازند و سرزمین های پر ثروت و از جمله قندهار پر نعمت را تصاحب کنند.)) (۱:صص. ۵۵- ۵٦)

حتی د پښتنو دغه مهاجرت د افغانستان جنوب او جنوب لویدیځ ته لومړنی کوچ او مهاجرت ګڼي او لیکي: ((کوچ اولیة این اقوام به سوی جنوب و جنوب غربی افغانستان فعلی به شملو قندهار، گمان می رود بی ارتباط به هجوم مغول و لشکرکشی های تیمورنباشد.)) (۱:ص. ۵۵)

دښاغلی انصاري په ځواب کې باید ولیکم، چې ((افغانستان در پنج قرن اخیر)) په لومړي لاس منابعو کې نه راځي او د هغه په حواله د ده لیکنه له واقعیت سره هېڅ ډډه نه لګوي او دوهم دا چې په دې هېڅ شک نه شته، چې پښتنو به د تاریخ په اوږدوکې لوی او کوچني مهاجرتونه کړي نه وي، خو د پښتنو کوم مهاجرت چې دی یې پخپله لیکنه کې بیانوي، دا لومړنی مهاجرت نه و چې پښتنو کندهار او

یا د افغانستان جنوب او جنوب لویدیځ د هغه په ترڅ کې تصاحب کړ، بلکې پښتنو چې پخپله هم آریایان وو د بلخ نه د آریایانو د لېږد په بهیر کې غور، هرات، سیستان، هلمند، کندهار، کابل او ترگندهارا پورې سیمې ونیولې او په دغه لویه پراخه سیمه کې مېشت شول او تر اوسه هم مېشت دي.

کهزاد د ویدي سرودونو پر بنسټ لیکي، چې د ۲۰۰۰ او ۱۹۰۰ق.م. په شاوخوا کې له باخترنه د آریایانو مهاجرت پیل شو او د لسوقبیلو په اتحادیه کې د پکتیانو قبیله هم د هندوکش جنوب ته راغله او د آریانا په جنوب ختیځو سیمو او د غرو په لمنو کې مېشت شوه او دغه ځای یې د پکتیانو د استوگنځی په نامه مشهور کړ او له دغو سرودونو ښکاري، چې د پکتیانو قبیلې په ویدي زمانه کې دهندوکش په جنوب کې ځان ته پاچا او اداري نظام درلود. (۲:صص. ۱۰۹، ۱۱٦)

دغه راز د تاریخ پلار هیرودوت له میلاد نه څلور پېړۍ مخکې د (پکتي) یا (پکتیس) یا (پکتویس) قوم او د دوي وطن او استوگنځی (پکتیکا) یا (پکتیا) دواړه یاد کړي دي. بطلیموس د اراکوزیا (د ارغنداب حوزې) په تعریف کې وایي: اراکوزیا له پارو پامیزاد یعنې له هغې خطې نه چې په جنوب کې یې باید پکتین او د پکتیانو وطن وپلټل شي یو داسې غر جدا کوي چې پرسوتس نومېږي. دغه راز بطلیموس په خپلو جغرافیوي تقسیماتو کې د (پکتیا- پښتیخا) نوم نه یادوي، خو هغه یې د اراکوزیا په ولایت کې راوستې ده او د آریانا په دغه ولایت کې د غزني نننۍ سیمه او د سلیمان د غره سلسله تر اندوس پورې په کې شامله وه. هغه پکتیکا او پښتیخا چې هیرودوت یې یا دونه کوي، په جغرافیوي لحاظ کټ مټ د نننۍ ((پښتونخوا)) ځمکه په کې راځي او په دغه سیمه کې د سلیمان غره او د اویستا سپیتاگوناگیري یعنې د نننې سپین غره ښاخونه غځېدلي دي او ددغو غرونو له جاري اوبو څخه اوبه کیږي. (۲:صص. ۱۱۱- ۱۱۳)

جلالی لیکي، چې د ویدا له سرودونو ښکاري چې آریایي قبایل له هندوکش نه جنوب ته واوښتل، لومړی د کوهدامن او کاپیسا په حوزه کې مېشت شول او بیا ختیځو، جنوب او جنوب لویدیځو سیمو ته ولېږدیدل. دغه راز د اوستا متن په ډاگه کوي، چې آریایي مهاجرین له بلخ نه میمنې، مرغاب او د هریرود وادي ته او د هندوکش له لارې کابل او غزني ته او له دغو لارو ارغنداب ته ورسیدل.(۳:صص.

۳۸- ۳۹)

د اوستا په (١٦) ولایتو کې یو هم د ((اوروه)) ولایت شامل و. د وخت په تېریدو له ((اوروه)) څخه د ((روه)) او ((روهي)) کلمې راوتلي او د پښتنو د نورو نومونو (سلماني، پټان، سهاک، اوغان، افغان) ترڅنګ د روهي یادونه هم شوې ده. په ((داودي تاریخ)) کې د ((روه)) تعریف په دې ډول راغلی دی: ((د روه د سیمې پلنوالی او اوږدوالی د باجوړ او سوات نه نیولې تر سیوی پورې، چې د بهکر له توابعونه دی او د حسن ابدال نه تر کابل او کندهار پورې غځېدلی دی او هر څومره سیمې چې په دغه منځ کې موقعیت لري هغه د روه په نامه یادیږي)) (۴:ص. ۱۷۷)

توروایانا لیکي: چې پښتانه د آریایي قبایلو یو له مهمو ښاخونو څخه دی او په لرغونو زمانو کې د نورو آریایي قبایلو سره یو ځای افغانستان ته راغلل او په پخوانۍ آریانا کې له نورو ورونو سره یو ځای اوسیدل. له دغو خلکو څخه یو شمېرې د هرات، غزني، بلخ او بامیانو ترمنځ اوسیدل، ګویا دغه خلک د هغو طایفو مرکزي هسته وه چې ختیځ ښاخونه یې په پکتیا، جنوبي ښاخونه یې په اراکوزیا، شمالي ښاخونه یې په بخدي، لویدیځ ښاخونه یې په پارتیا کې اوسیدل.(۵:ص. ۲۳٦)

د کوشانیانو دواکمنۍ مؤسس کوزولو یا کدفیزس دځلوېښتمو میلادي کلونو په حدودو کې پارتیا (خراسان)، کابل او کاپیسا فتح کړل او د غزني په شاوخوا کې یې د پوتا (PAUTA) خلک هم تسلیم کړل، چې د فرانسوي پوهاند واله دوپوسن په قول، همدغه خلک پښتانه وو. (٦:ص. ٦٣)

روسي مؤرخ واسیلي ولادیمیرویچ بارتولد نه یوازې پښتانه د هلمند او هند ترمنځ په پراخه سیمه کې له میلاد نه پخوا مېشت او اریایي نژاده ګڼي او زیاتوي چې افغانان ځان ته پختون یا پښتون، چې د جمعې حالت یې پختانا یا پښتانه دي، وایي. (۷: ۱۳۰- ۱۳۱ مخونه) بارتولد وړاندې زیاتوي، چې د سجستان کلمه په اصلي توګه د سکستان له کلمې یعنې د ساکو د هېواد څخه اخیستل شوې ده او ایزیدور خاراکسي یې ساکاستانه لیکي. دغه ولایت د درنګیانا او اراکوزیا ترمنځ راښیي او د هخامنشیانو پرمهال دغه کلمه موجوده وه او په منځنیو پېړیو کې د سکزي کلمه هم لیدل کیږي. (۷:ص. ۱۲۰)

علامه رشاد د تحفة الکرام اثر په حواله لیکي، چې سیستان تـه سجسـتان هـم وايي او سجستان بن فارس آباد کړی دی. د زابلستان او د نیمـروز ښـار پـه نامـه هـم شهرت لري او د دغه ځای اوسیدونکي د سـګزیو پـه نامـه شـهرت لـري، عربـو معـرب کړی، سجزی ورته وايي. (۸:ص. ۳۷) د سیفي هروي په قـول، ملـک شـمس الـدین کرت په ٦٥٦ هـ . ق. کې د سجستان د ښار د سـجزیانو د مشرـ ملـک عـلي مسـعود سر غوڅ کړ او له کلاله کړکۍ یې لاندې را واچوه، کله چې سجزیانو د خپل مشر سر ولید، نو یې چیغې کړې او په سجزۍ ژبه یې وویل: ای وای دا زمـوږ د ((نیـاکو)) سر دی. ملک شمس الدین کـرت پـر سـجزیانو د وسـلو ګرځـول بنـد کـړل. (١٦:صـص. ۲۴۰- ۲۴۴) د سیفي هروي له سجزۍ ژبې او د (نیاکو) له کلمې څخـه هـدف څـه دی؟

ځواب روښانه دی او هغه دا چې سجزي او یا ساکزي پښتانه وو او اوس هـم پـه پښتو ژبـه خـبرې کـوي، پـس ویلـی شـو چـې هغـه مهـال سـجزۍ ژبـه پښـتو وه او د (نیاکو) کلمه هم له نیکه څخه اخیستل شوې ده.

باسـورث لـیکلي، چـې د سـلطان محمـد غزنـوي او مسـعود غزنـوي د واکمنـۍ پرمهال په سیستان کې د د غزنویانو والي ابوالفضل نصر بن احمد او د نورو نیـوالکرو په وړاندې د ساکزیو پاڅون او مقاومت ډېر لوړ او ګټور رول ولوباوه.(۹:ص. ۳۹)

پوهاند میر حسین شاه لیکي، چې د امیر تاج الدین په مشرۍ د سیسـتان پـه ارګ کې افغان لښکرو، چې غوري، تولکي، سکزي او ترک پـه کـې وو، د چنګیزخـان د زوی اوکتای په وړاندې (۱۹) میاشتې مقاومـت وکـړ. (۱۰: ۵۲- ۵۳ مخونـه) دغـه راز ګوتشمید لیکي، چې د ۱۲۳ قبل المیلاد کال په شاوخوا کـې اشـکاني پاچـا لـه سکزیانو سره څو ځلې جګړې وکړې. (۱۱:ص. ۱۳۸) د سیسـتان سـاکانو او سـکزیو په اړه پورته څرګندونې پردې دلالت کوي، چـې سـکزي او سـهاک د پښـتنو لرغـونی ښاخ دی چې په سیستان کې اوسیدل او د پردیو په وړانـدې یـې لـه خپـل وطـن نـه دفاع کړې ده.

پښتانه د مغولـو دیرغـل پرمهـال هـم د کابـل، غـور، سیسـتان او د سـند سـیند ترمنځ مېشت وو او محـلي حکومتونـه یـې درلـودل، چـې د تـاریخي معتـبرو آثـارو پـر بنسټ به وڅېړل شي. خو زه تر ټولو مخکې د مغولو په لښکرو کې د پښـتنو د برخـې

اخیستنې موضوع دلته روښانه کوم. چنګیزخان د خپل لوی ځواک او وحشت سره سره د پښتنو ملاتړ او مرسته جلب کړې وه او په دې اړه د مغولو د دربار منشي او وزیر جویني لیکي، چې د مروې د بیانیولو لپاره د قوتوقو نوین په لښکرو کې د غزني غلجیان او افغانیان د حشر په توګه بیول شوي وو. (۱۲: ۱۳۲ مخ) روسي پوهاند بارتولد ورته نظر لري. (۱۳:ص. ۹۳۲)

اسفزاري هم د مغولو په لښکرو کې د پښتنو شته والی تاییدوي او لیکي چې چنګیزخان ته د هراتیانو د پاڅون په اړه خبر ورسید چې ملک ابوبکر او منکتای یې وژلي او یاغي شوي دي، نو زیات په تعجب کې شو او ویې ویل: مړي څرنګه ژوندي شول؟ هماغه و چې د دوی دځپلو لپاره یې د ایلچیکدای نوین په مشرۍ اتیازره سپاره مغول جنګیالي او پنځوس زره نور سپاره او پلي خراساني او افغان جنګیالي هرات ته واستول او شپږ میاشتې او (۱۷) ورځې یې هرات کلابند وساته تر څو یې فتح کړ. (۱۴:ص. ۳۲۰)

د فردوسي په شاهنامه کې (د لیکلو وخت یې شپږمه هجري قمري پېړۍ) هم د (افغانانو -پښتنو) د مشرکک کهزاد افغان او د هغه د وراره بهزاد افغان د سیاسي حکمرانۍ په اړه بیان راغلی چې له زابل څخه د دریوو ورځو مزل په واټن یو لوړ غر و او په دغه غره کې د مرباد په نامه یوه کلا وه چې یو توریالی او جنګیالی سپین ږیری افغان د کک کهزاد په نامه له زرګونو افغانانو، لاچین او بلوڅو جنګیالیو سره اوسېده او د هغوی مشري یې پرغاړه وه. حتی د سیستان له پهلوان او د رستم له پلار زال څخه یې باج او خراج اخیست. دغه کلا اوس د فراه په ولایت کې دده په نامه شهرت لري. پښتانه دغه وخت د کندهار په شمول په یوه پراخه سیمه کې اوسیدل، دواک او شهرت څښتنان وو، نو ځکه فردوسي د دوی وطن د (مرز افغان) په نامه یادوي. (۱۵:صص. ۲۸۹- ۲۹۱، ۳۰۲- ۳۰۳)

دغه راز د غزنویانو د وخت نورو شاعرانو او پوهانو، لکه مسعود سعد سلمان د پښتنو هېواد د ((کشور افغان)) په نامه، محمد بن محمود بن احمد طوسي د ((حد افغانیان)) او البیروني د ((جبال الافغانیه)) په نامه یاد کړی دی.

سلطان محمد خوارزمشاه چې په منځنۍ آسیا، افغانستان او تر ایران پورې یې لویه امپراتوري جوړه کړې وه، په ۱۲۲۰م. کې یې د چنګیزخان د یرغل پرمهال د

سمرقند له ښار څخه د دفاع په موخه د غوریانو، غلجیو، ترکانو، تاجیکو او قرل غانو له قومي جنګیالیو یو لوی لښکر جوړ کړ او د سمرقند دفاع ته یې واستاوه، خو ماته یې په نصیب شوه او د افغانستان له لارې فارس ته وتښتید. (۱۳: ۸۵۷ مخ) جویني هم د خوارزمشاهانو په لښکرو کې د پښتنو موجودیت تاییدوي (۱۲:صص. ۱۹۵-۱۹٦)

((تاریخ نامة هرات)) چې د ۱۳۱۸- ۱۳۲۱م. کلونو په موده کې د سیفي هروي له خوا کښل شوي، د مغولو د دورې یو مستند او تاریخي اثر دی. په دغه اثر کې (۴٦) ځلې د افغانستان، (۲) ځلې د اوغانستان او (۱۳) ځلې د افغان، اوغان، افغاني، اوغاني او افغانیانو ذکر راغلی دی. معنی دا چې پښتانه او د دوی وطن دغه مهال زیات شهرت ګټلی و، د سیاسي پېښو په مرکز کې واقع وو، نو ځکه د سیفي هروي پاملرنه یې ځانته اړولې وه. سیفي هروي د کندهار او د هغه په شاوخوا کې د پښتنو د محلي خپلواکو حکومتونو او د پښتنو د موجودیت یادونه کوي: د بېلګې په توګه د مغولو د یرغل د واکمنۍ پرمهال ملک شاهنشاه د مستونګ حکمران، المار افغان د تېري (ترین کوټ) حکمران، شعیب افغان په قوم سوری د کهیراکلا حکمران، سندان افغان د دوکۍ کلا حکمران او د ساجي او بکرکلاوو افغان مشرانو مغولو ته غاړه نه ایښوده. (۱٦:صص. ۱۹۸، ۲۰۱- ۲۲۷)

سیفي هروي لیکي، چې ملک شمس الدین کرت په ٦۵۳ هـ. ق. کې د چنګیزي منوکوخان د مشاور (جاهو) په مرسته د تیرې کلا (اوسنی ترین کوټ چې ۴۰ میله لرې د کندهار په شمال کې موقعیت لري او هغه مهال د کندهار یوه برخه وه) د نومیالي واکمن، المار افغان پر ضد لښکر کشي پیل کړه او د ده د تسلیمیدو غوښتنه یې وکړه، خو د المار افغان ځواب دا و: ((که زما ټول خپلوان او عزیزان دملک شمس الدین خدمت او مالیه ومني، خو زه المار به یې تر مړینې ونه منم. زما پلرونو او نیکونو د هېڅ سلطان په وخت کې د مغولو خدمت نه دی منلی او نه یې د کفارو ملایې ته تن ورکړی دی. څو واره مغول طاهر بهادر او سالی نوین راغلل، خو له خپلو سترو لښکرو سره پښېمانه او مړه مړه څټونه بېرته ولاړل)).(۱٦:ص. ۲۰۵)

که څه هم توریالی پښتون المار د ملک شمس الدین کرت او د مغولو د پوځونو په وړاندې ۵۹ ورځې کلک مقاومت وکړ، خو په پای کې دغه نومایالی د

دښمن په لاس دوه ټوټې شو او د ده د افسرانو او سرتېرو څخه سترګې وایستل شوې، لاسونه، پښې، غوږونه او پوزې یې لنډې شوې خو تر پایه په بې غیرتۍ سره تسلیم نه شول او په لوی کندهار کې یې د ویاړونو تاریخ پرېښود.

زمچي اسفزاري هم د تېرې کلا ډېره کلکه او د پښتنو په لاس کې ګڼي. (۱۷:صص. ۴۰۹- ۴۱۰ مخونه) دغه راز علي بن حامد بن ابي بکر الکوفي په خپل اثر (فتحنامه سندالمعروف به چچنامه (٦١٣ هـ . ق.) کې د افغانستان او قندهار ذکر کوي او دلته افغانان (پښتانه) مېشت ګڼي. (۱۸:ص. ۲۵۸) درویزه لیکي، چې د سلطان محمود غزنوي پرمهال (۹۹۷- ۱۰۳۰م.) په کندهار کې پښتانه اوسیدل. (۱۹:ص. ٨٦) له پورته څرګندونو په ډاګه ښکاري، چې کندهار د پښتنو لرغونی ټاټوبی دی او د کندهار اوسیدونکی ښاغلی ډاکتر انصاري باید دا واقعیت ومني.

سیفي هروي زیاتوي، چې د هرات محلي واکمن ملک شمس الدین کرت په ٦٤٨هجري کې له هرات نه د مستونګ د نیول په نیت روانیږي، په لاره کې له سیستان، فراه، اسفزار او غور نه د نورو جنګیالیو تر څنګ ډېر پښتانه جنګیالي راټولوي او کله چې تکناباد ته رسیږي، هلته یې په لښکرو کې د پښتنو شمېر دومره زیاتیږي چې ملک شمس الدین کرت د دوی لپاره د ((افغانستان)) یو لوی مشر- ملک تاج الدین د قوماندان په توګه ټاکي. (١٦:ص. ۲۰۱) تکناباد هغه مهال د کندهار په لویدیځ کې موقعیت درلود.

سیفي هروي تاییدوي چې پښتنو لښکرې درلودې او لیکي چې په تکناباد کې د ملک شمس الدین کرت پوځي اډې ته یو ماشوم داباجي په نامه ورننوتلی و او کله چې ونیول شو، له هغه یې و پوښتل، ولې بې اجازې را ننوتی یې اباجي وویل: ما لاره ورکه کړې وه او فکر مې کاوه چې دا د افغانانو لښکر دی. (١٦:صص. ۱۹۲- ۱۹۴) دا نظر پردې دلالت کوي، چې پښتنو خپلې لښکرې درلودې.

په روضات الجنات کې (۸۹۷- ۸۹۹ هجري) راغلي چې د کندهار اوسیدونکي افغانان دي. (۱۷:صص. ۱۱۲، ۳۴۱) دغه راز عبدالرزاق سمرقندي په خپل اثر (مطلع السعدین کې (۸۷۲- ۸۷۵ هجري) د کندهار په ولایت کې پښتانه خپاره ګڼي او لیکي: ((خبر راغی چې د قندهاري ملک سیفل زوی ملک محمد ... یو بل سره جګړې کوي... او یو شمېر افغانانو غلو په ګرمسیر او د قندهار په شاوخوا کې

ان د سند د سیند ترغاړې پورې خلک په فغان راوستي دي. سمرقندی زیاتوي، څرنګه چې د ګرمسیر ولایت ډیر آباد و، پادشاه حکم وکړ چې باید افغانان منظمه مالیه ورکړي، که نه وي نو هر کال به زر مېړونه یرغل پرې کوي. افغانانو د څه تخفیف غوښتنه وکړه، مګر ونه منل شوه او داسې فیصله وشوه چې باید هر کال د خراج په ډول مالیه ورکړي)). (۲۰:صص. ۲۴۱، ۳۵٦)

حافظ ابرود شاهرخ د دربار لیکوال په کندهار او ګرمسیر کې د اوغانانو (پښتنو) د اوسیدو او د هغوی د لښکرو تایید کوي. (۲۱:صص. ۲٦٦- ۲٦۷) دغه راز حافظ ابرو په خپل یوه بل اثر (جغرافیایي حافظ ابرو (۸۳۳ هـ.) کې ورته نظر لري. (۲۲:صص. ۱۷۵- ۱۷٦)

حافظ رحمت خان په خپل اثر ((خلاصة الانساب)) کې چې په ۱۱۸۴ هجري کال یې لیکي چې سلطان محمود غزنوي څو وارې د سند او هند د فتحې لپاره راغی، خو بې سوده او بې فتحې بېرته ولاړ. په پای کې یې د غزني او کندهار د افغانانو لمن ونیوله. وایي چې ددغو سیمو د افغانانو دولس زره سپاره او دولس زره پیاده ورسره ملګري شول او هندوستان یې تر دکنه پورې ونیو. (۲۳:ص. ۱۳۱) آخوند درویزه بیا لیکي چې سلطان محمود د کندهار افغانانو ته ورغی او مرسته یې ترې وغوښته. څوارلس زره افغاني مېړونه ور سره ملګري شول او هندیې ونیو. افغانان ځینې په هندوستان کې پاتې شول او نوریې بېرته کندهار ته ولاړل. (۲۳:ص. ۱۳۳)

د هېواد نومیالی مؤرخ کهزاد لیکي چې الکوزیان د ارغنداب پر غاړه اوسېږي. ارغنداب په ویدي سرودونو کې د ((سراسوتي))، په اوستا کې د ((هاراوي تي)، په یو ناني کې د ((اراکوزیا)) په نامه او عربو ((الرخج)) کړی دی.(۲۴: ۷۱- ۷۲ مخونه) پروفیسور یوزف لیکي، چې حجاج د سیستان، بست او رخج حکومت عبدالرحمن بن محمد ته ورکړ او د ترکو، غوز او خلجیو (غلجي) له طوایفو سره وجنګید. او د ابن اثیر په قول، د غلجیو دنامه ذکر د لومړي ځل لپاره د یعقوب لیث صفاري د لښکرکشۍ پر مهال په رخج او زابل کې شوی دی. د دوی اخلاف نن په کلات او ترنک کې د غلجیو په نامه اوسیږي. (۲۵:صص. ۱۵۹- ۱٦۱)

دغه راز توروایانا لیکي، چې د سکندر د یرغل پر مهال د اراکوزیا اوسیدونکي

له آریایانو څخه وو او ځانونه یې پښتانه ګڼل. هیرودوت د سکندر له یرغل څخه پخوا هغوی د پکتویس او پختویس په نامه راپېژني. (۵:ص. ۵۷)

بابا هوتک (٦٦١- ۷۴۰ هجری) او د هغه زوی ملکیار هوتک د کلات محلي مشران او حکمرانان وو او د مغولو پر ضد یې د ملي جهاد رهبري پرغاړه درلوده. (٦: ۱۰۱ مخ) په تواریخ خورشید جهان کې راغلي، چې یوسفزي، مومند او خلیل په ۱۲- ۱۴ میلادي پېړیو کې د کندهار د ترنک او ارغستان د سیندونو ترمنځ سیمو کې اوسیدل، په کرنه او مالداری بوخت وو، وروسته یې د ځمکو پر سر له نورو قومونو سره لانجې راغلې، غزني او کابل ته وکوچیدل. (۲٦:صص. ۲٦- ۲۷) الفنستن ورته نظر لري، خو وایي، چې د دوی اصلي وطن د کندهار د ګارا او نوشکي سیمې وې. (۲۷:ص. ۸) ابن بطوطه په ۱۳۳۳م. کې د یوه تجارتي کاروان سره د بلخ، کابل، لوګر، غزني، پکتیا او کرمې له لارې هندوستان ته تللي او په کابل کې افغانان (پښتانه) مېشت ګڼي او د غزني په اړه لیکي چې د غزني ښار زیاتره برخې په خپل حال ویجاړې پرتې وې او ډېره کمه برخه یې آباده شوې وه. ددې ښار هوا په ژمي کې ډېره سړه وي، نو ځکه ددې ښار اوسیدونکي کندهار ته ځي. (۲۸:صص. ۴۰۰- ۴۰۱)

د تاریخ گردیزي (۴۴۲- ۴۴۳ هجري) د ۴۳۸ مخ، د تواریخ حافظ رحمت خانی د ۵، ۳۵، ۴۲ مخونو، د سیرت جلال الدین منکبرني د اثر د ۹۱ مخ، د مطلع اسعدین د ۲۳ مخ، د تاریخ بیهقی د ۲۵٦، ۲٦۰، ۲۷۱، ۴۲۵، ۴۹۹ مخونو په حواله پښتانه د غزني په ښار او د هغه په شاوخوا کې اوسیدل.

برېڅي د پښتنو یوه لرغوني قبیله ده او د ریگویدا د سرودونو په زمانه کې د ارغندا و او هلمند ترمنځ اوسیدل. د چنگیزیانو او امیر تیمور پرمهال په زرنج، بست او ښوراوک کې اوسیدل او د تیمور د یرغل په نتیجه کې د هغوی یو شمېر له دغو سیمو کډه شول. (۲۹:صص. ۱۳۱- ۱۳۲) امیر تیمور د کندهار د فتحې پر مهال د پښتنو ذکر د ((پاتان یا پټان)) په ښه کوي. او په غور کې د ابدال غلجي واکمني را پېژني. (۳۰:صص. ۲۲۷- ۲۳۱) غبار لیکي چې په نهمه هجري قمري پېړۍ کې په قلات غلجایي کې توخیانو محلي حکومت درلود. دغه راز عمر خان ابدالي د نهمې هجري قمري پېړۍ په پیل کې د گرم آب او ارغسان په سیمه کې محلي

حکومت درلود او په ۸۴۰ هـ . ق. کې د ده زوی ((سدوخان)) واک ته ورسید. (۳۱:صص. ۲۷- ۳۰)سدوخان د سدوزیو ستر نیکه و.

له پورتنۍ علمي څېړنې په ډاګه ښکاري چې پښتانه له لرغونو زمانو څخه بیا تر ننه په کندهار کې اوسیدل او اوسیږي. د مغولو او تیموریانو په وړاندې یې له خپل هېواد څخه نه یوازې دفاع کړې ده، بلکې د ((تاریخ نامه هرات)) د اثر په حواله په کندهار او د هغه وخت په افغانستان کې یې خپلواک محلي حکومتونه درلودل چې د مغولو په لاس له منځه لاړل. که څه هم د دوی محلي حکومتونه مغولو او تیموریانو له منځه یو وړل، خو پښتنو خپلو آزادي بخښونکو مبارزو ته تر پایه دوام ورکړ، تر هغې چې د میرویس هوتک په مشرۍ یې د خپل هېواد آزادي اعلان کړه.

ښاغلي دکتور انصاري د لیکنې په اړه باید ووایم چې د مغولو او تیموریانو یرغل نه یوازې د پښتنو سره د کندهار په نیولو کې مرسته کړې، بلکې پښتانه یې له کابل، غور، هرات او کندهار څخه کډه کولو ته اړایستل. کندهار ته د کندهاریانو مهاجرت په پنځلسمه مېلادي پېړۍ کې لومړنی مهاجرت نه و او نه کندهار د لومړي ځل لپاره ددغه مهاجرت په لړکې تصاحب شو، بلکې کندهار د پښتنو لرغونی ټاټوبی و او دی.

هغه تاریخی آثار چې په دغه لیکنه کې تر دې ځایه د مأخذ په توګه وربانديې استناد او تأکید وشو، دا واقعیت په ډاګه کوي چې په تاریخي افغانستان کې د پښتنو د ژوندانه لومړنۍ زانګو یوازې د سلیمان غرونه او د هغوی ګاونډۍ سیمې نه شمېرل کیږي، بلکې د ۲۰۰۰ق.م. په شاوخوا کې یو شمېر پښتانه په بلخ کې پاتې شول او بلې برخې یې تر غور، هرات، سیستان او د هندوکش په جنوب کې تر سنده اوان ترسند هاخوا یې مهاجرت وکړ او یوه پراخه سیمه یې تر خپلې ولکې لاندې راوسته او تر ننه په دې پراخه سیمه کې اوسي. په پای کې د داکتر انصاري دغه نظریه چې له ویهند څخه پښتنو په تدریج سره د هندوستان، پاکستان او افغانستان په لور مهاجرت وکړ، یوه غیر مستنده نظریه ده. د ګندهارا یا ویهند درې څخه مقصد د کابل او پېښور وادي ده او دا د تاریخي افغانستان یوه لرغونې برخه وه چې له دې لارې آریایي قبایل او وروسته نور قومونه تر هندوستانه تللي دي. که څه هم په

پنځمــه مــیلادي پېــړۍ کــې د ګنــدهارا د ســیمې ځینــې ولســونه د هلمنــد او ارغنداوغاړوتـه وکوچیـدل او هلتـه یـې د ګنـدهارا یـا د کنـدهار نـوم لـه ځانـه سره ولېږداوه، خو دا ددې معنا نه لري چې ګویا پـه کنـدهار کـې د دوی لـه ورتـګ څخـه مخکې پښتانه مېشت نه وو. هانري والټر بیلیو دغه مهاجرت تاییدوي او لیکي چې د ګندهارا مهاجرین په کندهار کې له محیطي خلکو سره مېشـت شـول. (۳۲:صـص. ۲۱٦- ۲۱۷) دغه محیطي خلک مـوږ پـه تېـرو مخونـو کـې پښـتانه وښـودل چـې پـه آریایي لېږد کې د آریانا جنوب لویدیځ، جنوب او ختیځ ته راغلل او لاتراوسه پـه دغـو سیمو کې اوسیږي.

دوهمه موضوع چې د ډاکتر انصاري په کتاب کې راغلي او دغـور وړ ده هغـه په غور کې د پښـتو او د پښـتنو د موجودیـت ردول دي. انصـاري لیکـی ((بـدون پټـه خزانه حضور پشتون ها در غور نیز هـیچ گونـه اثـر تـاریخی دیگـری تاییـد نمـی کنـد بدین جهت همین امر خود تردید آور است...)) (۱:ص ۱۱۷)

د جوزجاني په قول، د غوري او سوري واکمنو د نسـب لـړۍ تـر ضـحاک پـورې رسي. (۳۳: ۳۲۱- ۳۲۴ مخونه) محمد هوتک د تاریخ سوري پـه قـول لیکـي چـې د سهاک له پښته وو. (۳۴:ص. ۱٦) مـوږ اوس هـم پښـتانه سـهاک پـه کابـل، لغـمان، لوګر او ځینو نورو ولایتونو کې لرو چې پـه غلجیـو ګـډېږي. دغـه راز سـوري او لـودي قبایل هم په غلجیو ورګډېږي. (۳۵:صص. ۱۵۸، ۱۷٦، ۲۲۹) ټـول روایتونـه پـه دې موافق دي چـې پښـتانه پـه ډېـرې لرغـونې زمـانې کـې د غـور پـه غرنـۍ سـیمه کـې اوسـېدل او داسـې ښـکاري چـې دوی لاپخـوا د سـلیمان غرونـه خپـل کـړي وو. د سلیمان غرونه په خپل پراخ مفهوم سره د افغانستان ټول جنوبي غرونه پـه ځـان کـې رانغاړي. خو دا یقیني ده چې د غور شاهزادګان د پښتون سور قوم تـه منسـوب وو او د دوی کورنۍ حتی په یوولسمې پېړۍ کې هم اوږدتاریخ لاره، داسـې ښـکاري چـې غور، فیروز کوه او هم بامیان د دوی لوی ښارونه وو. (۲۷:ص. ۱٦۵)

د تواریخ خورشید جهان لیکوال، لیکي، چې په غور کې د سړبني، بټنـی، غـور غشتی، متي او کرراني (کرلاڼي) قبیلو نفوس خورا زیات شو، د خلکـو د اوسـېدنې او د حیواناتو د روزنې او پالنې لپاره یې نور د اړتیا وړ امکانات نه لـرل، نـو ځکـه د دغـو قبایلو یوه برخه له غورستان څخه را ووتله او په هـرات، کنـدهار، غـزني او کابـل کـې

مېشت شوله، حتی تر بلوچستان، کشمیر او هندوستان پورې تیت او خپره شوله. (۲٦:ص. ۲۰٦)

بیلیو لیکي، چې د افغان قوم په اتمه مېلادي پېړۍ کې را څرګند شو. د عربو د لښکرکشۍ پرمهال د سیستان شمال پلوته د غور په غرنیو سیمو کې پراته بدوي داړه مارغرنیان اوسیدل، چې د افغان او د جمع په شکل د افاغنه په نامه باندې پېژندل کیږي، دوی زیاتره کوچي، خو ډېر جنګیالي، ښه پوځي او حکومتي استعدادونه لري. افغانانو په غزنوي دربار کې ستر قدرت او نفوذ و موند او بالاخره د غزنویانو قدرت د غور افغان ته ور انتقال شو. د غزني د شاهي کورنۍ غوري افغانانو د غور د سور په قبیلې پورې اړه درلوده. دوی سوري افغان وو. (۳۲:صص. ٤٦۸-٤٦۹)

پژواک لیکي چې د غور پښتانه څلور زره کاله وړاندې د آریایي قومونو هغه ښاخ دی چې له باختره یې حرکت پیل او هریرود او فراه رود خواته راغلل او دلته د غور په زړه پورې هوا د دوي پاملرنه ځان ته واړوله او دلته د سوري پښتنو ټبرآبادشو. (۳٦:ص. ۱۰۱) توروایانا ورته نظر لري او لیکي، چې غوري یا د غور پښتانه د آریایي قبایلو یو مهم ښاخ دی او په لرغونو زمانو کې د نورو آریایي قبایلو سره افغانستان ته راغلل او په پخوانۍ آریانا کې له خپلو ورونو سره اوسیدل.(۵:ص. ۲۳٦- ۲۳۷) کهزاد ورته نظر لري او لیکي چې د غور آریایي قوم هماغه افغان سوریان دي چې د نوم په لومړي ترکیب کې یې د (سور) یا لمر کلمه ورګډه ده او د سور کلمه تر اوسه په پښتو کې ساتل شوې ده. (۳٦:صص. ۱۰۱- ۱۰۲)

شېرشاه سوری چې سوري قوم ته منسوب و، انګریزي مؤرخ سر اولف کارو یې داسې راپېژني: ((شېرشاه سوري د پښتون قوم او ټولنې یوه داسې مهمه ټوټه ده، چې ټولې ټوټې سره نښلوي. تردې وروسته به دا قوم ټول سترګې په لار وي چې د شېرشاه سوري غوندې لارښود یې په برخه شي او دا ټوټې او پارچې قوم سره یو کړي او د پښتون قوم په تاریخ کې ځای ولري. (۳۷:ص. ۲۲۹) فرانسوي مؤرخ ګروسه لیکي چې د ۱۱۵۰م. کال په شاوخوا کې د ((سوري)) په نامه یوې افغاني قبیلې د غزنویانو پر ضد پاڅون پیل او د هرات او بامیانو ترمنځ یې د مخالفت بیرغ ورپاوه.)) (۳۸:ص. ۲۸۲)

مشهور انگریز ختیځ پېژندونکی لین پول لیکیچې غوري افغانانو د محمد سوري تر مشرۍ لاندې ژوند کاوه او د سلطان محمود غزنوي ځایناستی د غوري کلکو افغانانو په وړاندې ماتې وخوړه. (۳۹: ۲٦۲- ۲٦۳ مخونه) جرمني ختیځ پېژندونکی پروفیسور مارکوارت لیکي کله چې سبکتگین غزنی تر خپل واک لاندې راوست، هماغه مهال د غور افغانان (افغانیه غور) دده په لښکرو کې شامل وو. (۲۵:ص. ۱٦۱) نعمت الله هروي هم د لودیانو د نسب لړۍ تر بهرام غوري پورې رسوي او زیاتوي چې سلطان شهاب الدین غوري هند ته په خپله دریمه لښکرکشي- کې له غور څخه دولس زره پښتانه جنگیالي له ځانه سره بوتلل او ملک محمد لودي د زیاتې مېړانې له امله د پوځونو سپه سالار وټاکل شو. (۴۰:صص. ۱۲۰- ۱۲۱)

سلطان شهاب الدین غوري د افغانانو ډېرې کورنۍ له غور څخه راکډه کړلې او د هندوستان سره یې پر سرحد باندې د یو گارډ په څېر ځای پر ځای کړې، څو د اړتیا په صورت کې د افغانستان له سرحدونو څخه دفاع وکړي. (۳۲:ص. ۴۵۱) دغه راز نعمت الله هروي لیکي چې سلطان شهاب الدین غوري هند ته په خپله دریمه لښکرکشۍ کې له غور څخه دولس زره پښتانه جنگیالي له ځان سره بوتلل او د هند تر فتحې وروسته ددغو پښتنو جنگیالیو کورنۍ د شل زره کسانو په مرسته له غور څخه را کډه کړې او د روه او د سلیمان په غرونو، اشنغر، سواد (سوات)، باجوړ، د کابل نه ترنیلابه او له کندهاره ترملتانه یې آبادې کړې. ملک محمود لودي چې د غور د پښتنو مشرو، د هندوستان په فتح کې له مېړانې ښودنې وروسته د سلطان شهاب الدین غوري د پوځونو سپه سالار وټاکل شو. (۴۰:صص. ۱۲۰- ۱۲۱)

ملسن په خپل اثر (تاریخ افغانستان) کې لیکي چې د غورشاهان او د دوی رعیت دواړه د پښتنو له نسله دي. همدارنگه مستر برون، ویلیم بل او فریه غوریان افغانان گڼي. د روسي پروفیسور ډورن او د ډي گنگویس له څېړنو او پلټنو ښکاري چې غوریان سوچه پښتانه وو. (۴۱:ص. ٦۲) رومیلا زیاتوي، چې ((شېرخان)) د افغاني امیرانو له جملې څخه یو امیر و. (۴۲:ص. ۳۸۴)

شېرشاه سوري له خپلو پښتنو سره چې له کابل، کندهار او هلمند څخه هند ته ورتلل، په پښتو ژبه خبرې کولې، ځکه دی پردې پوهېده چې ملي پښتو ژبه پر یووالي او پښتونولۍ باندې څومره اغېزه کوي. (۴: ۱۷۷ مخ) په اکبرشاهي کې

راغلي چې شېرشاه د حسن سور زوی او د پښتنو له سوري طایفې څخه دی. (۴:ص. ۱۷۷)

د شېرشاهي تاریخ لیکوال، لیکي چې شېرشاه سوري له ټولو پښتنو او د هغوی له سردارانو سره په پښتو ژبه غږیده او په څرګنده یې ویل: (پښتو ژبه، زما دیره خوښه ده)). د پښتنو څخه یې په پښتو ژبه پوښتنې کولې، هر چا به چې په روانه پښتو ځواب ورکړ بیا به یې ورته ویل: لینده وباسه، که لینده به یې په ښه ډول وایستله، نو بیایې د هغه تنخوا د نورو په پرتله ډیره زیاتوله. (۴۳:صص. ۷، ۲۰۴-۲۰۵)

د ((تمدن ایرانی)) اثر لیکوالان، غوري واکمنان د افغاني سلسلې په توګه را پېژني. (۴۴: ۴۱۲مخ) په لغت نامه دهخدا کې راغلي چې شېرخان سوري د افغانانو له آریایي نژاده طایفې څخه و او په هند کې یې د یوه حکومت بنسټ کېښود. (۴۵:ص. ۱۴٦۷۴) یو بل ایرانی لیکوال، ابری لیکي چې غوریان او په ځانګړې توګه د غرنیو سیمو اوسیدونکو تر پنځمې پېړۍ پورې په پښتو ژبه خبرې کولې او له هغه وروسته د ګاونډیو ولایتونو سره د اړیکو، تګ او راتګ، پوځي سوقیاتو او مهاجرتونو په نتیجه کې ورو ورو دغه ځای ته فارسي ژبو لار وموندله. (۴٦:ص. ۸)

عربي لیکوال، شاکر لیکي چې د غور او هندوکش په جنوبي غرونو کې پښتانه اوسیدل.(۴۷:ص. ٦۴ مخ) دغه راز ګوډ تیمور په خپل اثر ((منم تیمور جهانګشا)) کې لیکي چې غلجي د غور په هېواد کې ژوند کوي او د غور د هېواد پادشاه (ابدال غلزایي) په نامه یادیږي. (۳۰:صص. ۲۲۷، ۲۸۰) جوزجاني لیکي، چې خلج په غور کې د یوې سیمې نوم دی او هم زیاتوي چې ملک غازي (اختیارالدین) محمدبختیار خلجي د غور له ګرمسیر څخه و او په هند کې د قطب ایبک لوی قوماندان و. دغه راز محمد شېران خلجي، احمد شېران خلجی، ملک علاءالدین خلجي، ملک حسام الدین خلجي او عوض حسین خلجي د غور له مشهورو شخصیتونو څخه وو. (۳۳:صص. ۴۲۲- ۴۲۵، ۴۳۳- ۴۳۵)

لیکوال، رحیم لیکي چې د شېرشاه سوري زوی اسلام شاه سوري ملا عبدالله سلطانپوري ته وویل: ښاغلیه ته نه پوهیږې چې دلته په هند کې نهه لکه افغانان او سیږي او زما ځای ډکولی شي. (۴۸:ص. ۱۲۱) خو پروفیسور پریشان ختک د

((افسانه شاهان)) د خطي نسخې چې د هند په مرکزي کتابتون او د برتانوي موزیم په کتابتون کې خوندي ده، په حواله لیکي: ((اسلام شاه سوري وویل، که زه مړ شم، نو د هندوستان په دیارلس لکه پښتنو کې به یو څوک پیدا شي چې زما تخت او تـاج سمبال کړي)). (۴۹:ص. ۲۸۰) ابراهیم زی زیاتوي چې په پخوا زمانو کې بیټنـي لـه نورو افغاني طایفو سره یو ځای په غور کـې اوسـیدل. لـه غـور څخـه نومـوړي پښـتانه لومړی زابلستان او بیا کابل ته راغلل او د سلیمان غرونو په لویدیځـه برخـه کـې آبـاد شول. (۲٦:ص. ۲۰٦) په مخزن افغانی کـې راغـلي چـې کنـد د خرشـبون زوی دوه زامن درلودل. د لومړي زوی اصلي نوم یې شیخ ابـراهیم و، څرنګـه چـې نومـوړی پـه غور کې زیږیدلی و نو له دې امله یې هغه ته غوري خطاب کـاوه. (۵۰:صـص. ٥٦٦-٥٦٧)

روسي مؤرخین، ماسون او رومادین لیکي، چې غـوري شـاهي کـورنۍ پـه ختـه سوري پښتانه وو. (۵۱:ص. ۲٥٦) حمدالله مستوفي لیکي چې د غور پادشـاهان پـه اصل کې د غور د سوري پادشاه له نسله وو. (۵۲:ص. ۴۰۲) بارتولـد لیکـي، چـې د غور د خلکو ژبه د خراسان د خلکو له ژبې سره څرګند توپیر درلـود. (۱۳:ص. ۷۰۹) نوموړی لیکوال په یوه بل اثر کې زیاتوي چې د غوریـانو ژبـه پـه دومـره انـدازه د اوارو سیمو د خلکو له ژبې سره متفاوته وه چې امیر مسعود غزنوي د ژباړونکو په وسیله لـه هغوی سره خبرې کولې. (۷:ص. ۱۰۴) د غزنوي دربـار د منشيـ او لیکـوال بیهقـي پـه قـول، امـیر مسـعود د ژبـاړونکو پـه وسـیله لـه غـوري امیرانـو سره خـبرې وکـړې. (۵۳:ص. ۱۱۷) د پورته خبرو معنا داده چې غوري واکمنان او امیران د خراسـان پـه ژبو نه پوهیدل، ځکه د دوی ژبه پښتو وه.

غبار هم د قبل المیلاد څخه پخوا د غور ولایـت تـه د پښـتنو راتـګ تاییـدوي او لیکي چې د دوی وطن وروسته د غور په نامه مشهور شو. غور او غر د پښـتو لرغـوني کلمې دي او د وخت په تېریدو سره دغې کلمې پر غرج، غرچ او غرش باندې اوښـتي دي او په اسلامي دوره کې پر غرجستان باندې شهرت پیدا کوي. دغلجیو او غلزیو د یوې طایفې نوم هم همدغه ولایت غرچ او یا غور ته منسوب دی او یو شـمېر مؤرخینـو د خلج په نامه نومولي دي. (۵۴:ص. ۱۴٦)

د تاریخ فرشته په قول، خلجي نننی غلجي دي. فرشته زیـاتوي، چـې پـه ۷٦۰

م. کې د پښتنو او د لاهور راجه جیپال او د اجمیر راجه ترمنځ جګړه ونښته، نو ځکه، د پښتنو په ملاتړ د غور، خلج او کابل پښتانه ودرېدل، چې په نتیجه کې راجه ګانو ماتې وخوړه او د ملتان حکومت یې شیخ حمید لودي ته تسلیم کړ. (۵۵: ۳۱۳- ۳۱۵ مخونه) فرانسوي ختیځ پېژندونکی جیمزدارمستتر خلجي او غلجي یو مفهوم او مترادفې کلمې ګڼي. (٥٦:صص. ۷۴۲- ۷۴۳) او انګریزي مؤرخ اولف کارو هم خلجي نني غلجي ګڼي او زیاتوي چې لودیان او سوریان هم غلجیان وو. (۳۷:صص. ۲۰٦- ۲۰۷) خوشحال خان ختک هم خلجي د غلجي په نامه راپېژني. (۵۷:ص. ۴۲۴) دهلوي لیکي چې د هندوستان په پښتنو پاچاهانو کې شېرشاه سوري یو بې همتا پاچا تېر شوی دی. دی یو غیرتمن پښتون او نیک زړی انسان و.(۵۸:صص. ۳۳- ۴۵) یو بل هندی لیکوال، صدیقي زیاتوي، چې سوریان پښتانه وو. (۵۹:صص. ۳۹- ۴۰) سیفي هروي په خپل اثر (تاریخ نامة هرات ۷۲۱- ۷۲۲هـ.ق.) کې د سوري قبیلې د مشرانو شعیب او سندان د نومونو ترڅنګ د افغان کلمه راوړي او دوی ته د افغان خطاب کوي. حتی د ملک شمس الدین کرت د هیأت په ترکیب کې د سام افغان نوم راوړي. (١٦:صص. ۲۰۸- ۲۱۲)

زمچي لیکي، د تیمور د یرغل په وړاندې ملک محمد د غور د زیاتو مغرورو فټانانو (پښتنو) په مرسته پر هرات برید وکړ او د اختیارالدین په کلا کې یې ټول مغول ووژل. (۱۴:صص. ۴۳- ۴۵) مرحوم خلیلي کابو ۷۹ کاله وړاندې په خپل اثر (آثار هرات) کې د غور ولایت د غوریان، قلعه نو، مرغاب، چغچران، جوند، شهرک، فراه رود، تولک او فرسي په سیمو کې د بیلا بیلو پښتني قبایلو نومونه او د هستوګنې ځایونه را په ګوته کوي. (٦٠:صص. ٧٦، ۸۱- ۹۵) دغه راز عبدالبصیر د غور ولایت د دولینه ولسوالۍ اړوند د سلمن کلي اوسیدونکی ما ت د یوې پوښتنې په ځواب کې وویل: ((زه په قوم تایمني پښتون یم او د تایمني له قوم څخه زموږ په ځای کې د هزارخان، عیني او غیبي په نامه درې نورې پښتني ځانګې هم اوسېږي. (کابل: د مرکې نېټه: ۱/ ۱۱/ ۱۳۹۵).

مشهور روسي مؤرخ اریستوف لیکي چې پښتانه په اتمه مېلادي پېړۍ کې په غور کې اوسیدل او د عربو له خوا د هغوی یو شمېر مسلمانان شول. د پښتنو لرغونی نوم پښتون دی او په ۴۰۵ خیلونو ویشل شوي دي چې یو شمېر یې د آمو او

سند د سیندونوترمنځ اوسیدل. (٦١:صص. ٢٣- ٢٤)

د پښتنو د نسب او شجرې په اړه آثار، لکه مخزن افغاني، مرآة الافغاني، د ابراهیم بیټني تاریخ، تواریخ خورشید جهان، حیات افغاني، صولت افغاني، جامع التواریخ، تحفةالبشتون، خلاصةالانساب او په لسګونو نور دغه ډول آثار په تواتر ډول لیکي چې د پښتنو یو لرغونی ټاټوبی غور دی. (٢٣: سریزه ، پنځلسم) بناءً ډاکتر انصاري باید دا واقعیت ومني چې پښتانه له لرغونې زمانې راهیسې په غور کې اوسیدل او لا تر اوسه هم اوسېږي.

زما د نقد درېمه موضوع د انصاري په کتاب کې د محمد هوتک د اثر ((پټه خزانه)) ردول دي، خوزه په دې اړه خپل نظر نه وړاندې کوم او په ډېر درنښت له انصاري څخه هیله کیږي چې د پټې خزانې د دریم چاپ په سریزه کې د علامه حبیبي هغه لیکنه چې د کورنیو او بهرنیو شکاکانو په ځواب کې یې کښلي ده، له ٣ تر ٤٤ مخ پورې ولولي او انشاءالله شک به یې د کندهار د یوه اوسیدونکي په توګه رفع شي.

نتیجه

مستندې تاریخي منابع په ډاګه کوي چې په پنځلسمه مېلادي پېړۍ کې د ګندهاریو مهاجرت نننی کندهار ته نه یوازې لومړنی مهاجرت نه دی، بلکې دغه مهاجرت په پنځمه عیسوی پېړۍ کې شوی دی او هلته له نورو پښتنو سره یو ځای مېشت شوي دي. په کندهار کې پښتانه ان له مېلاد څخه پخوا اوسیدل او د آریایي مهاجرت په بهیر کې دلته راغلی دي. دوهم دا چې غور د پښتنو یو له لرغونو استوګنځایونو څخه دی او په دغه سیمه کې لا تراوسه پښتانه مېشت دي چې یو شمېر یې پښتو ژبه له لاسه ورکړې، خو یو شمېر یې لا په پښتو ژبه خبرې کوي. دریم دا چې د پټې خزانې په څېر د افغانستان او د سیمې نورو ډیرو آثارو ته ولې د جعل خطاب نه کیږي؟ ځواب روښانه دی او هغه دا چې یو شمېر په تعصب ککړ او ګرفتار کسان نه غواړي د خپل ورور قوم فرهنګي او تاریخي بریاوې او لرغونی تاریخ غوړیدلی او پرانیستی ووینې. په پای کې زه له ډاکتر انصاري څخه پوښتم، چې ((شرح دردهای خراسانیان)) او د مومند نقد پر پټه خزانه باندې آیا دومره مستند او علمي کتابونه دي چې د هغوی پر بنسټ د پټې خزانې اثر یو جعلي اثر وګڼل شي؟

دا د انصاف او عدالت نه لرې خبره ده. هر څوک د رد او نقد حق لري، خو دا په دې معنا نه ده چې د هر رښتيني مؤرخ لپاره دتاييد وړ وګرځي او يا د تاسو په شان د تاييد مهر پرې ووهي. ښه او بهتر محقق هغه دی چې مستند او لومړي لاس منابع وکاروي او د هغوی پر بنسټ موضوع مدلله کړي.

مآخذ

۱- انصاری، فاروق. اوضاع سیاسی، اجتماعی و جغرافیای تاریخی قندهار (بعداز اسلام تا پایان عصر صفوی)، جلد اول، قم، انتشارات مجلسی، ۱۳۸۰ش.

۲- کهزاد، احمد علی. د افغانستان پخوانی تاریخ، لومړی ټوک، پښتو ژباړونکی: محمد یونس مراد او نور، کابل: دولتي مطبعه، ۱۳۳۴ش.

۳- جلالي، علي احمد. مطالعه تاریخ افغانستان از نگاه عسکري، جلد اول، چاپ اول، کابل: مطبعه وزارت دفاع، ۱۳۴۳ ش.

۴- عبدالله. داودي تاریخ، د عبدالطیف طالبي ژباړه، دوهم چاپ، پېښور: دانش خپرندویه ټولنه، ۱۳۵۸ ش.

۵- توروایانا، نجیب الله. آریانا یا افغانستان، دوهم چاپ، پشاور: مؤسسه انتشارات الازهر، ۱۳۷۹ ش.

٦- حبیبي، عبدالحی. تاریخ مختصر افغانستان، جلد اول، چاپ اول، کابل: انجمن تاریخ، ۱۳۴٦ ش.

۷- بارتولد، واسیلی ولادیمیرویچ تذکرة جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه سردادور طالب زاده، چاپ اول، تهران: چاپ خانه اتحادیه، ۱۳۰۸ش.

۸- رشاد، عبدالشکور. د کندهار یادښتونه، لومړی او دوهم ټوک، چاپ اول، پېښور: دانش خپرندویه ټولنه، ۱۳۸٦ ش.

۹- باسورث، کلیفور دادموند. تاریخ غزنویان، جلد دوم، ترجمه حسن انوشه، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴٦ ش.

۱۰- میر حسین شاه. ((اوکتای وایالت جنوب غرب افغانستان))، آریانا مجله، اوومه ګڼه، کابل، ۱۳۳٦ ش.

۱۱- گوتشمیده آلفرد. تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان سکندر تا انقراض اشکانیان، ترجمه کیکاووس، تهران: ققنوس، ۱۳۱۹ ش.

۱۲- جوینی، علاءالدین عطا ملک. تاریخ جوینی، جلد دوم، لندن: مطبعه بریل، ۱۹۱٦م.

۱۳- بارتولد، واسیلی ولادیمیرویچ. ترکستان نامه، جلد دوم، ترجمه کریم کشاورز، تهران: بنیاد نشرات فرهنگ، مطبعه داور، ۱۳۵۲ ش.

۱۴- زمچی اسفزاری، معین الدین: روضات الحیات فی اوصاف مدینة الهرات، جلد دوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ ش.

۱۵- کهزاد، احمد علي. افغانستان در شاهنامه، چاپ اول، کابل: د بیهقي د کتاب- خپرولو مؤسسه، ۱۳۵۵ ش.

۱٦- هروی، سیف بن محمد، تاریخ نامه هرات، لومړی چاپ، کلکته: د گلشن افسټ چاپخونه، ۱۹۴۳م.

۱۷- زمچی اسفزاری، معین الدین. روضات الجنات فی اوصاف مدینة الهرات، لومړی ټوک، تهران: تهران پوهنتون، ۱۳۳۹ ش.

۱۸- ابی بکر الکوفی، علی بن حامد. فتحنامه سندالمعروف به چچنامه، دهلی: لطیفي مطبعه، ۱۳۳۹ ش.

۱۹- آخوند، درویزه. تذکرة الابراروالاشرار، هند، مطبعه پریس، ۱۳۰۸ ش.

۲۰- سمرقندی، عبدالرزاق. مطلع السعدین و مجمع البحرین، دوهم ټوک، لومړی جز، لاهور: گیلاني چاپخونه، ۱۹٦۳ م.

۲۱- حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله. زیدت التواریخ، لومړی ټوک، لومړی چاپ، تهران: نشرنی، ۱۳۷۲ ش.

۲۲- حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله. جغرافیای حافظ ابرو (۸۳۳ هـ .)، دریم ټوک، تهران: ۱۳۸۸ ش.

۲۳- تړی، حبیب الله. پښتانه، پېښور، دانش خپرندویه ټولنه، ۱۳۷۷ ش.

۲۴- کهزاد، احمد علي. آریانا، چاپ دوم، کابل: انتشارات امیري، ۱۳۸٦ش.

۲۵- مارکوارت، یوزف. ایرانشهر در جغرافیای بطلیموس، ترجمه مریم میر احمد، تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۸۲ ش.

۲٦- ابراهیم زی گندا پور، شیر محمد خان. تواریخ خورشید جهان، لاهور: اسلامیه مطبعه، ۱۸۹۴م.

۲۷- الفنستن، مونټ ستوارټ. د کابل سلطنت بیان، لومړی ټوک، د محمد حسن کاکړ او نصرالله سوبمن ژباړه، د افغانستان د علومو اکاډمي، کابل: دولتي مطبعه، ۱۳۵۹.

۲۸- رحله، ابن بطوطه. سفرنامه ابن بطوطه، لومړی ټوک، تهران: د بنگاه کتاب خپرولو مؤسسه، ۱۳۳۷ ش.

۲۹- کهزاد، احمد علي. لشکر گاه، کابل: دولتي مطبعه، ۱۳۳۲ ش.

۳۰- مارسل، بریون. منم تیمور جهانگشا (سرگذشت تیمور به قلم خود او) د ذبیح الله منصوري ژباړه، تهران: د مستوفي کتابتون خپرونه، ۱۳٦۲ ش.

۳۱- غبار، میرغلام محمد، ((فهرست قسمتی از امرای محلی افغانستان))، مجله آریانا، شماره هفتم، ۱۳۲۳ش.

۳۲- بیلیو، هانری والتر، د افغانستان د اتنو گرافۍ په باب پلټنه، د محمد انور نومیالي ژباړه، کندهار: علامه رشاد خپرندویه ټولنه، ۱۳۹۰ ش.

۳۳- جوزجاني، منهاج سراج. طبقات ناصري، لومړی ټوک، دوهم چاپ، کابل: پوهنې مطبعه، ۱۳۴۲ ش.

۳۴- هوتک، محمد، پټه خزانه، دریم چاپ، کابل: دولتي مطبعه، ۱۳۵۴ ش.

۳۵- طالبي، عبداللطیف، پښتني قبیلې، پېښور: دانش خپرندویه ټولنه، ۱۳۸۵ ش.

۳٦- پژواک، عتیق. غوریان، د اورنگزیب ارشاد ژباړه، پېښور: دانش خپرندویه ټولنه، ۱۳۸۸ ش.

۳۷- کارو، سر اولف. پښتانه، د الحاج شېر محمد کریمي ژباړه، پېښور: دانش کتابتون، ۱۳۷۸ ش.

۳۸- گروسه، رنه. امپراتوري صحرانوردان، د عبدالحسین میکده ژباړه، تهران: علمي او فرهنگي چاپخونه، ۱۳۷۹ش.

۳۹- لین بول، استانلی. طبقات سلاطین اسلام، د عباس اقبال ژباړه، تهران: د مهر مطبعه، ۱۳۱۲ ش.

۴۰- هروی، نعمت الله، تاریخ خان جهانی ومخزن افغاني، لومړی ټوک، ډاکه: زیکوپرس، ۱۹٦۰م.

۴۱- سوبمن، نصرالله. پښتانه په هند کې، لاهور: ملت چاپخانه، ۱۳۸۰ ش.

۴۲- تاپاز، رومیلا. لومړی ټوک، د همایون صنعتي ژباړه، قم: د ادیان خپرونه، ۱۳۸۰ ش.

۴۳- سرواڼی، عباسي. شیرشاهي تاریخ، د دولت محمد لودین ژباړه، کابل: دولتي مطبعه، ۱۳۵۴ ش.

۴۴- د لیکوالو ډله، تمدن ایراني، د عیسی ژباړه، تهران: د کتاب خپرولو او ژباړې مؤسسه، ۲۰۰۸ م.

۴۵- د هخدا، علي اکبر، لغات نامه د هخدا، لسم ټوک، تهران: د تهران پوهنتون، ۱۳۷۷ ش.

۴٦- ابری، اصغر فروعی. تاریخ غوریان، پنځم چاپ، تهران: سمت، ۱۳۸۹ ش.

۴۷- شاکر، محمود. افغانستان، بیروت: د رسالې مؤسسه، ۱۹۷۴ م.

۴۸- محمد رحیم. په هندوستان کې د افغانانو تاریخ (۱۵۴۵- ۱٦۳۱ م.) ، د محمد حسن ضمیر صافي ژباړه، کابل: کابل پوهنتون، ۱۳٦۳ ش.

۴۹- خټک، پرېشان. پښتانه څوک دي؟، لومړی ټوک، د هجرت الله اختیار ژباړه، جلاآباد: د مومند خپرندویه ټولنه، ۱۳۹۰ش.

۵۰- هروی، نعمت الله. تاریخ خان جهان و مخزن افغاني، دوهم ټوک، ډاکه: زیکوپرس، ۱۹٦۲ م.

۵۱- و. م. ماسون، و. ا. رمادین. د افغانستان تاریخ لومړی ټوک، مسکو، ناوکا، ۱۹٦۴ م.

۵۲- مستوفي، حمدالله، تاریخ گزیده، دوهم چاپ، تهران: سپهر، ۱۳٦۲ ش.

۵۳- بیهقي، ابوالفضل محمد بن حسین. تاریخ بیهقي، کابل: دولتي کمیټه، ۱۳٦۴ ش.

۵۴- غبار، میرغلام محمد. ((فهرست قسمتي از امرأ محلی افغانستان))، آریانا مجله، دریمه گڼه، ۱۳۲۳ ش.

۵۵- استرآباد، محمد قاسم هندوشاه، تاریخ فرشته، لومړی ټوک، دوهم چاپ، تهران: ۱۳۸۷ ش.

٥٦- دارمستتر، جیمز. د پښتونخوا د شعرهارو بهار، دریم چاپ، کابل: پښتو ټولنه، دولتي مطبعه، ١٣٥٦ ش.

٥٧- خټک، خوشحال خان. کلیات، پېښور: دانش خپرندویه ټولنه، ١٣٨٤ ش.

٥٨- دهلوی، مظهر انصاري. پښتون شېرشاه، د عبدالرحیم ځدرانې ژباړه، کابل: آریانا مطبعه، ١٣٦٩ ش.

٥٩- صدیقي، اقتدار حسین. سلطنت افغانها در هند، د حمید الله امین ژباړه، پېښور: وفا، ١٩٩٠ م.

٦٠- خلیلي، خلیل الله. آثار هرات، دوهم چاپ تهران: عرفان، ١٣٨٣ ش.

٦١- اریستوف ا. ن. افغانستان او د هغه اوسیدونکي، پیترزبورگ، ١٨٨٩م.

List of Content

No	Title	Author	Page
1	A critical study on …	Shareef Zadran	147
2	Role of publication…	M.Ismail Mashwanay	147
3	Couse of narcotic addiction…	Anosha hashmi	146
4	Identifying suitable method…	Nasrin Tarin	145
5	Research on the Formation…	Farooq Ansari	143
6	The Role of peace…	Tooba Abavi Sadiq	142
7	Obsession and its prevention	Fazal Ahmad Ghorob	142
8	The Importance of…	Shir Ali Tazri	141
9	Suγd	Khalilullah Ormar	140

A critical study on the first volume of the book '' the political, social and historical geography of Kandahar post the emerge of Islam up to the epoch of Safavee''

Senior Research Fellow Shareef Zadran

Abstract

This article has been specialized for criticism and critic for the book of Mr. Farooq Ansaree'' Political. Social and Geography of History" (After Islam to the end of Safavee period).

The opinion of author that he claim. Pashton nations are immigrated in 15 th century from east to Kandahar and it is the first immigration of pashtons that they appropriated Kandahar's link and rich lands. Without patakhazana. None of the references confirm the availability of pashon nation in Ghor, The reference of Mohammad Hotak (Patakhazana), is a fake reference. Which make the subject of this article.

In this article, not only the opinion of Mr. Faroq Ansaree has been criticized and reject on the base of principle of scientific research and authentic references, but also for author of book and other countrymen to correction of these opinions, point out to authentic, true, scientific and historical references and present to them that they get benefit from.

Role of publication of technology in increasing government revenues

Assistant research M.Ismail Mashwanay

Abstract

The use of technology for various purposes like economic and

other social goals will bring a visible and tremendous change and such changes can be positive or adverse to the expectation of the individuals or society. Nevertheless, any changes due to technological advancement in the subject matter (production) not only brings considerable diversification in production method, further it identifies the new method of production as well.

The use of technology in financial and administrative affairs would help to boost these arenas in terms of financial transaction and other activities. It also helps organizations to developmental, mitigate corruption, and increase the level of revenues.

This article is examining the significance, meaning and the role of technology in administrative and financial affairs in economic development. It also shed light to the possibilities that technology would help countries to boost the government revenues and make the system more efficient. This article can name the qualified technological system such as SIGTAS, Asycuda and AFFIS and their implication in the country. However, this article will end up with conclusion, recommendations and references regarding the issue, being placed in a respective sequence.

Couse of narcotic addiction in adults and adolescents, and its anticipation ways

Researcher Anosha hashmi

Abstract

Irritable accident and cases which are the cause of Psychotic stress, deficit of access for a comfortable life, being doubtful to each other, it faced the human contemporary life to hallucination and no adoption, it can guide the sensible and thinker person toward addiction to narcotics, intoxicant,

tobacco and other digression, they will face to a big tragedy if the people couldn't control these harsh and though situations.

The present adults and adolescents who should use from their talent for building of the world, and rescuing the people from disease, unfortunately they have lost their ability because of addicting to narcotics and tobacco, and because they have destroyed all their physical and mental abilities.

Addicts need being supported, and it is not easy to control them from using the narcotics, intoxicant, and tobacco, but it is responsibility of everyone and the society as well as the international communities to persist fighting against the mentioned problems, moreover they should do save the human from gigantic problem.

As the addiction is mostly among adults and adolescents because of not prospect and restraining issues, therefor the same black deuce is a big problem in poor countries like Afghanistan, and it is impossible to eliminate it by an enormous publicity or preventing compain for resumption of adults and adolescents' health.

Identifying suitable method of foreign investment in Afghanistan

Researcher Nasrin Tarin

Abstract

Due to long years' war, political and security instability, the economy of Afghanistan sustained a lot of damages. Although our country economy is relativity progressed during the last years, but it is instability indicates the existence of structural problems in economy during this phase. The lack of the

required investment is one of these problems against the progress of the domesticated productions and the foreign investment is considered a recognize way solving the problem.

At present the investment can be supplied for the domesticated financial sources and foreign financial sources and one of the method of finance which is under the consideration is the direct foreign investment. Utilizing this investment, in addition to financial supply follows the other purposes such as transferring technology and science, expansion and transition of skill and management in order to raise the quality of the domesticated work force, provision of foreign markets for the exportable goods, standardizing the domesticated production and moving toward the market economy. In this part the state is obliged to assist and cooperate the domesticated industries and support them to draw the attention of foreign partners for their partnership

As per the existing economical, political and security problems, our country had much more ups and downs relevant the attraction of foreign investment during the last years. Whenever attention paid to the legal infrastructure, promote and support the private domesticated investments, heeding to the futility and usefulness of investment as well as taking necessary actions relevant political stability and security of the country, then this will lead to the attraction of much more foreign investment to Afghanistan .

Considering the achievement of the country in regional and international relations as well as in the fields of international trade, especially transportation infrastructures and change of viewpoints relevant the problem of Afghanistan, it is expected that the situation will be changed to the advantage of peace and stability. Due to this eagerness the participation of foreign investment will be increased in the economical capability and possibility of the country. Therefore research and identification

of suitable methods of investment are necessary for utility and it is discussed in this article.

Research on the Formation of the Political Parties in Decade of Democracy in Afghanistan

Research Fellow Farooq Ansari

Abstract

Freedom on political activities and development of what is called "Partisanism" within a relatively traditional society of Afghanistan to the wide extent were required to the changes in the system of governance. Mohammad Hashim Khan's resign in (1946) provide the foundation and resulted in the formation of the left and right-wing political parties within the country which by the indulge of some parties resulted in the extremism and considerably influenced the decade of democracy in Afghanistan.

Unfortunately, political parties' activities in decade of democracy in Afghanistan due to the lack of proper party discipline, impossible idealities, separation from the political rationality, and inattention to the influential local traditions since the start were accompanied by the dispersion and anarchy and couldn't help out to the legitimacy of the existing conflicts or stabilizing of the political system and destroyed the golden provided opportunity and again give this chance to the (Totalitarisme) to struggle and prevent the growth of Partisanism in the country.

This paper is going to investigate the subject by the

deduction on the historical resources.

The Role of peace and security in Reducing violence

Senior research fellow Tooba Abavi Sadiq

Abstract

Referring to the issue of peace and security, researches discuss the process that helps to overcome violence in post war countries for stablishing a peaceful society.

Stablishing of peace is a challenging task for post war countries especially for those facing with weak political and social structures, lack of resources and war affected society.

Definitely, peace establishment is impossible in the absence of national cooperation and reconciliation. Therefore, the role of law is considered to be the pre-condition and important factor for a peaceful society. Hence, to reduce the problems of insecurity and violence, it is important to share constrictive strategies with collaborating organization so that to we can fulfil our individual responsibilities and solve part of the problems our society and people are suffering from.

Obsession and its prevention

Senior Research Fazal Ahmad Ghorob

Abstracts

Obsessions are repetitive, unwanted, intrusive cognitive events that may take the form of thoughts, images or impulses. The

person with obsessions disorder knows this kind of thoughts and images are not normal but cannot leave them out of his mind. Obsessions are relatively common and that clinical obsessions differ from normal obsessions in degree rather than in nature. Most normal people experience obsessions in one form or another, but unacceptable thoughts or impulses that are similar in many ways to those experienced by patients being treated obsessive disorder. Two kinds of obsessions are important: obsessive compulsive disorder and practical obsession.

The both obsessions are similar from the form and content and reflected the anxiety and traumatic events in the life which resourced from the social and environmental motives; Like obsession from the wither pollution, diseases, tact and good order, cleanness, death and etc.

In this essay I tried to find the rout of obsession and study the behavior of the obsessive person. Also introduce and analysis the kind of obsessions, causes and the signs. At the end of the essay I give a conclusion and some recommendations for the obsessive's people.

The Importance of Marketing for Agricultural Outputs

Senior Research Fellow Shir Ali Tazri

Abstracts

As the integral part of economics, marketing is considered to play important role in boosting domestic and international trade, as for as, it is accounted to be the main factor for economic growth.

It is worth mentioning that since agricultural good has specific nature such as; rottenness, large volume, having much water and limited time for harvesting, its marketing is different than those

of the manufacturing goods. Therefore, the process of marketing for agricultural goods starts from the place of harvesting and continues until the product meets its final consumer.

Marketing for agricultural goods required the services such as; harvesting, sorting, processing, packaging, stocking, transporting and advertisement. These are the issues that have been described in this paper.

Suγd

Senior Research Fellow Khalilullah Ormar

Abstract

Avestan geography, is the geographical references in the Avesta, which are limited to the regions on the Aryānā plateau (of which mostly including today's Afghanistan) up to Indo-Aryāni border. It was common among the Indo-Aryāni to identify concepts or features of traditional cosmography-mountains, lakes, rivers, etc.—with their concrete historical and geographical situation as they migrated and settled in various places.

Vendidad references

The main Avestan text of geographical interest is the first chapter of the Vidēvdād. This consists of a list of sixteen districts (gava suγδō-Cayanem ,mvnayaC-ODGus) created by Ahura Mazda and threatened by a corresponding number of counter-creations that Angra Mainyu set up against them (paityāra-).

1. Airyana Vaēǰah; 2. Gava = Sogdiana; 3. Mōuru; 4. Bāxδī; 5. Nisāya= Maimana; 6. Harōiva = Areia, Herat; 7. Vaēkərəta; 8. Urvā; 9. Xnənta; 10 Haraxᵛaitī; 11. Haētumant; 12. Raγa; 13. Čaxra; 14. Varəna; 15. Hapta Həndu; 16. Raŋhā.

Published: Academy of Science of Afghanistan

Editor in Chief: Research Fellow Abdul Hakim Ramyar

AS. Editor: Rafiullah irfan

Editorial board:

Senior research fellow Sher Ali Tazari

Senior research fellow Abdul Jabar Abed

Research fellow Muhammad Mosa Rahimee

Research fellow Farooq Ansari

Research fellow Wajih ullah Shpoon

Composed & Designed By:

M.Mujtaba Hamayoun

Annual Subscription:

Price of each issue in Kabul :

- For Professors, Teachers and Members of Academy of Science of Afghanistan: 70 AF.
- For the disciples and students of schools: 40 AF.
- For other Departments and Offices: 80 AF.